

■ رویکرد، مسائل و سیاست امنیتی ۲۰۲۲ اوکراین

■ رویکرد، اولویت‌ها و سیاست

های امنیتی کشور ترکیه

■ رویکرد، اولویت‌ها و سیاست

های امنیتی کشور عربستان

■ رویکرد، مسائل و سیاست

های امنیتی آلمان

■ رویکرد، اولویت‌ها و سیاست

امنیتی افغانستان در دوره

طالبان

جان جوزف مرشایمر بنیان‌گذار نظریه رئالیسم تهاجمی



سال اول، شماره چهارم، نوروز ۱۴۰۲

گاهنامه علمی جدال

صاحب امتیاز:

انجمن علمی دانشجویی علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

مدیرمسئول:

علیرضا رحمتی

سردبیر:

سپهر خدابنده‌لو

هیئت تحریریه:

علیرضا رحمتی، سپهر خدابنده‌لو، آرمیتا پری پور، مجید

سلطان آبادی، ارشیا هفت برادران

نویسندگان:

سپهر خدابنده‌لو، علیرضا نبی، محمدحسین جمالی زواره،
فاطمه سعادت، مهرناز رزاقی، دینا قالیباف، فاطمه پرستش،
یاسمن شیخان، محمد میرزایی، علی حصارکی، پروین صحبتی،
سید علم‌الهدی رشیدی، علی اسفندیار، محمدجواد کریمی

ویراستار:

معین نیری فلاح و آرمیتا پری پور

طراح جلد و صفحه آرا:

محمدجواد محسنی

TELEGRAM:

@JEDAL_PUB

INSTAGRAM:

JEDAL_PUBLICATION

GMAIL:

JEDALPUB@GMAIL.COM

مستقبل

رویکرد، مسائل و سیاست امنیتی ۲۰۲۲ اوکراین

سپهر خدابنده‌لو، علیرضا نبی و محمدحسین جمالی زواره

۴

رویکرد، اولویت‌ها و سیاست امنیتی افغانستان در دوره طالبان

فاطمه پرستش، یاسمن شیخان

۴۱

رویکرد، مسائل و سیاست‌های امنیتی آلمان

سید علم‌الهدی رشیدی، علی اسفندیار و محمدجواد کریمی

۷۲

رویکرد، اولویت‌ها و سیاست‌های امنیتی کشور عربستان

فاطمه سعادت، مهرناز رزاقی و دینا قالیباف

۲۴

رویکرد، اولویت‌ها و سیاست‌های امنیتی کشور ترکیه

محمد میرزایی، علی حصارکی و پروین صحبتی

۵۳

نوروز خجسته باد

خشنود هستیم که با یاری پروردگار بار دیگر توانستیم در نشریه علمی_دانشجویی «جدال» همراه شما گرامیان باشیم. این شماره از نشریه (ویژه‌نامه نوروز) پیرامون مسائل راهبردی و نظریه‌های امنیتی روابط بین‌الملل، توسط برخی دانشجویان ورودی ۱۳۹۸ کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی و با راهنمایی دکتر علیرضا نوری (استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی) تهیه و تدوین شده است. به امید روزهای بهتر و پیشرفت‌های علمی روزافزون.

رویکرد، مسائل و سیاست امنیتی ۲۰۲۲ اوکراین

نویسندگان

سپهر خدابنده‌لو، علیرضا نبی و محمدحسین جمالی زواره

مقدمه

اوکراین به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی خود به‌عنوان محل تلاقی شرق و غرب، ظرفیت‌های صنعتی و پیشینه تاریخی در منطقه اوراسیا اهمیت زیادی دارد. همین ویژگی‌های منحصربه‌فرد و همچنین بافت قومیتی دویپاره آن، این کشور را به محلی برای برخورد و رقابت‌های شرق و غرب تبدیل کرده است. از نظر ژئوپلیتیکی و استراتژیکی نیز این کشور با قرارگرفتن در حوزه تماس روسیه و اروپا و عبور خطوط انتقال انرژی اهمیت زیادی دارد. مهم‌ترین موضوع‌ها در سیاست خارجی اوکراین در دوره پس از استقلال، ایجاد روابط چندجانبه با بیشتر کشورها و ایفای نقش فعال در سازمان‌های بین‌المللی بوده است. سیاست خارجی این کشور را می‌توان به دو رویکرد غرب‌گرا و اسلام‌گرا تقسیم کرد. غرب‌گراها به دنبال اتحاد و همگرایی در ساختار اروپایی و فرآتلانتیکی هستند. حال آنکه اسلام‌گراها به احیای دوران اتحاد

چکیده

مسئله امنیت برای اوکراین یکی از مهم‌ترین چالش‌های تاریخی است که تا به امروز ادامه داشته و همچنان از اهمیت زیادی در این کشور و در اروپا برخوردار است. اوکراین نقش کشور حائلی را میان روسیه و کشورهای عضو ناتو بازی می‌کند. با وقوع جنگ ۲۰۲۲، امنیت ملی اوکراین بیش‌ازپیش حائز اهمیت است. از سویی دیگر، این تهاجم روسیه، بزرگ‌ترین حمله نظامی متعارف به خاک اروپا از زمان جنگ جهانی دوم است. در این پژوهش، در بخش اول به تبیین امنیت و راهبردهای کلی امنیت از نظر اوکراین، پرداخته شده است. در بخش دوم به وضعیت ژئوپولتیک و رقابت‌های روسیه و غرب و اولویت‌های امنیتی اوکراین پرداخته شده و در بخش سوم، به رویکردهای امنیتی اوکراین در قبال ناتو و روسیه و همچنین مسائل داخلی اوکراین پرداختیم. **واژگان کلیدی:** اوکراین، روسیه، غرب، امنیت، قدرت، ژئوپولتیک

که اشاره شد می‌توان گفت، ریشه‌ها و علل بحران امنیت در اوکراین را در عواملی چون اهمیت ژئوپولیتیکی، رقابت‌های روسیه و غرب در اوکراین، انقلاب‌های داخلی، جمعیت ۱۷ درصدی روس‌تبار ساکن اوکراین و به تبع آن ایجاد شکاف‌های داخلی بررسی کرد.

در پژوهش حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی در تلاش هستیم به سوال اصلی این پژوهش پاسخ دهیم. این پژوهش با تاکید بر موقعیت ژئوپولیتیکی اوکراین و سیاست‌های عملی این کشور به دنبال بررسی علل ایجاد بحران امنیت در اوکراین است.

پیشینه پژوهش

رستمی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بحران اوکراین، زمینه‌های منطقه‌ای و پیامدهای فرامنطقه‌ای» معتقد است؛ بحران اوکراین با وجود آنکه زمینه‌هایی منطقه‌ای دارد، پای قدرت‌های فرامنطقه‌ای را به مجاورت روسیه باز کرده است. روسیه به‌عنوان قدرتی منطقه‌ای، خواستار حفظ و تقویت نقش خود در قلمرو شوروی سابق است؛ خواسته‌ای که با مقاومت و مخالفت بازیگرانی مانند اوکراین مواجه شده است. از طرف دیگر، غرب بدون وجود زمینه‌های ملی و منطقه‌ای، قادر به دخالت در منطقه و به چالش کشیدن بازیگری روسیه نبود. آیا تنش موجود در روابط روسیه و غرب بر سر اوکراین، منجر به تقابلی بین‌المللی بین این بازیگران

شوروی و میراث آن توجه دارند. اوکراین در حوزه‌های مختلف، عرصه رقابت روسیه و غرب بوده است. رخدادهای سال ۲۰۱۴ اوکراین، آغاز دور تازه‌ای از رقابت روسیه و غرب در حوزه اوراسیا محسوب می‌شود. رویارویی روسیه و غرب در این کشور را می‌توان شدیدترین رویارویی آن‌ها در دور پس از پایان جنگ سرد در منطقه اوراسیا برآورد کرد. رقابت روسیه و آمریکا در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی در جریان است.

در نهایت این رقابت‌ها در جریان بین روسیه و اوکراین موجب حمله نظامی مستقیم روسیه در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ شد. با این تفاسیر این بحران باعث تنش بین‌المللی شده است و ناتو، اتحادیه اروپا، مثلث لوبلین، اتحاد روسیه و بلاروس، اتحادیه کشورهای مستقل هم‌سود و سازمان پیمان امنیت جمعی را نیز درگیر کرده است؛ از این رو بی‌تردید می‌توان گفت مسئله امنیت در این کشور برای نظام بین‌الملل خصوصا در اروپا بسیار حائز اهمیت است.

از سویی دیگر اوکراین بعد از استقلال با آگاهی از چشم طمع داشتن قدرت‌های غربی و آمریکا جهت مقابله بانفوذ مستقیم و غیرمستقیم سیاست‌های امنیتی را در دستور کار خود قرار داد تا بتواند از این بحران رهایی یابد؛ بنابراین بررسی این موضوع نیز قابل توجه و اهمیت است. در نوشتار حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سوال هستیم که عوامل ایجاد بحران امنیت در اوکراین چیست؟ در پاسخ همان‌طور

به واگرایی متحدین قبلی، روابط روسیه با آمریکا و غرب را به سوی بعضی شرایط تنش بار حاکم بر دوره جنگ سرد سوق خواهد داد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد شرایط بحرانی موجود بین روسیه و غرب بر سر اوکراین به وضعیت جنگ سرد سوق نخواهد یافت.

موسائی و یزدانی (۱۳۹۷) در پژوهشی دیگر با عنوان «نقش عوامل غیرمادی در الحاق شبه‌جزیره کریمه به روسیه» اذعان داشتند؛ عناصر هویتی و فرهنگی از مؤلفه‌های اصلی شکل‌دهنده مناسبات کنشگران سیاست بین‌الملل محسوب می‌شوند. بر همین اساس، بحران اوکراین که با تصمیم دولت یانوکوویچ مبتنی بر خودداری از پیوستن به موافقت‌نامه تجارت آزاد با اتحادیه اروپا آغاز شده بود، باعث تغییر روابط روسیه و اوکراین شد. به طوری که پس از خلع وی و روی کار آمدن دولت جدید، روابط دو کشور از حالتی دوستانه و همکاری‌جویانه به خصمانه تبدیل و در اشغال شبه‌جزیره کریمه توسط روسیه نمود عینی یافت.

این مقاله در پی پاسخ به این سوال است که عوامل غیرمادی چه نقشی در الحاق شبه‌جزیره کریمه به روسیه داشته‌اند؟ نتایج حاصل از این مقاله، حاکی از آن است که تغییرات به وجود آمده در ارزش‌ها و هنجارهای مشترک میان اوکراین و روسیه در طول بحران و همچنین اشتراکات تاریخی، فرهنگی، مذهبی، زبانی و قومی-نژادی میان دو جامعه روسیه و شبه‌جزیره کریمه از جمله عوامل

می‌شود و بحران اوکراین به بحرانی فرامنطقه‌ای تبدیل می‌گردد؟ در این مقاله استدلال می‌شود که با وجود پیامدهای فرامنطقه‌ای اختلاف بر سر اوکراین، بحران اوکراین در اساس، منطقه‌ای است و می‌توان انتظار داشت که ابعاد آن در سطح منطقه مدیریت شود؛ همچنین به‌رغم تقابل منافع روسیه و غرب در مسئله اوکراین، نیاز کرملین به غرب برای تحقق لوازم بازگشت به موقعیت قدرت بزرگ بین‌المللی به همراه عمل‌گرایی مسکو مانع بروز تنش دیرپا و جنگ سرد جدید میان روسیه و غرب و تبدیل بحرانی منطقه‌ای به نزاعی فرامنطقه‌ای می‌شود.

زمانی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «تحلیل ریشه‌ها و ماهیت بحران اوکراین: تشدید تنش شبه جنگ سرد بین روسیه و غرب» بیان کرده است؛ به دنبال الحاق کریمه به روسیه، بحران داخلی اوکراین و اختلافات آن با مسکو به اوج رسید. گرایش‌های جدایی‌طلبانه در مناطق شرقی اوکراین شدت یافت. کاخ سفید و نهادهای اروپایی و غربی تابه‌حال به جز تهدید روسیه و مقامات آن به اعمال تحریم‌های جدید و سخت‌تر، اقدام قابل‌ملاحظه‌ای برای حل بحران صورت نداده‌اند. این در حالی است که ادامه بحران کنونی مواضع تندروها در روسیه و اوکراین را تقویت خواهد کرد. سوال اصلی پژوهش این است که آیا تشدید بحران داخلی اوکراین و گسترش دامنه اختلافات آن با مسکو، تداوم توسعه ناتو به سوی مرزهای روسیه، عضویت احتمالی اوکراین در ناتو، برتری جویی آمریکا و واکنش تند مسکو نسبت

دوپاره آن، این کشور را به محلی برای برخورد و رقابت‌های شرق و غرب تبدیل کرده است. اولین برخورد جدی روسیه و غرب در این کشور در جریان انقلاب نارنجی و در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ رخ داد. این تقابل، شدت و عمق بیشتری داشت و منجر به جدایی بخشی از خاک اوکراین شد. این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش است که چه شاخص‌ها و عواملی در بحران اوکراین بر رهنامه نظامی روسیه تاثیر داشته است؟

نتایج پژوهش این‌گونه پاسخ داد که تلاش غرب برای نفوذ در اوکراین در قالب‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی_نظامی و ادغام این کشور در ساختارهای غربی سبب افزایش احساس تهدید و ناامنی در روسیه و به‌کارگیری رویکرد تهاجمی در رهنامه نظامی آن کشور شده است؛ اما از سویی این رویکرد خصمانه نسبت به غرب کنترل شده است و به رویارویی همه‌جانبه مانند دوران جنگ سرد منجر نخواهد شد.

۱. مسئله امنیت در کشور اوکراین

۱.۱) تبیین امنیت از نظر اوکراین

در عرصه بین‌المللی امنیت و قدرت دو مفهومی لایتغیر هستند که در نگاه رئالیسم، امنیت معنایی مطلق دارد و آن‌هم یعنی مصون ماندن از هرگونه تهدیدات، به‌طور کلی در چارچوب پارادایم واقع‌گرایی امنیت در اشکال سیاسی نظامی به‌صورت حمایت از مرزها و حفظ تمامیت ارضی و ارزش‌های یک دولت

غیرمادی بوده‌اند که نقشی مهم در گسترش بحران و موفقیت الحاق کریمه به روسیه داشته‌اند.

عامری و فلاحی (۱۳۹۵) در مقاله دیگر با عنوان «ریشه‌های بحران اوکراین و تاثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران» معتقدند؛ بحران در یک منطقه منافع بازیگران در مناطق دیگر را تحت تاثیر قرار می‌دهد. اوکراین از زمان استقلال با بحران‌های متعددی مواجه بوده است که نقطه اوج آن در سال ۲۰۱۴ و تقابل آمریکا و روسیه در مورد آن بوده است. بر این اساس مقاله پیش رو درصدد پاسخ به این سوالات است که ریشه‌های بحران ۲۰۱۴ اوکراین چیست؟ و تقابل روسیه و آمریکا در بحران اوکراین چه تاثیری بر منافع ملی ایران دارد؟ یافته‌های این پژوهش نشان داده است که بحران اوکراین، ریشه در رقابت روسیه و آمریکا در این کشور دارد که در انقلاب‌های نارنجی، آبی و بحران ۲۰۱۴ به منصفه ظهور رسیده است. این بحران باعث تقویت روابط مسکو-تهران در راستای تحقق منافع ملی ایران خواهد شد. برای آزمون این مدعا منافع ملی ایران در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بررسی شده است.

کولایی و صداقت (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بحران اوکراین و آیین نظامی روسیه» اوکراین به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی خود به‌عنوان محل تلاقی شرق و غرب، ظرفیت‌های صنعتی و پیشینه تاریخی در منطقه اوراسیا اهمیت زیادی دارد. همین ویژگی‌های منحصربه‌فرد و همچنین بافت قومیتی

و همواره به دنبال این هستند که با توسعه توانمندی‌های خود، امنیت و بقای خود را تضمین کنند. در بین نظریه‌پردازان رئالیسم تدافعی، دغدغه امنیت محور اصلی نگاه متفکرینی مثل استفن والت یا جک اسنایدر را تشکیل می‌دهد (مشیرزاده، ۱۳۸۹).

تاکید تدافعی‌های روابط بین‌الملل هم مثل تهاجمی‌هایی چون جان مرشایمر یا فرید زکریا، بیش از هر چیز بر مقوله امنیت است. تفاوتی که بین رئالیسم‌های تدافعی و رئالیسم‌های تهاجمی وجود دارد، این است که در نگاه رئالیست‌های تهاجمی مثل جان مرشامر، آنارشی بین‌المللی بدخیم است، حال آنکه در نگاه تدافعی‌ها، این آنارشی خوش‌خیم است؛ یعنی امنیت برخلاف نگاه تهاجمی‌ها چندان هم کمیاب و نایاب نیست و در نتیجه دولت‌ها تنها زمانی که احساس کنند تهدیدی علیه آن‌ها ایجاد شده، نسبت به آن تهدید واکنش نشان می‌دهند و این واکنش هم در قالب موازنه وحشت و یا تهدید قابل ادراک است (ترابی و صارمی، ۱۳۹۵).

از منظر تدافعی‌ها، دولت‌ها در شرایطی شروع به حرکت‌های تهاجمی نظیر حمله نظامی روسیه به اوکراین می‌کنند که احساس کنند تهدیدی برایشان ایجاد شده است. بر همین مبنا است که دولتی مثل روسیه زمانی که احساس می‌کند مرزهای ناتو رو به گسترش است، سعی می‌کند فراتر از مرزهای خود برود تا بتواند به نحوی امنیت خود را تضمین کند. بر مبنای نگاه رئالیست‌های تدافعی می‌شود

در مقابل خطرهای محیط بین‌المللی متخاصم تعریف می‌شود. تحولات اخیر به‌خوبی نشان از این دارد که در عالم واقع منطق قدرت، نقش‌آفرینی اصلی را دارد. بر اساس این نگاه آن چیزی که نهایتاً سرنوشت سیاست بین‌الملل و کشورها را رقم می‌زند، مبتنی بر منطق قدرت است (مشیرزاده، ۱۳۸۹).

به‌طور کلی یکی از دعوایها و مناقشه‌های همیشگی در روابط بین‌الملل در میانه این ۲ نگاه اصلی یعنی رئالیسم و لیبرالیسم در چرخش بوده است. این دوگانه از نظر تاریخی، از ابتدای ایجاد رشته روابط بین‌الملل در سال ۱۹۱۹ که اولین کرسی آن به نام ویلسون رئیس‌جمهور آرمان‌گرای ایالات‌متحده ایجاد شد، مطرح شده و تا همین امروز تداوم یافته است (ترابی و صارمی، ۱۳۹۵). تمام شواهد و قرائن حاکی از این است که نگاه واقع‌گرایان به شکل دقیق‌تری می‌تواند روابط بین‌الملل را به شکل اعم و بحران اوکراین را به‌طور خاص تبیین کند. واقعیت ماجرا هم حکایت از این دارد که فهم و اقدام دولت روسیه در شرایط کنونی بر اساس گزاره‌های مورد تاکید واقع‌گرایان قابل ادراک است؛ گزاره‌هایی که بین نگرش‌های مشترک شاخه‌های مختلف واقع‌گرایی مشترک است.

به‌طور کلی در نگاه واقع‌گرایان، هدف اصلی دولت‌ها به‌عنوان بازیگران عقلانی حفظ بقا و امنیت است. در این فضای آنارشیک که هیچ اقتدار مرکزی وجود ندارد که بتواند منطق قانون را اعمال کند؛ دولت‌ها به سمت خودیاری حرکت می‌کنند

نظام تک قطبی بایستد.

درواقع می توان گفت، جنگ روسیه و اوکراین نه نزاع میان دو کشور، بلکه در سطحی عمیق تر، نزاع بر سر منطق قدرت، امنیت و توسعه نفوذ و قدرت در عرصه بین المللی باید تلقی شود. ملاحظات اخلاقی و توجیه های قانونی و انسانی در این میان جز پوششی بر اراده های قدرت، نباید تلقی شود. اگرچه دلایل و اسباب دیگری چون دست اندازی به منابع غنی و موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیکی اوکراین توسط روسیه و یا دام و تله غرب و آمریکای بایدن برای بی اعتباری روسیه در جهان و تحمیل هزینه های سنگین مادی و معنوی به این کشور و شکستن ائتلاف های محتمل روسیه، چین و هندوستان که با منطق رئالیسم قابل توجیه است نیز می تواند مورد توجه قرار بگیرد (فلاحی و عامری، ۱۳۹۵). به تعبیر هنری کسینجر از نمایندگان برجسته مکتب رئالیسم، آغاز جنگ مهم نیست، پایان جنگ و چگونگی پایان آن بسیار مهم است. روسیه، اوکراین و بسیاری از کشورها، در قمار جنگی که فراتر از نزاع دو کشور است درگیر شده اند.

۲،۱) راهبردهای کلی امنیت از نظر اوکراین

بحران اوکراین یک پدیده چندوجهی است که نمی توان آن را به شیوه های تک عاملی مورد تحلیل قرار داد. هرگونه پیش بینی در مورد آینده این وضعیت منوط به شرایطی احتمالی است که در جریان جنگ پیش می آید، از این رو ارائه یک نسخه

گفت که اوکراین برای مقابله با خطری که همیشه از سوی روسیه احساس می کرده، ضمن تلاش برای بالا بردن قدرت نظامی و حل مسائل داخلی خود همچون؛ اعتراضات روس تبارها و جدایی طلبی آن ها، عدم انسجام وحدت ملی و... با عضویت در ناتو سعی داشته تا با این خطر دیرینه مقابله کند و در صورت بروز جنگ شانس برنده شدن خود را بالا ببرد.

بنابراین بر مبنای رئالیسم تدافعی چه در دوران قبل از جنگ که اوکراین در حال آماده سازی خود و تلاش کردن برای مقابله در جنگ احتمالی روسیه بود و چه در دوره جنگ که همچنان سعی داشته تا با متوسل شدن به کشورهای اتحادیه اروپا و آمریکا جنگ را متوقف کند و بازنده میدان نباشد. از سویی دیگر سال ها است که سیاست گسترش به سمت شرق ناتو، دغدغه های بسیاری را برای کشورهای مختلف از جمله روسیه به عنوان قدرتمندترین قدرت نظامی جهان بعد از ایالات متحده ایجاد کرده است. روسیه ای که برای احیای قدرت از دست رفته خود در دوران جماهیر شوروی درصدد بازپس گیری آن است، از این رو دخالت های آمریکا و غرب را در اوکراین و توهم حمایت آمریکا از اوکراین و همچنین عضویت اوکراین در ناتو موجب ایجاد خطر ناامنی برای از دست دادن حوزه نفوذ خود در این کشور شده است. بنابراین با حمله مستقیم به اوکراین در تلاش بود تا جلوی پیشروی اوکراین را در فضای آنارشیک بین المللی بگیرد و از سوی دیگر بار دیگر به عنوان قدرت مقابل آمریکا در نظام بین الملل به عنوان یک

مطالعات راهبردی نشان می‌دهد هر منطقه‌ای که منافع قدرت‌های بزرگ را جذب کند، شرایط ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک دارد؛ بنابراین اوکراین با آگاهی از این موقعیت و همچنین چشم طمع قدرت‌های غربی از یکسو و روسیه از سوی دیگر منجر شده تا در طول تاریخ حیات سیاسی خود به‌خصوص بعد از اعلام استقلال نسبت به تمامیت ارضی خود و حل بحران‌ها و شکاف‌های ملیتی در داخل مرزهای خود، تمام تلاش خود را به کار گیرد. این کشور مهم‌ترین و بیشترین تهدید امنیتی خود را از سوی روسیه و حمایت گروه‌های روسی و جدایی طلب از روسیه، می‌بیند.

(ب) ائتلاف‌سازی امنیتی و ناتو

در بخش سوم پژوهش، به مسئله اوکراین به‌صورت کامل‌تر پرداخته خواهد شد. روسیه و اوکراین از جمله کشورهایی هستند که از روز اول متعهد به اشتراک در فعالیت‌ها با ناتو بوده‌اند. در سال ۱۹۹۷ م، همکاری به‌صورت بیشتر رسمی با امضا نمودن قراردادهای دوجانبه بین هر دو کشور و ناتو صورت گرفت. شورای مشترک دائمی ناتو-روسیه و کمیسیون ناتو-اوکراین به‌منظور راه مذاکرات برای مسائل امنیتی و انکشاف همکاری عملی در ساحات وسیع تاسیس شد. روابط ناتو-اوکراین به‌صورت متوالی طی سال‌ها انکشاف نموده است (بخش دیپلماسی عامه ناتو، ۲۰۰۸). یک جهت مهم این حمایت که از طرف ناتو و متحدین انفرادی برای کوشش‌های جاری اصلاحات اوکراین

برای پیش‌بینی وضعیت آینده را نادرست می‌نمایند. وجه‌های مدنظر شامل:

(الف) حفظ تمامیت ارضی

اوکراین ۶۰۳۷۰۰ کیلومترمربع وسعت دارد که از این لحاظ بزرگ‌ترین کشور اروپایی است. طولانی‌ترین فاصله آن از غرب به شرق ۱۳۱۶ کیلومتر و از شمال به جنوب ۸۹۳ کیلومتر است. مجموع طول مرزهای اوکراین ۶۵۰۰ کیلومتر است که ۱۳۵۵ کیلومتر آن مرز آبی است و ۱۰۵۶/۵ کیلومتر از طریق دریای سیاه، ۲۴۹/۵ کیلومتر از دریای آزوف و ۴۹ کیلومتر از طریق تنگه کرچ مرز آبی دارد. بر اساس مطالعات سال ۲۰۰۸ جمعیت اوکراین ۴۶/۱۷۹/۲۲۶ نفر بود. از لحاظ تراکم جمعیت، اوکراین مکان ششم را در اروپا پس از روسیه، آلمان، انگلستان، ایتالیا و فرانسه دارد. ساختار ملی جمعیت کشور نسبتاً همگن است: ۷۸٪ اوکراینی‌ها هستند و بیش از ۱۷٪ خود را روس در نظر می‌گیرند. همچنین، خاک اوکراین محل اقامت مردمانی از ۱۳۰ ملیت دیگر است که میزان آن‌ها تقریباً ۲۲٪ است. بلاروسی، مولداوی، تاتارها، کریمه، بلغارها، مجارها، رومانی و لهستانی؛ از جمله این افراد هستند. حدود ۱٪ را نیز ارمنه، یونانیان، آذربایجانی‌ها و گرجستانی‌ها به خود اختصاص داده‌اند. در قالب تئوری‌های سنتی ژئوپلیتیک، از اوکراین به‌عنوان کلید هارتلند یاد می‌شود که این امر باعث افزایش اهمیت جغرافیایی سیاسی این کشور شده است (کولایی؛ ۱۳۸۴).

راهبردهایی که می‌تواند با استفاده از آن امنیت خود را قوت ببخشد را در عضویت ناتو می‌بیند. موضوعی که خوشایند روسیه و اتحادیه اروپا نبوده است و طی جلسات متعدد و دلایل مختلف این درخواست را رد کرده‌اند.

ج) افزایش قدرت نظامی برای جلوگیری و مقابله با حمله مستقیم

در دکترین نظامی عامل بازدارندگی اصلی‌ترین عامل، در رابطه با افزایش توان نظامی کشور است. بسیاری از کشورها قدرت نظامی و توان دفاعی خود را بالا می‌برند تا جلوی حمله به کشور خود را بگیرند؛ چراکه می‌دانند انداختن ترس در دل دشمن اصلی‌ترین عامل جهت جلوگیری از جنگ است. بدین ترتیب از آنجایی که اوکراین همیشه نسبت به حمله مستقیم قدرت‌های خارجی به‌خصوص روسیه احساس خطر کرده است؛ بنابراین نسبت به افزایش قدرت نظامی خود برای جلوگیری و مقابله با حمله مستقیم در تلاش بوده است.

در لیست قدرت‌های نظامی دنیا، اوکراین رتبه ۲۲ را در اختیار دارد. مطابق اطلاعات ابتدای جنگ (۲۰۲۲)، به‌طور میانگین، اوکراین ۲۰۰ هزار سرباز فعال دارد و ۳۱۸ هواپیمای آماده و تعداد جنگنده‌های اوکراین ۶۹ فروند و ۳۴ بالگرد مخصوص در اختیار دارد. در زمینه تجهیزات زمینی وضعیت اوکراین ۲،۵۹۶ تانک، خودروه‌های زرهی اوکراین ارتش اوکراین ۱۲،۳۰۳ و همچنین، اوکراین ۱،۰۶۷

داده شد، به‌خصوص در انکشاف دموکراسی کشور و معین‌سازی اهداف حقیقی‌اش بیشتر با ساختارهای آتلانتیک_اروپا هماهنگ گردید.

ویکتور یانوکوویچ، رئیس‌جمهوری سابق اوکراین که از معدود سیاستمداران اوکراینی نزدیک به مسکو بود پیش‌تر اعلام کرده بود که نیازی به پیوستن کشورش به ناتو نیست، چراکه پارلمان اوکراین در سال ۲۰۱۰ به وضعیت «غیر متعهد» این کشور رای داده است. این در حالی است که پس از برکناری یانوکوویچ و الحاق شبه‌جزیره کریمه اوکراین به خاک روسیه، آرسنی یاتسینیوک، نخست‌وزیر وقت اوکراین اعلام کرد که دیدگاه کشورش در خصوص عضویت در ناتو به‌کلی تغییر کرده است (بخش دیپلماسی عامه ناتو؛ ۲۰۰۸). در نهایت پارلمان اوکراین در سال ۲۰۱۷ لایحه‌ای را تصویب کرد که در آن عضویت در ناتو به‌عنوان یکی از اهداف کشور قانونی شد و بار دیگر در فهرست مطالبات قانونی اوکراین قرار گرفت؛ مسئله‌ای که زمینه اصلاح در قانون اساسی را نیز فراهم کرد. اوکراین در سال ۲۰۲۰ موفق شد از جانب ناتو به‌عنوان «شریک فرصت‌های پیشرفته» شناخته شود، وضعیتی که امکان اشتراک اطلاعات و دسترسی بیشتر به برنامه‌ها و رزمایش‌های این سازمان را برای کی‌یف فراهم می‌کند. ولادیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور فعلی اوکراین بارها اعلام کرد که تمایل کشورش برای عضویت در ناتو به قوت خود باقی است و در قانون اساسی این کشور نیز بر آن تاکید شده است. در واقع زلنسکی یکی از

امام و پیشوای عالی کلیسای ارتدکس اوکراین قبول دارند؛ اما نیمی دیگر از مردم پیرو اسقف اعظم فالرت را که در کی‌یف هست و او را امام خود می‌دانند. نیمی از جمعیت و حزب مناطق از اسقف اعظم کی‌یف حمایت می‌کنند. این تقسیمات و خطوط گسل پتانسیل همواره موجب نگرانی‌های امنیتی برای دولت اوکراین داشته است (کولایی، ۱۳۹۴). آمریکا و روسیه که نیز از این دوقطبی جهت پیشبرد اهداف خود در این منطقه استفاده می‌کردند؛ بنابراین از جمله راهبردهای اوکراین برای از بین بردن این شکاف و تک‌قطبی کردن پویش سیاسی داخلی بوده است.

ه) ایجاد وحدت ملی

همان‌طور که گفته شد در اوکراین ملیت‌های مختلفی در مناطق مختلف اوکراین به‌خصوص روس‌تبارها، خواهان جدایی‌طلبی از اوکراین هستند. دولت اوکراین در دوره‌های مختلف بیشتر با سیاست سرکوب‌گرایانه تلاش داشته است تا جلوی اعتراضات جدایی‌طلبها و اقدامات خارجی به‌خصوص روسیه، در جهت تحریک این معترضین برای جدایی‌طلبی بگیرد. آمریکا که بعد از استقلال اوکراین این تضمین را به دولت اوکراین داده بود تا از هرگونه تجزیه و تهدید امنیتی از آن محافظت می‌کند، اما در عمل چنین اتفاقی هیچ‌گاه به واقعیت نرسید.

بنابراین این کشور برای مقابله با تهدیدهای امنیتی از داخل و خارج می‌بایستی استراتژی حفظ

توپخانه خودکشی، ۲,۰۴۰ توپخانه و ۴۹۰ راکت‌انداز در اختیار دارد؛ اما قدرت ناوی این کشور که شامل کل ناوها و کشتی‌های نظامی می‌شود، ۳۸ ناو است. درزمینه مسائل لجستیکی هم اوکراین ۱۸۷ فرودگاه و تعداد بنادر و اسکله‌های بازرگانی آن ۴۰۹ بندر است. تعداد نیروی کار (کارگران) در اوکراین نزدیک به ۱۸ میلیون نفر است.^۱

د) تلاش برای تک‌قطبی کردن پویش سیاسی در اوکراین

عرصه سیاست در اوکراین هم در سطح نخبگان و هم در سطح توده مردم، کاملاً وضعیتی دوقطبی دارد. این وضعیت از زمان استقلال اوکراین همواره وجود داشته است و به‌ویژه پس از وقوع انقلاب رنگی در این کشور در سال ۲۰۰۴ تشدید شده است. جناح‌بندی تمام‌عیار میان غرب‌گرایان و روسیه دوستان در داخل اوکراین وجود دارد. همین امر باعث شده رقابت میان روسیه و غرب بر سر پیشبرد منافع استراتژیک در جمهوری‌های بازمانده از اتحاد شوروی سابق از جمله در اوکراین بیش‌ازپیش شکل مداخله در امور داخلی این کشور را به خود بگیرد. جامعه اوکراین حتی بر اساس مذهب نیز دوقطبی شده است. اکثریت وسیعی از مردم اوکراین مسیحی هستند و وفادار به کلیسای ارتدکس روس هستند (کلیسای ارتدکس اوکراین).

حدودی نیمی از پیروان کلیسای ارتدکس اوکراین اسقف اعظم کیریل یکم در مسکو او را به‌عنوان



بیش از ۱۰۰ هزار سرباز را در اطراف همسایه غربی خود جمع‌آوری کرده است و مانورهای جنگی را در بلاروس_مرزهای شمالی و رزمایش‌های دریایی را در دریای سیاه اجرایی می‌کند.

۲. اولویت‌های امنیتی در اوکراین

(۱،۲) اهمیت ژئوپلیتیکی اوکراین

ژئوپلیتیک جزو آن دسته از مفاهیم است که تعاریف مربوط به آن گستردگی بسیار زیادی دارد و نمی‌توان به یک تعریف واحد و جامع و کامل رسید؛ اما آنچه از مجموع تعاریف متفکران برمی‌آید؛ روابط متقابل جغرافی با سیاست و قدرت و الگوی رفتاری ناشی از ترکیب آن‌هاست (حافظ‌نیا، ۲۹). درباره ژئوپلیتیک اوکراین می‌توان از دو منظر به آن نگاه کرد، یکی ژئوپولیتیک اوکراین برای روسیه و دیگری برای غرب. سیاست خارجی روسیه اصولاً به دو دسته از لحاظ جغرافیایی تقسیم می‌شود که شامل خارج دور و خارج نزدیک است. خارج دور تقریباً همه جهان را شامل می‌شود که پیش‌ازاین جزو قلمرو شوروی یا از لحاظ سنتی برای روسیه نبوده است (خاوری نژاد، ۱۲). در خارج دور عموماً روس‌ها نسبت به آن دیدگاهی محافظه‌کارانه دارند و در مواقع نادری مانند بحران سوریه (۲۰۱۱_تاکنون) وارد یک عملیات نظامی در زمین و هوا و دریا شده و در سایر مواقع در صورت نیاز به حمایت خاص؛ به‌صورت دیپلماتیک وارد عمل می‌شوند. اما در خارج نزدیک رویه متفاوتی را شاهد هستیم.

وحدت ملی را در دستور کار خود قرار می‌داد. سال ۱۹۹۴ برای اوکراین سال شروع تغییرات بود. در این سال و در اوج ناکامی و فلاکت اقتصادی مردم آن کشور به‌پای صندوق رای رفتند و لئونید کوچما را به‌عنوان دومین رئیس‌جمهور کشور مستقل اوکراین برگزیدند. او به زبان اوکراینی صحبت نمی‌کرد و با اکثریت قاطع آرای مردم نیمه شرقی اوکراین که عموماً روس‌تبار هستند انتخاب شد، ولی مجموعه اقدامات او باعث شد که پنج سال بعد در نیمه غربی اوکراین هم اکثریت بالایی به دست آورد و دو دوره به ریاست جمهوری انتخاب شود. این موضوع یکی از موارد همبستگی ملی اوکراینی‌ها را نشان می‌داد که بعدها در دوره‌های بعد تلاش کردند تا به انسجام و وحدت برسند. اما عموماً با شکست مواجه شدند.

حدود ۱۴ هزار نفر به دلیل درگیری‌های ۸ سال گذشته در شرق اوکراین از کشته شده‌اند (زیباکلام و دیگران، ۱۳۹۴). این درگیری‌ها بین نیروهای اوکراین و یک گروه جدایی‌طلب تحت حمایت روسیه رخ داده است. در یکی دیگر از اقدامات دولت اوکراین برای حفظ وحدت ملی در ۲۳ اوت در اوکراین از سال ۲۰۰۴ جشن گرفته می‌شود. پیش‌تر در کی‌یف، ۲۴ ژوئیه به‌عنوان روز پرچم ملی شناخته می‌شد. نخستین برافراشتن تشریفاتی پرچم آبی و زرد اوکراینی در دوران امروزی، در ۲۴ ژوئیه ۱۹۹۰ در شورای شهر کی‌یف انجام گرفت که یک سال و نیم پیش از زمانی بود که این پرچم به‌عنوان پرچم ملی دولت اوکراین تصویب شود. در اکثر مواقع کرملین

خارج نزدیک که در ادبیات جغرافیای سیاسی به حوزه CIS هم مشهور است روسیه عموماً به شکلی کاملاً انعطاف‌ناپذیر برخورد می‌کند و اگر تحولی در آنجا شکل بگیرد بدون نظارت روسیه نخواهد بود. البته حوزه مذکور با سازمانی با همین نام تفاوت قلمرو و جغرافیا دارد چرا که اوکراین در حوزه خارج نزدیک و همسایگی روسیه واقع شده است. رویه اهمیت ژئوپولیتیک اوکراین برای روسیه در وهله اول از لحاظ نظامی_امنیتی را می‌توان دیوار حائل گسترش ناتو به پشت مرزهای روسیه دانست چرا که به صورت سنتی روسیه از رویایی مستقیم با ناتو اکراه دارد.

از لحاظ جغرافیایی می‌توان مناطق لوهانسک و دونتسک و کریمه را مناطق حافظ فاصله میان ناتو و روسیه دانست که روسیه پس از حمله همه جانبه سال ۲۰۲۱ به اوکراین؛ ابتدا با برگزاری یک فراندوم آن‌ها را ضمیمه خاک خود دانست و روندی که از سال ۲۰۱۴ با حمله به کریمه آغاز کرده بود را رو به تکامل برد. رخداد‌های سال ۲۰۱۴ اوکراین، نیروهای روس‌گرا در این کشور را به این نقطه رساند که در فضای دوگانگی سیاسی_هویت‌ی و رشد ملی‌گرایی اوکراینی، نیاز به یک حامی قدرتمند می‌تواند این نیروها را در وضعیت برتر قرار دهد. در این قالب با اعلام استقلال شبه‌جزیره کریمه در مه ۲۰۱۴ و ورود نیروهای ارتش روسیه به این منطقه و آغاز تنش‌ها در مناطق شرق این کشور چون دونتسک، لوهانسک و خارکی یف، اوکراین به صورت عملی وارد

یک فرایند پرچالش بحران ژئولیتیک شد. اهمیت دیگر اوکراین برای روسیه به مسئله هویت روسیه باز می‌گردد که در صورتی اوکراین از کنترل و نفوذ روسیه خارج شود و با پذیرش ارزش و الگوهای غربی در تقابل با روسیه قرار گیرد، هویت روسیه با چالش روبه‌رو شود. «پس از فروپاشی شوروی و استقلال اوکراین، روسیه با این سوال روبه‌رو شد که روسیه بدون اوکراین، بدون تاریخ اوکراین و بدون برخی مناطق جغرافیایی و فرهنگی چه چیزی خواهد بود؟ بسیاری از شهرهای پرافتخار روسی مانند سو استوپول، اودسا در اوکراین واقع شده است. کی‌یف یکی از مظاهر مهم خودآگاهی و اصالت قومی روسیه بوده است. در تاریخ روسیه، کی‌یف همیشه به‌عنوان پایتخت اول اراضی روسی که به مادر شهرهای روسی شهرت دارد و بانی فرهنگ و نظام دولتی روسی است تلقی می‌شد. البته می‌توان دلایل مهم دیگری را هم برای اهمیت اوکراین برای روسیه برشمرد. همان‌طور که می‌دانید روسیه به‌عنوان بزرگ‌ترین صادر کننده گندم در جهان رقابت قابل توجهی با اوکراین در این مسئله دارد. اوکراین از لحاظ جغرافیایی سرزمین پست و همواری است که خاک آن را خصوصاً در نواحی جنوبی، استپ‌های حاصلخیزی پوشانده است. ژئوپولیتیک اوکراین و نقش آن در رقابت روسیه و ایالات متحده آمریکا نمایان است که در سال عنوان مرکز تولید عمده غله اروپا محسوب می‌شد (عسگری و وثوقی ۱۳۹۵ ۱۲۰_۱۲۱).

خط مقدم شوروی در برابر ناتو باشد؛ این حجم از تسلیحات غیرطبیعی نبود.

این اعداد و ارقام برای ایالات متحده به قدری نگران کننده بود که به همراه روسیه در دهه ۱۹۹۰ میلادی دست به خلع سلاح اتمی و تجهیزات استراتژیک از اوکراین کرد؛ اما برای ایالات متحده این نوید را هم می داد که اوکراین چنان اهمیت ژئوپلیتیکی دارد که شوروی این مقدار عظیم از تسلیحات را در آن مستقر کرده بود. معادلات نفت و گاز و انرژی، غلات و کنترل روس گرایان افراطی شرق اروپا از دیگر دلایلی هست که غرب همه جانبه سعی در جذب اوکراین به جامعه اروپایی من جمله اتحادیه اروپا می کند.

۲،۲ رویارویی روسیه و غرب در اوکراین

همان طور که سخن برژینسکی در بالا بدان اشاره شد؛ اهمیت اوکراین چه برای روسیه و چه برای غرب مشخص است. ابتدا باید این گونه نگاه کنیم که روسیه و غرب چه تفاوت روندی درباره تقابلشان در اوکراین داشته اند. پس از استقلال اوکراین در زمان ریاست جمهوری جورج بوش پدر؛ غرب مخصوصا ایالات متحده با فراز و نشیب هایی، در مجموع حامی روند غرب گرایی اوکراین بودند و آن را به حضور در سازمان های فراملی و منطقه ای غربی تشویق می کردند.

برای روسیه اما قضیه متفاوت است. در زمان ریاست جمهوری بوریس یلتسین به عنوان اولین

نگرانی ژئوپلیتیکی روسیه را می توان از این منظر درک کرد که دولتمردان غیر آنتلانتیک گرا؛ از رفتارهای اوکراین که تمایل به سمت روسیه دارد نگران هستند و نزدیک شدن اوکراین به غرب را خطری جدی برای خود می بینند. برای آمریکا مسئله دقیقا برعکس روسیه است. برژینسکی در کتاب پس از سقوط، بازی در جهان تک قطبی اهمیت اوکراین را چنان می گوید: «روسیه دیگر بدون اوکراین امپراتوری اوراسیایی نیست؛ روسیه بدون اوکراین بازهم سعی خواهد کرد تا برای رسیدن به جایگاه امپراتوری تالش کند؛ اما بیشتر یک امپراتور آسیایی خواهد شد و در تضاد و برخورد های آسیای مرکزی درگیر خواهد شد.» (برژینسکی، ۱۳۸۵). اهمیت این مبحث برای ایالات متحده کافی نبود، چرا که اوکراین بیشتر از اینکه وارث یک فرهنگ روسی باشد؛ وارث یک زرادخانه بزرگ تسلیحاتی از جمله بمب اتمی از روسیه بود. «اوکراین بشکه باروتی بود که حدودا ۴۱ درصد از تجهیزات نظامی اتحادیه شوروی را به ارث برده بود. از لحاظ تعداد، حدود ۱۹۴۴ کلاهک استراتژیک هسته ای، ۲۵۰۰ سلاح هسته ای تاکتیکی و ۲۲۰ حامل های استراتژیک هسته ای از جمله ۱۷۶ موشک بالستیک قاره پیما، ۴۴ بمب افکن استراتژیک، ۹۵ توپولف و ۶۵۰۰ نیروی نظامی متعارف، بیش از ۷۰۰۰ وسیله نقلیه جنگی، ۱۵۰۰ هواپیمای جنگی و ۲۷۰ بالگرد و ۱۵۰ کشتی بود.» (درج و طباطبایی، ۱۳۹۸). البته برای سرزمینی که قرار بود زمانی در صورت وقوع جنگی تمام عیار

فعال می‌شود که به یکی از اعضا حمله شود. در ادامه هم بحران اوکراین باعث شد سوئد و فنلاند هم در تلاش برای عضویت ناتو بکوشند که در فنلاند در همسایگی روسیه قرار دارد.

البته هنری کیسینجر در نشست داووس چنین ادعان کرد که بایستی مناطق مورد نظر روسیه به آن داده شود یا حداقل شکست سنگینی به روسیه تحمیل نشود چرا که حیثیت روسیه در صورت خدشه‌دار شدن می‌تواند روسیه را بیشتر از پیش به سمت روند نزدیکی به چین سوق دهد و روسیه که بازیگری است که به صورت سنتی در اروپا نقش آفرینی می‌کرد، به سمت چنین تغییر جهت داشته باشد و کار برای غرب در حوزه آسیایی اوراسیا سخت‌تر شود.

زمانی چنین گفته می‌شد که جهان سوم جایی است که کشورهای جهان اول و دوم در آن به مصاف یکدیگر می‌روند؛ اما امروزه یک کشور اروپایی ورطه نبرد میان اردوگاه شرق و غرب است که احتمالاتی از جمله ورود روسیه با تسلیحات کشتار جمعی به میدان؛ معادلات این رویارویی را بیش از پیش پیچیده می‌کند.

۳،۲ بحران‌های امنیت داخلی

یکی از بحران‌های اساسی در اوکراین، بحث هویتی مردم اوکراین است. در جنگ اخیر نشان داده شد ستون پنجم روس تبار در اوکراین به چه اندازه می‌توانند مخرب باشند و با خراب‌کاری در زیرساخت

رئیس‌جمهور جمهوری فدراتیو روسیه، روسیه با مشکلات عدیده از جمله بحران اقتصادی، بحران بروکراسی و بحران چپن روبه‌رو بود و شاید آن قدر که باید و شاید تمرکزی روسیه حفظ اوکراین زیر چتر برادر بزرگ‌تر نداشت. یلتسین و مدودف دو رئیس‌جمهور یورو-آتلانتیک‌گرای روسیه، با خوش‌بینی نسبت به اروپا و ایالات متحده سعی می‌کردند.

اوکراین در عین حفظ اهمیتش؛ مانعی بر سر راه بهبود روابط با غرب نشود؛ اما در دوره دوم ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین که تا امروز ادامه دارد، روسیه چنین می‌پندارد که تسلطش در حوزه خارج نزدیک اروپایی کاهش یافته است که با ورود به انقلاب بلاروس و حمایت از لوکاشنو و از طرف دیگر ورود نظامی به اوکراین، سعی در این دارد که مجدداً تسلط خود را در این منطقه به دوران اوج خود بازگرداند.

جان مرشایمر در مقاله معروف خود در سال ۲۰۱۴ تحت عنوان «چرا بحران اوکراین اشتباه غرب است؟» معتقد است روند لیبرالیزه کردن اوکراین به حدی افراطی بود که روسیه پس از آتلانتیک‌گرایان از این منظر احساس خطر کرد و وارد کریمه شد. (mearsheimer-2014-10). البته رویارویی روسیه و غرب در اوکراین بیش از اینکه امری تدافعی باشد؛ به‌زعم من امری تهاجمی از سمت روسیه بود که به امری تهاجمی از سمت غرب منجر شد چرا که ناتو یک پیمان دفاعی است و پروتوکل آن زمانی



شکاف عمیق سرباز کرده میان روس تبارها و اسلاوها باشد.

۳. سیاست و عملکرد امنیتی اوکراین

۱،۳) عضویت در ناتو و افزایش همکاری‌ها با غرب

در نظریه موازنه تهدید، استفن والت، بیان می‌کند که کشورها نه در برابر توانایی‌های مادی بلکه بر ضد قدرت تهدید کننده موازنه‌سازی می‌کنند. همچنین نزدیکی جغرافیایی یکی از نشانه‌های تهدید شناخته می‌شود. در واقع کشوری که از منابع قدرت بیشتری بهره می‌برد از نگاه کشورهای دارای منابع کمتر به‌عنوان تهدید شناخته می‌شوند. طبق این نظریه اوکراین با توجه به مجاورت جغرافیایی و همچنین منابع قدرت کمتر نسبت به روسیه، این کشور را به‌عنوان تهدید تلقی می‌کند و تلاش برای موازنه‌سازی در برابر آن امری عادی به حساب می‌آید (Walt, 1990, 22).

اوکراین مستقل برای اروپا و حوزه امنیتی آتلانتیک اهمیت زیادی دارد. آغاز همکاری‌های میان اوکراین و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی به دهه ۹۰ میلادی برمی‌گردد. در سال‌های اخیر خصوصا پس از تصرف کریمه در سال ۲۰۱۴ توسط روسیه، همکاری‌های میان اوکراین و ناتو رو به افزایش بوده است. بیشترین سطح همکاری میان این دو به حمله کامل نظامی روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ برمی‌گردد.

بعد از فروپاشی شوروی و شکل‌گیری اوکراین

اوکراین یا دست بردن به اسلحه در صورت درگیری نظامی؛ می‌توانند تهدید جدی برای دولت اوکراین باشند.

روسیه ادعا می‌کند نازی‌گرایان اوکراینی به کشتار روس تبارها دست می‌زنند و همین مسئله هم‌دست مایه حمله روسیه به اوکراین شد. سخنان سفیر روسیه در واشنگتن هم گواه همین مسئله است؛ البته میان روس تبارهای اوکراین هم مصرف فکری دارد (ایرنا ۱۴۰۰). «آمریکانه فقط تلاش‌هایی برای تغییر اجباری هویت روس‌های اوکراین توسط دولت کی‌یف را نادیده می‌گیرد بلکه با حمایت‌های سیاسی و نظامی، به پیشبرد این روند کمک می‌کند. در اوکراین نزدیک به ۱۷ میلیون روس تبار زندگی می‌کنند که جمعیت قابل توجهی از حدود ۴۲ میلیون نفر جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهد و اکثرا در مناطق شرق و جنوب شرق اوکراین سکونت دارند. غیر از نسل‌کشی چه ارزیابی دیگری از گلوله‌باران مناطق مسکونی شهرهای منطقه دونباس توسط نیروهای اوکراینی با استفاده از آتشبارهای سنگین وجود داد. مقام‌های آمریکایی باید بدانند که در اوکراین میلیون‌ها روس زندگی می‌کنند که منافع آن‌ها باید تامین و از آن دفاع شود و این امر ضامن ثبات حکومت و تمامیت ارضی اوکراین است.» (همان).

به‌زعم نگارنده، شاید مهم‌ترین بحران امنیتی در داخل اوکراین پس از خوابیدن شعله‌های جنگ؛ جمع‌آوری تسلیحات و غیرمسلح کردن مردم و دیگری

سیاست امنیتی اوکراین از حفظ تعادل میان روسیه و قدرت‌های غربی در آغاز فروپاشی شوروی آرام‌آرام و در طول زمان گرایش به سمت غرب و ناتو داشته است. این فرایند منجر به عضویت کامل اوکراین در ناتو نشد و تنها حساسیت‌های امنیتی روسیه را برانگیخت. با عدم عضویت کامل اوکراین در ناتو و عدم بهره‌وری از چتر امنیتی آن منجر به مواجهه سخت و نظامی با روسیه شد.

۲،۳) سیاست‌های عملی در قبال روسیه

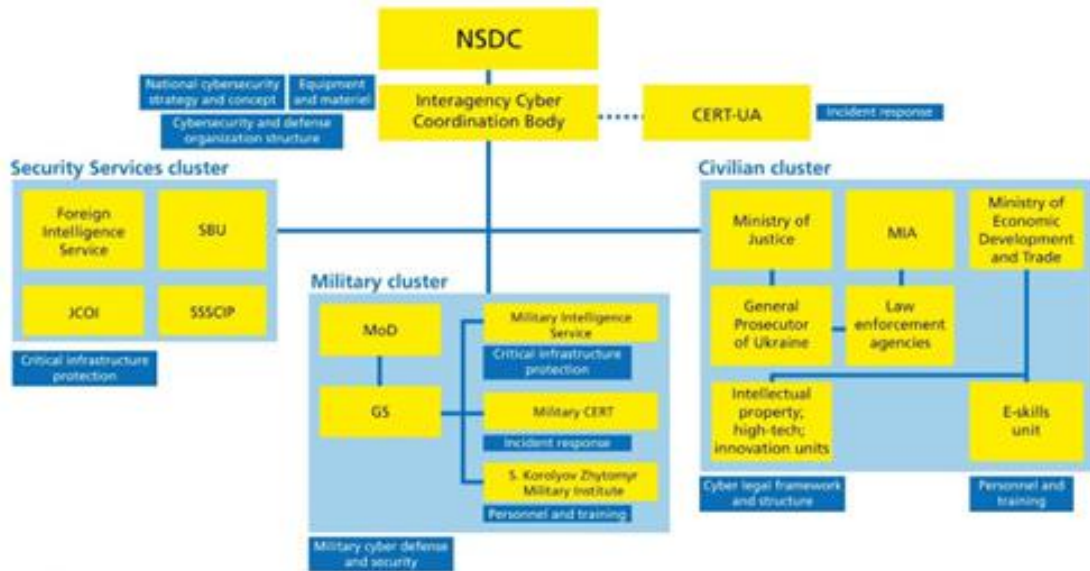
در فوریه ۲۰۲۲ پوتین حمله ناگهانی را به اوکراین آغاز کرد. این بزرگ‌ترین حمله نظامی در اروپا از زمان جنگ جهانی دوم بوده است. با توجه به عدم عضویت اوکراین در ناتو، اوکراین در برابر حمله نظامی روسیه از کمک همه‌جانبه ناتو بی‌نصیب ماند؛ اما این به معنی عدم بهره‌وری از توانایی‌های نظامی، اطلاعاتی و ... از جانب آمریکا و متحدان غربی آن نیست.

روسیه در جنگ ۲۰۲۲ با اوکراین علاوه‌بر استفاده از شکل سنتی نیروی نظامی از ابزارهایی از جمله جاسوسی، حملات سایبری و پخش اطلاعات نادرست نیز استفاده کرده است. در این راستا می‌توان گفت که نوع جنگی که در سال ۲۰۲۲ میان روسیه و اوکراین شاهد آن هستیم نوعی از جنگ هیبریدی است که از خصوصیات آن می‌توان به استفاده از روش‌های مختلف برای آسیب رساندن به دشمن اشاره کرد. از اهداف این نوع روش‌ها آسیب رساندن

مستقل در سال ۱۹۹۱، اوکراین به عضویت شورای همکاری آتلانتیک شمالی در آمد و سپس مشارکت در صلح را در سال ۱۹۹۴ پذیرفت. با امضای مشارکت خاص اوکراین کمیسیون ناتو-اوکراین (NUC) پدید آمد که از سال ۲۰۰۹ این کمیسیون به سمت همگرایی حرکت می‌کند. پس از واقعه کریمه، در سال ۲۰۱۶ حمایت عملی ناتو در پکیج کمک‌های همه‌جانبه (CAP) در برنامه قرار می‌گیرد. با تصویب پارلمان اوکراین در سال ۲۰۱۷ عضویت در ناتو به‌عنوان استراتژی سیاست خارجی و هدف‌گذاری سیاستی این کشور محسوب می‌شود. در نهایت در سال ۲۰۲۰ با تایید زلنسکی استراتژی جدید امنیت ملی اوکراین باهدف عضویت در ناتو مطرح می‌شود (Relations With Ukraine, 2022).

از طرفی اقدام پوتین برای تصرف کریمه و ضمیمه کردن آن به خاک روسیه، احتمال ادامه این روند نیز دور از ذهن نبود. با شروع اقدام نظامی روسیه در سال ۲۰۲۲ این انتظار به پایان رسید. این اقدام روسیه با سیاست توسعه دهی ناتو هم‌زاد و همراه بوده است. این سیاست توسعه ناتو جزئی از برنامه کلی گردش مدار روسی و به‌خصوص اوکراین به غرب بوده است (Mearsheimer, 2014, 1). سیاست گسترش و توسعه با توسعه اتحادیه اروپا و تمایل برای جذب اوکراین در اتحادیه اروپا همراه شد. این دو سیاست موازی منجر به واکنش روسیه برای حفظ موقعیت ژئوپلیتیکی خود در قبال غرب شده است.

Figure 5.1
National Cybersecurity and Defense Organizational Structure



RAND AR14751-5.1

Cybersecurity 83

نمودار ۱. ساختار سازمانی امنیت سایبری و دفاع ملی

برخلاف روسیه است. از این رو یکی از مزیت‌های اوکراین در مقابله با این جنگ هیبریدی همین باز بودن فضای سیاسی است (Kong & Marler, 2022). اما یکی از مهم‌ترین ضعف‌های اوکراین در زمینه ضعف سیستم دفاعی در مقابل حمله‌های سایبری است. این بخش امنیتی کشور اوکراین از سال ۲۰۱۳ آغاز شده است؛ اما از توانایی بالایی برخوردار نیست. یکی از مهم‌ترین ایرادات سیستم دفاعی سایبری اوکراین به تعدد و چندگانگی نهادهای دخیل برمی‌گردد. از جمله نهادهای تاثیر گذار در امنیت سایبری اوکراین می‌توان به وزارت دفاع، سازمان اطلاعات اوکراین (SBU) و وزارت پیشرفت اقتصادی

به افکار عمومی، ضعف نیروی شهروندان کشور مورد تهاجم و کاهش جمعیت به منظور افزایش سهولت تصرف سرزمین است. اوکراین برای مقابله با چنین روش‌های نوین جنگی دست به اقدامات موثر و قابل توجهی زده است.

یکی از مهم‌ترین روش‌های اوکراین برای حفظ امنیت روانی شهروندان اوکراینی که توسط روس‌ها مورد تهاجم قرار گرفته است؛ اقدام‌های متمر ثمر مجازی و ایجاد کمپین‌هایی برای بی‌اثر کردن تهاجمات اطلاعاتی و نشر اخباری که آن را دروغ می‌پندارد زده است. یکی از ویژگی‌های کشور اوکراین در زمان زلنسکی باز بودن فضای دموکراتیک

با توجه به این پیمان امنیتی و اراده سیاسی دولت اوکراین و زلنسکی برای ایجاد توافق امنیتی برای آینده اوکراین می‌توان این‌گونه بیان کرد که اوکراین به دنبال تقویت ارتباطات نظامی و سیاسی خود با آمریکا و غرب است. مهم‌ترین اقدام عملی که اوکراین را به‌صورت جدی‌تر در مقابل روسیه و امنیت ملی روسیه قرار می‌دهد. در واقع این سند امنیتی به دنبال ایجاد ضمانت اجرایی منحصر به فرد ناتو در مسئله تجاوز نظامی خارجی به یکی از کشورهای عضو ناتو است؛ اما همه این‌ها به نتیجه جنگ روسیه و اوکراین در سال ۲۰۲۲ برمی‌گردد. اگر روسیه بتواند اهداف خود را به‌صورت نسبتاً رضایت‌بخش پیش ببرد و همچنان به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای تهدید کننده باقی بماند، توان آن را دارد که از هرگونه اقدام عملی بزرگی که اوکراین در پی ایجاد آن برای حفظ امنیت خود است جلوگیری کرده و این کشور را به‌صورت دولت حائل قرار دهد.

۳،۳ حل بحران و شکاف‌های داخلی

اوکراین دارای جمعیت ۴۳،۷۴۵،۶۴۰ نفری است. ۷۷،۸ درصد از آن‌ها اوکراینی‌تبار و ۱۷،۳ درصد از این جمعیت را روس‌تباران تشکیل می‌دهند. این روس‌تباران اوکراینی عمدتاً در قسمت‌های شرقی و جنوبی اوکراین ساکن هستند. با توجه به این ساختار جمعیتی اوکراین، انتخابات ریاست جمهوری ادوار مختلف دارای ویژگی منحصر به فردی بوده است. در سال ۲۰۰۴ ویکتور یانوکویچ به پیروزی می‌رسد.

اشاره کرد (Davis et al. 2016, 71). این چندگانگی نهادهای مربوطه و همپوشانی وظایف و اختیارات مانع از عملکرد بهینه سیستم دفاع سایبری شده است. در نمودار ۱ ساختار سازمانی امنیت سایبری و دفاع ملی اوکراین ترسیم شده است.

این ضعف اطلاعاتی و دفاعی در جنگ روسیه و اوکراین در سال ۲۰۲۲ بیش از پیش خود را نشان داده است. در بحبوحه این زلنسکی رئیس‌جمهور اوکراین دست به تغییرات نسبتاً بزرگی در سیستم اطلاعاتی اوکراین زد. او به اتهام خیانت رئیس سازمان اطلاعاتی اوکراین و تنی دیگر از مقامات آن را برکنار کرد (Zelensky Dismisses Heads of SBU Departments (in Kyiv and Three Oblasts, 2022).

ژنرال آندرس فوگ راسموسن رئیس ستاد زلنسکی و دبیر کل سابق ناتو در ۱۳ دسامبر ۲۰۲۲ با انتشاری متنی موسوم به پیمان امنیتی کیف که زلنسکی آن را قدم اول و اساس پیمان امنیتی آینده اوکراین خواند. در این پیمان امنیتی ایده اصلی «ایجاد ائتلافی میان ضمانان امنیتی اوکراین که باید بر اساس سیستمی از توافقات ترکیب شده در چارچوب یک سند مشترک در مورد مشارکت استراتژیک باشد» (A Package of Recommendations on Security Guarantees for Ukraine Prepared by the Yermak-Rasmussen Group Was Presented to the President, 2022). از تمایزات این پیمان امنیتی با تفاهم‌نامه بوداپست در سال ۱۹۹۴ به میزان حمایت از اوکراین اشاره کرد.

اوکراین را با وجود نیروی خارجی ایجاد کرده و با تقویت همین نیروی ناسیونالیستی بر بحران‌های داخلی فائق شود.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد تا با استفاده از نظریات و استدلال‌هایی در باب امنیت، وضعیت امنیتی و فعلی اوکراین توضیح داده شود. موقعیت جغرافیایی اوکراین، این کشور را به محل سنگربندی روسیه و غرب تبدیل کرده است و اولویت‌های امنیتی این کشور را محدود و بازتعریف کرده است. پس از فروپاشی شوروی و استقلال اوکراین، دو رویه کلی برای حفظ امنیت ملی اوکراین مطرح بود.

رویه اول نزدیکی به روسیه و تبدیل اوکراین به کشور حائل میان روسیه و ناتو است. در این رویه از همگرایی با اتحادیه اروپا جلوگیری و از پیوستن به ناتو و قرار گرفتن زیر چتر امنیتی آن امتناع می‌شد. در رویه دوم به دنبال ایجاد همگرایی با اتحادیه اروپا و عضویت در آن نهاد و همچنین عضویت ناتو به‌عنوان راهبرد امنیت ملی اوکراین نگاه می‌شد. این دو رویه در انتخاب روسای جمهور اوکراین نمود یافته است.

با الحاق ۲۰۱۴ کریمه و سپس جنگ ۲۰۲۲ روسیه و اوکراین، گرایش اول از توان رقابتی بالایی برخوردار نیست. چرا که ناسیونالیسم به‌عنوان نیرویی پیش‌برنده توانسته است. روحیه ملی اوکراین را بالا برده و بیش‌ازپیش به دنبال ایجاد

طی این شایعه که این انتخابات با دست‌کاری روسیه به نفع یانوکویچ به اتمام رسیده است با اعتراضات گسترده مردمی مواجه می‌شود که به انقلاب نارنجی معروف می‌شود. در واکنش به این اعتراضات مردمی دیوان عالی اوکراین آن انتخابات را باطل اعلام می‌کند و دستور برگزاری مجدد انتخابات را می‌دهد. انتخابات دور جدید که با نظارت بین‌المللی همراه است، با پیروزی ۵۲ درصدی ویکتور یوشچنکو به پایان می‌رسد. یوشچنکو از جمله سیاستمداران اوکراینی طرفدار رابطه با غرب است. در سال ۲۰۱۰ بار دیگر ویکتور یانوکویچ در انتخابات شرکت کرده و در آن پیروز می‌شود. او که به طرفداری از روسیه مشهور بود مخالف عضویت اوکراین در ناتو و اتحادیه اروپا است. در سال ۲۰۱۴ و شروع اعتراضاتی نسبت به او از کشور گریخت و در روسیه پناهنده شد. پس از او پروشنکو که رئیس‌جمهور اوکراین از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ بود، ولودیمیر زلنسکی رئیس‌جمهور اوکراین شد که ریاست جمهوری او تا کنون ادامه دارد.

این چرخش سیاست خارجی اوکراین نسبت به مسئله روسیه و درک این سیاستمداران نسبت به مسئله امنیت و شیوه‌های دستیابی به آن ناشی از تمایزات و خواست‌های قومی در اوکراین است. تا حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ این تمایزات و تفاوت‌ها در رویه‌های امنیتی خود را نشان می‌داد؛ اما پس از حمله روسیه به اوکراین زلنسکی با اتکا به ایدئولوژی ناسیونالیسم توانست یکدستی در

- زیبا کلام، صادق و دیگران (۱۳۹۴) «تبیین سقوط دولت یانکوویچ در اوکراین»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره چهارم، شماره ۲، صص ۳۲-۷.
- صفری، عسگر، وثوقی، سعید، (۱۳۹۵)، ژئوپلیتیک اوکراین و نقش آن در رقابت روسیه و ایالات متحده آمریکا، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره بیست و ششم، صص ۱۰۹-۱۳۳.
- فلاحی احسان، عامری اسداله (۱۳۹۵)، «ریشه‌های بحران اوکراین و تاثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات روابط بین‌الملل (پژوهشنامه روابط بین‌الملل) سال: ۱۳۹۵، دوره: ۹، شماره: ۳۴، صص: ۶۵-۹۲.
- کولایی، الهه (۱۳۸۴) «افسانه انقلاب‌های رنگی»، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- کولایی، الهه (۱۳۹۲ الف)، «تحولات اوکراین تازه آغاز شده است»، آرمان امروز، ص ۱۱.
- کولایی، الهه و صداقت، محمد (۱۳۹۶) «بحران اوکراین و آیین نظامی روسیه»، دوره ۱۰، شماره ۱، بهار و تابستان فروردین ۱۳۹۶، صفحه ۲۰۵-۲۲۰.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹): «تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل»، تهران: سمت (چاپ پنجم).
- میرعرب، مهرداد (۱۳۷۹)، «نیم‌نگاهی به مفهوم امنیت»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی، دوره ۳، سال سوم _ شماره نهم _ تابستان ۱۳۷۹.
- نصری، قدیر (۱۳۹۰) «تاملی نظری در یافته‌ها و دشواری‌های «باری بوزان» در بررسی امنیت»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۰، شماره مسلسل ۵.

همگرایی‌های سیاسی و نظامی با بلوک غرب هستند؛ اما همان‌طور که در آخر بخش دوم گفته شد، شاید بعد از دغدغه اول امنیتی اوکراین (روسیه)، دغدغه امنیتی دوم و سوم در داخل اوکراین باشد و پس از خوابیدن شعله‌های جنگ؛ جمع‌آوری تسلیحات و غیرمسلح کردن مردم و دیگری شکاف عمیق سربازکرده میان روس تبارها و اسلاوها باشد.

یادداشت‌ها

۱. تمامی این داده‌ها، در طی جنگ جاری (۲۰۲۲) بین روسیه و اوکراین روزانه تغییر می‌کند.

منابع

- برژنيسکی، ژبیگینو، پس از سقوط، بازی نهایی در جهان تک‌قطبی ترجمه امیرحسین توکلی، انتشارات سبز، ۱۳۹۵.
- ترابی قاسم، صارمی محمدرضا (۱۳۹۵): «تبیین سیاست خارجی روسیه در قبال بحران اوکراین از منظر رئالیسم کلاسیک»، فصلنامه سیاست پژوهی دوره ۳، شماره ۵، زمستان ۱۳۹۵، صص: ۵۳-۷۰.
- حافظ نیا، محمدرضا، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات پاپلی، ۱۳۹۶.
- خاورنژاد، سعید، سیاست خارجی روسیه خاور دور، نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۹۸.
- درج، حمید، طباطبایی، سید محمد، نقش ژئوپلیتکی اوکراین در تقابل آمریکا و روسیه، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پانزدهم شماره دوم، صص ۱-۳۰، ۱۳۹۸.

- 20) Mearsheimer, John J, why ukraine crises is west's fault, foreign affairs, September-october 2014, pp 1-30
- 21) Mearsheimer, j. (2014). Why the Ukraine crisis is the West's fault: the liberal delusions that provoked Putin. *Foreign Aff*, 93(77), 1-12.
- 22) Relations with Ukraine. (2022, October 28). NATO. Retrieved December 8, 2022, from https://www.nato.int/cps/en/natohq/topics_37750.html
- 23) Walt, S. M. (1990). *The Origins of Alliance*. Cornell University Press.
- 24) Zelensky Dismisses Heads of SBU Departments in Kyiv and Three Oblasts. (2022, August 15). *Kyiv Post*. Retrieved December 22, 2022, from <https://www.kyivpost.com/russias-war/zelensky-dismisses-heads-of-sbu-departments-in-kyiv-and-three-oblasts.html>
- 16) A package of recommendations on security guarantees for Ukraine prepared by the Yermak-Rasmussen Group was presented to the President. (2022, September 13). A package of recommendations on security guarantees for Ukraine prepared by the Yermak-Rasmussen Group was presented to the President — Official website of the President of Ukraine. Retrieved December 22, 2022, from <https://www.president.gov.ua/en/news/glavi-derzhavi-prezentuvali-paket-rekomendacij-shodo-bezpeko-77737>
- 17) Buzan, Barry (1983, 1991 & 2007); *People, states and fear: An Agenda for International Security Studies in the post-cold war Era*, London: Harvester wheatsheat publication
- 18) Davis, L. E., Gventer, C. W., Oliker, O., Frederick, B., Hlavka, J., Sondergaard, S., Quinlivan, J. T., Bellasio, J., Radin, A., Bega, A., Seabrook, S. B., & Crane, K. (2016). *Security Sector Reform in Ukraine*. RAND Corporation.
- 1) Kong, W., & Marler, T. (2022, November 28). *Ukraine's Lessons for the Future of Hybrid Warfare*. RAND Corporation. Retrieved December 22, 2022, from <https://www.rand.org/blog/2022/11/ukraines-lessons-for-the-future-of-hybrid-warfare.html>

رویکرد، اولویت‌ها و سیاست‌های امنیتی کشور عربستان

نویسندگان

فاطمه سعادت، مهرناز رزاقی و دینا قالیباف

چکیده

خواهیم کرد و چشم‌انداز روشن عربستان سعودی در سطوح مختلف امنیت سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی و سایبری را معین می‌کنیم. **واژگان کلیدی:** عربستان، سیاست‌های امنیتی، تهدیدات امنیتی، موقعیت ژئوپلیتیک، امنیت نظامی

مقدمه

کشور عربستان سعودی به دلیل قرار گرفتن در منطقه‌ای حساس از جهان و همین‌طور به دلیل دارا بودن ذخایر عظیم نفت و گاز، کشوری بسیار مهم در عرصه بین‌المللی و منطقه خاورمیانه است. با از صحنه خارج شدن پان‌عرب‌سیم به‌عنوان گفتمان غالب در جهان عرب و اضمحلال کمونیسم در صحنه جهانی، به‌یک‌باره دو دشمنی را که ظرفیت‌های نظامی و ایدئولوژیکی به خطر انداختن عربستان را داشتند، از بین برد.

برخلاف گذشته که عربستان امنیت خود را در وهله اول، سدکردن فعالیت‌ها و سیاست‌های کشورها و رهبران پان‌عرب تعریف می‌کرد؛

در این پژوهش ابتدا با بررسی تئوریک اصول رئالیستی امنیت در کشور عربستان، بر راهبردهای جدید پاسخگویی به نیازهای متغیر کنونی، به تهدیدات احتمالی و تقویت موقعیت عربستان با دید تاریخی از امنیت این کشور، تمرکز خواهیم کرد. در بخش بعد با واکاوی موازنه تهدید در سیاست خارجی عربستان، ابعاد مختلف امنیت را در سطح کشور (سطح فردی و اجتماعی)، منطقه‌ای و جهانی، تبیین خواهیم کرد. سپس با طبقه‌بندی اولویت‌ها و تهدیدات عربستان، سیاست‌ها و دید امنیتی این کشور را نسبت به ایران، تامین امنیت خلیج فارس، عراق و یمن مشخص می‌کنیم. در بخش‌های بعدی بر روابط امنیتی آمریکا و اسرائیل با عربستان دقیق‌تر می‌شویم و به تهدیدات متقارن، نامتقارن و سایبری می‌پردازیم. در بخش آخر، الگوی امنیت راهبردی عربستان را با روند شناسایی و به‌کارگیری منابع قدرت و همچنین سیاست‌گذاری‌ها، تحلیل

۱. سیاست امنیتی عربستان در چارچوب نظری واقع‌گرایی

عربستان عموماً به واقع‌گرایی تدافعی در حوزه امنیت پایبند بوده است. از زمان شکل‌گیری این کشور در سال ۱۹۳۲ تا ۲۰۱۵، ریاض خود را به‌عنوان یک قدرت موجود در منطقه خلیج‌فارس محسوب می‌کرد و سیاست‌هایی را دنبال کرد که بر احتیاط و تعادل تأکید داشتند. با این حال، در طول این سال‌ها، پادشاهان عربستان صراحتاً این ایده را رد کردند که عربستان به دنبال هژمونی در خلیج‌فارس و یا خاورمیانه است (Rich & Moore, 2019). علاوه‌براین، در این بازه زمانی عربستان به دنبال سیاست‌های امنیتی خود، ساختارهای ائتلافی چندجانبه و انعطاف‌پذیری همراه با بازیگران محلی و جهانی علیه دولت‌های تجدید نظرطلب نوظهور که به دنبال تضعیف یا تسلط بر توازن قدرت منطقه بودند، ایجاد کرد.

چنین رویکرد و رفتارهایی به‌طور مستمر در طول تاریخ دولت مدرن عربستان قابل مشاهده بودند. به‌عنوان مثال، می‌توان به ائتلاف‌های اولیه با دیگر قدرت‌های عربی در برابر تهدیدات استعماری، مشارکت در ائتلاف‌های متعادل‌کننده علیه اسرائیل (در ابتدای موجودیت اسرائیل) و مدیریت ایران پس از انقلاب با شرکای خلیج‌فارس اشاره کرد. در این موارد و موارد دیگر، اهداف امنیتی عربستان معمولاً از طریق ائتلاف‌های موازنه‌مبتنی بر اجماع به دست می‌آیند که برای جلوگیری از تجدیدنظرطلبی

امروزه امنیت برای رهبران عربستان سعودی به‌طور متفاوتی تعریف شده است. سیاست‌های تدافعی برای تضمین امنیت، جای خود را به خط‌مشی‌های تهاجمی و کنش‌گرایانه داده است. فضای بین‌المللی و محیط منطقه‌ای به‌شدت مستعد این تغییر استراتژی بوده است. با روی کارآمدن نسل جدید در عربستان سعودی از جمله محمد بن سلمان، سیاست خارجی این کشور نیز تهاجمی‌تر شده است.

همچنین، روابط شبه‌استراتژیک ریاض-واشنگتن در دوران ترامپ با فروش تسلیحات ایالات متحده به عربستان بیشتر شد. با تداوم بی‌ثباتی در عراق، تهدید ایران هسته‌ای، روابط پیچیده با آمریکا و اسرائیل، بحران یمن و واقعیت همیشه حاضر حملات تروریستی در داخل مرزهای خود، عربستان سعودی مجبور به اتخاذ تصمیمات سخت امنیتی شده است. سیاست خارجی امنیتی عربستان سعودی به‌عنوان بازیگر مهم منطقه‌ای، نشان می‌دهد که عربستان می‌کوشد تا با به‌کارگرفتن یک سیاست خارجی محافظه‌کارانه تهاجمی، مانع از تسری موج تغییرات منطقه به مرزهای داخلی خود شود.

در این پژوهش با واکاوی اصول و راهبردهای امنیتی عربستان، تهدیدات و اولویت‌ها را در سطوح مختلف واکاوی خواهیم کرد و در نهایت با بررسی سیاست‌ها و عملکردهای این کشور، یک چشم‌انداز از امنیت عربستان ارائه خواهیم داد.

تدافعی، توسط استفان والت معرفی شده است. در این ایده، به اهمیت ترس و وحشت در رفتارهای دولت‌ها تاکید شده است. والت معتقد است سعی دولت‌ها جهت افزایش توانمندی نسبی خود در رابطه با دیگر دولت‌ها است؛ زیرا در غیر این صورت، دولت‌ها به درجه‌ای می‌رسند که مجبورند در برابر متجاوز پر قدرت تسلیم شوند تا از هزینه‌های غیرضروری یا شکست جلوگیری نمایند. استفان والت در ارتباط با مفهوم موازنه تهدید معتقد است که کشورها با چهار مزیت نزدیکی جغرافیایی، توزیع امکانات، توانایی تهاجمی و درک نیت تجاوز، قادر هستند تهدیدات خارجی را تحلیل یا به ارائه تهدید اقدام کنند. در این راستا باید اشاره کرد که سه کشور اسرائیل، امارات متحده و عربستان سعودی، کشور ایران و یا محور مقاومت را تهدیدی برای خود و منطقه محسوب می‌کنند. به همین جهت از طریق برخی همکاری‌ها، خواهان کنترل و یا کاهش این تهدید هستند.

امارات و عربستان آشکارا در سیاست امنیتی خود همسو و هماهنگ با هم عمل می‌کنند و به‌عنوان نمونه می‌توان به همکاری دو کشور در سرکوب قیام مردم بحرین، اتخاذ سیاست‌های یکسان در بحران سوریه و جنگ علیه یمن اشاره کرد. از طرف دیگر، اسرائیل با احساس تهدید قدرتمند از جانب جمهوری اسلامی و در راستای ایجاد موازنه تهدید منافع خود برای نزدیکی هرچه بیشتر به عربستان می‌بیند؛ زیرا عربستان کشوری است که هیچ‌گاه، نه در گفتار

و تضمین چندقطبی سازی در منطقه طراحی شده‌اند، منطقه‌ای که از زمان انحلال امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۲۲ فاقد هژمونی بوده است. از سال ۲۰۱۵، سیاست خارجی عربستان سعودی از ریشه‌های امنیتی دفاعی واقع‌گرایانه خود، فاصله گرفته است و به سمت رویکردی منطبق بر واقع‌گرایی تهاجمی متمایل شده است. در بیان این رویکرد می‌توان به مثال‌هایی اشاره کرد، برای مثال، خصومت دیپلماتیک ریاض با کانادا بر سر مسائل حقوق بشری در سال ۲۰۱۸ که تا قطع روابط دیپلماتیک نیز پیش رفت، خصومت فزاینده عربستان با ایران، ترور جمال خاشقجی و حضور فعال در جنگ یمن و روسیه از این نوع مثال‌ها می‌باشند. به‌طور کلی، می‌توان از این حوادث به‌عنوان تغییر رویکرد عربستان یاد کرد.

به‌طور کلی، رفتار بین‌المللی عربستان را می‌توان به‌عنوان محدود کردن رویکردهای دفاعی به نفع واقع‌گرایی تهاجمی درک کرد. با این حال، توجه به این نکته ضروری است که در حالی که سیاست خارجی اخیر عربستان به سمت واقع‌گرایی تهاجمی تمایل پیدا کرده است، اما همچنان تا حدی این کشور به اصول واقع‌گرایی تدافعی که برای دهه‌ها مشخص عربستان بوده است، وفادار است (Rich & Moore-Gilbert, 2019). در این بین، می‌توان به اصول موازنه تهدید در سیاست‌های امنیتی عربستان اشاره کرد.

نظریه موازنه تهدید در چارچوب کلی واقع‌گرایی

بن خالد الفيصل، فرمانده سابق نیروی دریایی سلطنتی عربستان در یک سخنرانی در واشنگتن، مبنای اساسی راهبرد دفاعی جدید عربستان را تشریح کرده است که در ادامه به آن می‌پردازیم. هدف از راهبرد جدید عربستان، پاسخگویی به نیازهای متغیر کنونی به تهدیدات احتمالی و تقویت موقعیت این کشور به‌عنوان رهبر جهان عرب و حافظ ثبات در شبه‌جزیره عربستان است. راهبرد جدید، در پی دستیابی به هدف اساسی بقا و امنیت رژیم عربستان است. به عبارتی دیگر راهبرد دفاعی جدید، درصدد مقابله با کشورهای غیردوست و تهدیدات غیرمتعارف در منطقه خاورمیانه است. راهبرد جدید دفاعی عربستان مبتنی بر جنگ در دو جبهه مختلف به‌طور هم‌زمان است. این راهبرد، پیش‌بینی می‌کند که عربستان در میان‌مدت و بلندمدت در چنین موقعیتی قرار خواهد گرفت؛ بنابراین توسعه نظامی باید به‌گونه‌ای سازمان‌دهی شود که بتواند در سرزمین خود دفاع کند و به‌طور هم‌زمان از متحدان راهبردی خود نیز محافظت نماید. راهبرد نظامی جدید در کنار سایر موارد به سه عنصر تقویت نیروی نظامی، گسترش خطوط دفاعی نبرد سایبری و ضد تروریسم تاکید می‌کند (پوراخوندی، ۱۳۹۷).

در بحث راهبرد نظامی باید اشاره کرد که عربستان، به لحاظ ژئوپولیتیکی در منطقه حساس و آسیب‌پذیری قرار دارد. به‌طوری‌که عمده فعالیت‌های اقتصاد این کشور، به ثبات در سه‌نقطه

و نه در عمل، تهدیدی جدی علیه رژیم صهیونیستی مطرح نساخته است؛ بنابراین، مجموعه این عوامل باعث همگرایی و همکاری میان عربستان سعودی، امارات و رژیم صهیونیستی در راستای مقابله بانفوذ و قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه گردیده است. درواقع، این همکاری‌ها در قالب موازنه تهدید برای مقابله با تهدید مشترکی به نام نیروهای مقاومت با محوریت جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است (زهدي نسب و محمودی طولش، ۱۳۹۹).

همچنین در بحث معمای امنیت در منطقه جنوب شرق آسیا، باید اشاره کرد که این منطقه با توجه به حجم بالای واردات تسلیحات، افزایش هزینه‌های نظامی و مدرن‌سازی نیروی نظامی و دریایی کشورهای منطقه و حضور قدرت‌های بزرگ، به سمت شکل‌دهی به یک معمای امنیتی در حرکت است. در این حالت، کشورهای منطقه به دنبال افزایش امنیت از طریق ائتلاف یا افزایش توان نظامی خود برای مقابله با تهدیدها و بی‌ثباتی در منطقه برمی‌آیند. به‌طور مثال، ائتلاف محور مقاومت در برابر عربستان، امارات و اسرائیل یک نمونه از این نوع همکاری‌ها است.

۱،۲ اصول کلی حوزه امنیت در عربستان

عربستان هیچ‌گونه متن رسمی به‌عنوان راهبرد دفاعی یا سند امنیت ملی برای خود منتشر نکرده است. با این‌وجود در اکتبر ۲۰۱۵، شاهزاده سلطان

شروع به سرمایه‌گذاری‌های سنگین در زمینه توسعه امنیت سایبری کرده است. عربستان در گام نخست، راهبرد امنیت اطلاعات ملی را تدوین نمود. این راهبرد خواستار امنیت سایبری به‌عنوان عنصر اساسی برای حفظ منافع و اموال حیاتی پادشاه عربستان است. اخیراً نیز مقامات عربستان سعودی، یک سازمان جدید امنیت سایبری در عربستان تشکیل شده است.

در بخش تروریسم نیز باید اشاره کرد که مقامات عربستانی تفسیرهای متفاوتی از سازمان‌های تروریستی دارند. طیف گسترده و متفاوتی از گروه‌ها را تروریست تشخیص داده‌اند. برای مثال، آن‌ها حزب‌الله، حماس و حتی اخوان المسلمین را به‌عنوان سازمان‌های تروریستی مشخص کرده‌اند. به نظر می‌رسد تهدید عربستان در حوزه تروریسم باز هم به دلیل وابستگی این کشور به بخش انرژی باشد زیرا تاسیسات نفتی و لوله‌های نفتی عربستان که در خشکی و در دریا وجود دارند می‌توانند در برابر حملات تروریستی بسیار ضعیف عمل کنند. به‌عنوان مثال، نیروهای عربستانی در سال ۲۰۰۶ توانستند حملات القاعده علیه پالایشگاه ابقیق که به‌عنوان بزرگ‌ترین پالایشگاه نفتی جهان شناخته می‌شود را خنثی کنند.

گروه‌های افراطی که ابتدا در قالب القاعده و بعداً در قالب داعش و سایر گروه‌های تکفیری سازمان‌دهی شدند، تهدید جدی برای عربستان محسوب می‌شوند؛ زیرا آن‌ها امنیت داخلی و

خلیج‌فارس، باب‌المنذب و کانال سوئز بستگی دارد. همچنین، نکته مهم در این میان این است که عربستان، در هیچ‌یک از سه منطقه ذکرشده، کنترل ندارد و ایجاد بی‌ثباتی در این مناطق می‌تواند اقتصاد وابسته به انرژی عربستان را متحول کند. لازم به ذکر است که بسیاری از منابع و تاسیسات نفتی عربستان در مناطق شیعه‌نشین جنوب خلیج‌فارس قرار دارد که عربستان نسبت به این منطقه، توجه و حساسیت خاصی دارد؛ بنابراین توجه به امنیت داخلی و تقویت نیروهای نظامی و اطلاعاتی داخلی، یکی دیگر از اصول کلی عربستان در حوزه امنیت انرژی است.

در حوزه دفاع سایبری باید اشاره کرد که تهدیدات سایبری از زمان آلودگی تعداد زیادی از کامپیوترهای شرکت نفتی آرامکو در سال ۲۰۱۲، به یک نگرانی جدی برای عربستان تبدیل شده است و حمله سایبری ۲۰۱۶ به نهادهای دولتی و شرکت‌های خصوصی، این نگرانی را تشدید نموده است. همچنین بنابر اظهارات مقامات سعودی در سال ۲۰۱۶، بیش از ۱۰۰۰ حمله سایبری علیه زیرساخت‌های حیاتی عربستان صورت گرفته است (پوراخوندی، ۱۳۹۷).

اهمیت دفاع سایبری و بومی‌سازی آن، با توجه به تاکید سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ اهمیت ویژه‌ای یافته است. این سند اشاره می‌کند که دسترسی و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در عربستان باید تسهیل گردد. در همین راستا، این کشور

جدی محسوب می‌شد که اولویت اصلی آن دفاع از قدرت حاکم در مقابل تهدیدات داخلی بود. عربستان به علت نداشتن توانایی لازم برای اجرای عملیات نظامی و برای مقابله با تهدیدات خارجی، سیاست خارجی منفعلانه‌ای را اتخاذ کرده بود و وظیفه مقابله با تهدیدات خارجی را به نیروهای فرمانطقه‌ای (آمریکایی) محول کرد.

عربستان بعد از جنگ جهانی دوم تلاش کرد تا از طریق همکاری با آمریکا، امنیت خارجه خود را تامین کند. این همکاری مبتنی بر پایه‌های اساسی از ارزش‌های مشترک و اعتماد متقابل عمیق نبود، بلکه بیشتر مبتنی بر چانه‌زنی عمل‌گرایانه بود. بر این اساس، عربستان قیمت نفت را بر اساس خواست آمریکا تغییر می‌دهد و در مقابل آمریکا نیز امنیت عربستان را در برابر تهدیدات خارجی تضمین می‌کند.

قابل ذکر است که در دوران جنگ سرد، عربستان در راستای سیاست‌های امنیتی آمریکا در خلیج فارس، همراه با ایران دو قدرت منطقه را تشکیل می‌دادند. آمریکا سیاست جدید امنیتی مربوط به سیاست دو ستونی را ارائه کرد. بر اساس دکترین کیسینجر، در دوران نیکسون، دولت آمریکا باید در خلیج فارس به جای نیروهای انگلیسی، قدرت منطقه‌ای مناسب را انتخاب کند و با تجهیز و تقویت این کشور نقش ژاندارمری منطقه را به آن بسپارد تا حافظ منافع در منطقه باشد. برای چنین هدفی، ایران و عربستان موردنظر قرار گرفتند.

مشروعیت سیاسی دولت عربستان را به چالش می‌کشند. رهبران گروه‌های افراطی، اگرچه در قالب ایدئولوژی و آموزه‌های وهابی رشد و نمو پیدا کردند، اما با تفسیر رسمی روحانیون عربستان از اسلام مخالفت نموده‌اند و خود را حافظان واقعی اسلام می‌دانند. برای مثال رهبران داعش در سال ۲۰۱۵ از خاندان سعودی به‌عنوان ستمگران کافر یاد کردند و خواستار قیام طرفداران خود علیه حاکمان سعودی شدند (Blanchard, 2015).

ایدئولوژی‌های اصلی سازمان‌های افراطی مانند داعش، مشروعیت سیاسی خاندان آل سعود را به چالش می‌کشد. همچنین از نقدهای پرتکرار و تحقیرآمیز این سازمان‌ها نسبت به عربستان، غرب‌گرایی موجود در این کشور است. سازمان‌های افراطی در مقابل این انتقادات، اجرای شدیدترین دستورات اسلامی در عربستان را پیشنهاد می‌کنند. باید اشاره کرد که ابوبکر البغدادی نیز در سخنرانی خود ادعا نمود که حاکمان عربستان، برده مسیحیان و متحد یهودیان هستند و روحانیون عربستانی را به‌عنوان روحانیون درباری و مرتد محسوب می‌کند.

۱,۳ نگاهی تاریخی به راهبردهای مختلف نظامی_امنیتی

عربستان

هنگام تاسیس دولت آل سعود، جایگاه بین‌المللی این کشور صرفاً به دلیل صادرکننده نفت اهمیت داشت و نیروی نظامی این کشور به‌عنوان یک نیروی دفاعی، فاقد تجربه جنگی یا عملیات نظامی

بین‌المللی در سوریه و عملیات هوایی و زمینی علیه حوثی‌های یمن تحت عنوان «بازگرداندن امید» مشارکت دارند.

در ارتباط با رابطه نظامی_امنیتی میان عربستان و آمریکا نیز باید گفت که عربستان تضمین‌های امنیتی آمریکا را معتبر نمی‌داند. از نظر عربستان، ممکن است آمریکا در لحظات حساس از جمله در موقعیت‌هایی که مباحث دموکراسی در میان است آن‌ها را مانند حسنی مبارک تنها بگذارد. همچنین وابستگی و اعمال فشار آمریکا، حس بی‌اعتمادی را در مقامات عربستانی به وجود آورده است. اجلاس کمپ دیوید که در می ۲۰۱۵ با حضور سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس برگزار شد، حس بی‌اعتمادی عربستان نسبت به آمریکا را تقویت نمود. اوباما در این اجلاس اگرچه حمایت آمریکا از دولت‌های عربی علیه هرگونه حمله خارجی را بیان داشت؛ اما از امضای موافقت‌نامه همکاری دفاعی دوجانبه و ایجاد ساختاری مانند ناتو خودداری کرد (پوراخوندی، ۱۳۹۷).

۲. اولویت‌های امنیتی عربستان و چرایی آن

در سال‌های اخیر تهدیدات پیش روی عربستان سعودی تشدید شده و این کشور تغییرات قابل توجهی را شاهد بوده است. افزایش قابل توجه تهدیدات جنبشی (از نظر گستره و دقت) و تهدیدات سایبری علیه دارایی‌های استراتژیک مشهود است. در این بخش ابتدا مسائل امنیتی در سطوح فردی

همچنین عربستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تلاش‌هایی برای ایجاد پیمان امنیتی در قالب شورای همکاری خلیج‌فارس انجام داد؛ اما عدم موفقیت این شورا در جلوگیری از حمله عراق به کویت، ناکارآمدی آن را نشان داد. از این رو عربستان، باز هم به رویکرد سنتی یعنی استفاده از قدرت‌های خارجی برای تامین امنیت خود و متحدانش متوسل شد.

پس از سال ۲۰۰۰، عربستان به گسترش سریع توانمندی نظامی روی آورد. به طوری که این کشور در میان سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ در حدود ۱۲۰ میلیارد دلار سلاح از آمریکا وارد کرد و خود را به بزرگ‌ترین واردکننده تسلیحات از آمریکا تبدیل کرد. همچنین عربستان در سال ۲۰۱۵، بعد از آمریکا و چین، به سومین کشور دارای هزینه سنگین نظامی تبدیل گردید. به نحوی که هزینه‌های نظامی عربستان در سال ۲۰۱۶، بالغ بر ۶۰ میلیارد دلار بوده است. همچنین نوع و کیفیت تسلیحات در عربستان نیز دچار تحول اساسی گردیده است. این کشور درصدد کسب تسلیحات راهبردی با برد و قدرت زیاد، به طور اخص موشک‌های بالستیک و هواپیمای راهبردی برآمده است (پوراخوندی، ۱۳۹۷). عربستان که تا سال ۲۰۱۱ راهبرد نظامی منفعلانه را در پیش گرفته بود، از سال ۲۰۱۱ با آغاز تحولات داخلی بحرین، تاکنون به فعالیت‌های نظامی روی آورد و نیروهای نظامی آن به طور هم‌زمان در دو عملیات نظامی جدید مانند حملات هوایی ائتلاف

مورد حمله ایران قرار گرفته‌اند. همچنین حملات سایبری مکرر علیه پادشاهی انجام می‌شود و نگرانی از فعالیت خراب‌کاران ایران در میان جمعیت شیعه محلی وجود دارد. علاوه بر این، حضور ایران در عراق این احساس را افزایش می‌دهد که برای اولین بار این پادشاهی، در عمل از همه طرف توسط ایران محاصره شده است.

علاوه بر این، برنامه هسته‌ای ایران و پیامدهای آن برای آزادی عملیات ایران در منطقه، منبع نگرانی است. از آنجایی که هر چند هفته یکبار این گمانه‌زنی مطرح می‌شود که توافق هسته‌ای جدید ایران یا به‌طور ناامیدکننده‌ای متوقف می‌شود یا به‌طور بالقوه قریب‌الوقوع است، دو سوال ثابت مانده است: رقبای خلیج فارس ایران به چین توافقی چه واکنشی نشان خواهند داد؟ و ترتیبات امنیتی در منطقه چگونه تغییر خواهد کرد؟ به نظر می‌آید که احتمال کم احیا برجام، تهدیدات امنیتی در حوزه‌های مختلف برای عربستان ایجاد خواهد کرد. طبق تئوری معمای امنیت، در صورت دستیابی تهران به تسلیحات هسته‌ای، امکان هسته‌ای شدن همسایگان عرب، به‌ویژه عربستان، مورد توجه است.

ایران، تمایل خود را برای اقدام علیه منافع عربستان و خلیج فارس در منطقه حمله به نفت‌کش‌ها، اختلال در فعالیت‌های دریایی و حمله به گلوگاه‌های تولید نفت عربستان در سپتامبر ۲۰۱۹ در اقیانوس و بار دیگر در مارس ۲۰۲۱، در راس

و ملی (تهدیدات داخلی) را بررسی خواهیم کرد و سپس با توجه به تئوری موازنه تهدید و معمای امنیت موقعیت عربستان و تهدیدات امنیتی منطقه‌ای را مشخص کرده و در نهایت با رویکرد مکتب کپنهاگ، رابطه امنیتی آمریکا و عربستان را در ابعاد متفاوت نظامی، اقتصادی، سایبری و انرژی را تحلیل خواهیم کرد.

۲٫۱ جغرافیای تهدیدات امنیتی؛ عربستان در محاصره

تهدیدات در عرصه داخلی: عوامل خطر ویژه‌ای در مورد پادشاهی در میان جمعیت خشمگین، نیروهای امنیتی و حتی خود خانواده سلطنتی وجود دارد. تغییرات سریعی که ولیعهد، محمد بن سلمان ایجاد کرده است، تنش‌های داخلی را تسریع می‌بخشد که خطر براندازی و نفوذ خارجی در داخل پادشاهی را افزایش می‌دهد. در این بخش می‌توان از سطح امنیت فردی و اجتماعی صحبت به میان آورد. آمار به‌روز سازمان ملل نشان می‌دهد که در عربستان سعودی، تنها رفرم‌های اقتصادی بن‌سلمان مورد توجه هستند، نه رفرم‌های فرهنگی و اجتماعی.

تهدید ایران: ایران یکی از تهدیدات اصلی عربستان سعودی است و سال‌هاست که این دو کشور، در چندین عرصه درگیر هستند. عربستان سعودی علیه حوثی‌ها در یمن می‌جنگد که کمک‌های قابل توجهی از ایران دریافت می‌کنند. تاسیسات نفتی و نفت‌کش‌های عربستان سعودی چندین بار

نگریستن به یمن از دریچه امنیتی، پس از تصرف صنعا توسط حوثی‌ها در سال ۲۰۱۵، افزایش یافت. مداخله نظامی بعدی به رهبری عربستان سعودی نتوانست به اهداف خود دست یابد و فروپاشی دولت یمن را تسریع بخشید.

تهدید اصلی از مرز یمن، یک تهدید هوایی است که در مسیر به سمت شهرها و شهرهای منطقه مرزی و به سمت اهدافی در منطقه شامل فرودگاه‌ها، تاسیسات نفتی و نمادهای دولتی منعکس شده است. هرازگاهی، مکان‌های نظامی، اقتصادی و غیرنظامی در عمق عربستان سعودی هدف گلوله قرار می‌گیرند. در بخش دریایی نزدیک یمن، حوثی‌ها توانایی خود را در حمله به نفت‌کش‌ها در منطقه دریای سرخ و حتی حمله به کشتی‌ها در نزدیکی بنادر جدّه و ینبع ثابت کرده‌اند.

تهدید عراق: عراق، تهدیدی مضاعف برای عربستان است. ابتدا، در عراق شبه‌نظامیان طرفدار ایران وجود دارند که می‌توانند در صورت صدور فرمان، علیه عربستان سعودی اقداماتی انجام دهند. دوم، عناصر تندرو سنی بقایای داعش، می‌توانند از طریق مرز زمینی طولانی نفوذ کرده و حملاتی را علیه اهداف سعودی انجام دهند. مرز اردن نیز چالش مشابهی را در مورد نفوذ عناصر متخاصم و سلاح به داخل پادشاهی ایجاد می‌کند.

۲،۲ روابط امنیتی پنهان؛ عربستان و اسرائیل

همکاری مخفیانه بین سعودی‌ها و اسرائیلی‌ها در

نشان داده است. سعودی‌ها که از آسیب‌پذیری خود نسبت به ایران آگاه بودند، نیاز به تضمین امنیت خود را به‌تنهایی درک کرده‌اند؛ به این نکته نیز توجه می‌کنند که راه‌های کمی برای پاسخ به چنین حمله‌ای دارند.

از سال ۲۰۱۹، مقامات ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران بارها به کشورهای خلیج‌فارس نسبت به پیگیری روابط امنیتی با شریک جدید صلح خود «اسرائیل» هشدار داده‌اند. گزارش ابوظبی با اعلام اینکه امارات اجازه نمی‌دهد اسرائیل بتواند هواپیماهای نظامی را در قلمرو خود مستقر کند، پیشگویی این تهدیدات را عملی کرد. سیستم‌های راداری اسرائیلی در قلمرو اماراتی نیز بدون شک توسط تهران مشکل‌ساز شده است. درحالی‌که به اندازه هواپیماهای جنگنده F-35 تهدیدآمیز نیست؛ بنابراین، با تکیه بر نظریه موازنه تهدید برای امارات، بحرین و عربستان سعودی، سؤال اساسی این خواهد بود که تا چه اندازه می‌توانند با اسرائیل هماهنگ شوند تا جبهه‌ای در مقابل ایران تشکیل دهند.

تهدید یمن: حوثی‌ها طی شش سال جنگ موفق شدند تعداد زیادی عملیات مرزبانی در خاک عربستان انجام دهند، افرادی را به اسارت بگیرند و ارتش سعودی را که به بهترین سلاح‌های غربی مجهز است، شکست دهند. عربستان سعودی درعین حال موفق شده است مرز طولانی خود را حفظ کند و از عملیات زمینی گسترده در عمق خاک خود جلوگیری کند. تمایل سعودی‌ها به

ثروتمند و نفت‌خیز خلیج فارس اعلام می‌کنند. Perks شامل ارتباط مستقیم از راه دور شرکت هواپیمایی اسرائیلی است که از طریق فضای هوایی کشورهای حاشیه خلیج فارس پرواز می‌کند و هیچ محدودیتی در تجارت با شرکت‌های اسرائیلی وجود ندارد. مقامات اسرائیلی، سود خود را ۴۵ میلیارد دلار تخمین می‌زنند. طبق گزارش‌ها، دو کشور، قبل از حال مذاکره در مورد معاملات تجاری ناشناخته و سری بودند.

اسرائیل، طرحی را برای اتصال ایستگاه‌های راداری و پدافند موشکی برای محافظت از امارات در برابر ایران و دادن هشدار سریع به اسرائیل در مورد هرگونه موشک ایرانی که به سمت آن شلیک می‌کند، انجام داده است. صادرات تسلیحات اسرائیل به کشورهای حاشیه خلیج در سال ۲۰۲۱ به ۸۰۰ میلیون دلار رسید که ۷ درصد از کل فروش نظامی این کشور است. همکاری استراتژیک بین اسرائیل و شرکای عرب آن، یک پیشرفت مثبت است. این به اشتراک‌گذاری اطلاعات به‌طور قطع، امنیت کشورهای منطقه‌ای را که توسط ایران و گروه‌های نیابتی آن تهدید می‌شوند، بهبود می‌بخشد. در عین حال، برخی از بهترین شرکای بالقوه اسرائیل در منطقه، روابط نزدیک فزاینده‌ای با چین دارند. گرچه تجهیزات اسرائیلی که برخی از آن‌ها به‌طور مشترک با ایالات متحده ساخته شده در خارج از کشور مستقر هستند؛ باید اقداماتی انجام شود تا اطمینان حاصل شود که این فناوری به خطر

اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی آغاز شد، هنگامی که هر دو از سلطنت‌طلبان یمن علیه دولت جمهوری‌خواه مصر و اتحاد جماهیر شوروی در صفا حمایت کردند. سرویس‌های اطلاعاتی آن‌ها هماهنگی تحویل سلاح و تخصص به سلطنتی‌های مستقر در عربستان سعودی را انجام دادند؛ روسای اطلاعات موساد و عربستان سعودی به یک مناسبت در هتل دورچستر لندن ملاقات کردند. توافق‌نامه اسلو در سال ۱۹۹۳، همکاری پشت‌صحنه را تسهیل کرد. ایران و متحدانش مانند حزب‌الله و حوثی‌ها، اکنون دشمن مشترک را تشکیل می‌دهند. متحدان خلیج فارس، عربستان، بحرین و امارات متحده عربی، اسرائیل را در سال ۲۰۲۰ به رسمیت شناختند که تا حد زیادی برای حمایت سعودی‌ها در برابر ایران بوده است. سعودی‌ها اجازه پرواز مستقیم از تل‌آویو به منامه، ابوظبی و دبی را از قلمرو خود عبور داده‌اند که همین موضوع، تهدیدات امنیتی فراوانی را ایجاد کرده است.^۱ همدردی مشترک عربستان سعودی و اسرائیل برای دشمن مشترک «ایران» عامل اصلی همکاری آن‌هاست (بازگشت به تئوری موازنه تهدید). با این حال، برای آینده قابل پیش‌بینی، این رابطه در سایه‌ها باقی خواهد ماند؛ هم به دلیل ماهیت همکاری و هم به دلیل شناخت رسمی دیپلماتیک سعودی از اسرائیل به توافق‌نامه صلح اسرائیل و فلسطین بستگی دارد. سعودی‌ها برای استفاده از چرخ‌های معامله‌های تجاری و امنیتی، فرصت‌های اقتصادی را با کشورهای

نمی‌افتد.^۲

همچنین به نظر می‌رسد یک عنصر آموزش و تمرینات مشترک نیروی هوایی و فروش تجهیزات اسرائیلی؛ از جمله مهم‌ترین آن‌ها یک سیستم دفاع موشکی ۵۰۰ میلیون دلاری به مراکش نقش عربستان در مذاکرات فروش است. به‌طور کلی تا به امروز، جزئیات کمی در مورد به‌اصطلاح اتحاد دفاع هوایی خاورمیانه (مید)،^۳ از جمله کشورهای درگیر و میزان درگیری آن‌ها منتشر شده است. با این حال، به گفته وزیر دفاع اسرائیل، مید عملیاتی است که «تلاش‌های ایرانی را خنثی می‌کند».^۴

۲,۳ همکاری امنیتی عربستان و آمریکا

روایت امنیتی متعارف در مورد عربستان سعودی و ایالات متحده نشان می‌دهد که چگونه شراکت آن‌ها با دنیای معمولی تحت تاثیر منافع ملی، متفاوت است. در نتیجه، هرگونه احساس ضعف، قرار گرفتن در معرض فشار، رنجش یا بی‌اعتمادی، مانند هرگونه نگرانی در مورد بی‌تفاوتی یا دست‌کاری، از بین می‌رود. طبق مدارک موجود در وزارت دفاع آمریکا، ایالات متحده و عربستان سعودی به‌طور جمعی برای رسیدن به هدف مشترک خاورمیانه با ثبات و امن، کار می‌کنند. عربستان سعودی، شریک حیاتی ایالات متحده در طیف گسترده‌ای از مسائل امنیتی منطقه‌ای و یکی از اعضای مؤسس ائتلاف جهانی برای شکست داعش است.^۵

عربستان با حمایت تلاش‌های امنیتی

ایالات متحده، حملات تروریستی متعدد علیه اهداف سعودی و خارجی را خنثی کرد و با موفقیت از حملات خارجی جلوگیری کرد. ایالات متحده همچنان متعهد به ارائه تجهیزات، آموزش و پشتیبانی لازم به نیروهای مسلح سعودی برای محافظت از عربستان سعودی و منطقه در برابر اثرات بی‌ثبات‌کننده تروریسم، مقابله با نفوذ ایران و سایر تهدیدات است.

در این راستا، ایالات متحده به همکاری با عربستان سعودی برای بهبود آموزش برای نیروهای عملیات ویژه و ضد تروریسم، ادغام سامانه‌های دفاع هوایی و موشکی، تقویت دفاع سایبری و تقویت امنیت دریایی ادامه خواهد داد. ایالات متحده ۱۲۶,۶ میلیارد دلار در پرونده‌های فروش فعال دولتی به عربستان سعودی، تحت سیستم فروش نظامی خارجی^۶ دارد. از زمان امضای تعهد ۱۱۰ میلیارد دلاری در ماه مه ۲۰۱۷، برای تعقیب نوسازی نیروهای مسلح عربستان، افزایشی در موارد FMS و^۷ DCS انجام داده شده است. تا به امروز، این ابتکار منجر به بیش از ۲۷ میلیارد دلار در موارد اجرا شده FMS شده است.

ائتلاف به رهبری عربستان سعودی از دولت مشروع یمن حمایت می‌کند و از قلمرو خود در برابر حملات به اهداف غیرنظامی شورشیان حوثی، دفاع می‌کند. ایالات متحده همچنان به همکاری با ائتلاف به رهبری عربستان سعودی، برای به حداقل رساندن تلفات غیرنظامیان در این درگیری

متغیرهای عمودی (حاکمیتی) و افقی (غیرحاکمیتی) است.

شلدون گریوز از دیگر نظریه پردازانی محسوب می‌شود که معتقد است امنیت راهبردی در بخش‌های متفاوت امنیت جهانی، مطابق با شرایط زمانی و مکانی مختلف به کار می‌رود. در همین راستا، حفظ تعادل، اصلی‌ترین چالش این نظریه در تمام سطوح یک سازمان است. در کنار این تعریف‌ها از نظریه امنیت راهبردی این سوال مطرح می‌شود که الگوی امنیت راهبردی عربستان چیست؟

الگوی امنیت راهبردی، اصول، منابع و کارکردهای مشخصی دارد. این اصول به قدری در الگوی امنیت اهمیت دارند که سرپیچی از آنان در هر شکل، به‌مثابه کنار زدن مرزهای الگوی امنیت راهبردی دانسته می‌شود. در همین راستا، به نظر می‌رسد اسلام و در کنار آن، قانون اساسی که مبتنی بر اصول این دین تدوین شده، در الگوی امنیت راهبردی عربستان به‌عنوان منابع و اصول این الگو، جایگاه قابل توجهی دارند. سیاست‌گذاری‌هایی که براساس این الگو صورت می‌گیرند، در هر شکلی نمی‌توانند از اصول و قوانین اسلام سرپیچی کنند. برای مثال، اگرچه در سال‌های اخیر عربستان سعودی به دلایل مختلف و در پرتوی شرایط جدید، یک سیاست متفاوت از گذشته را به‌ویژه در دوران پادشاهی جدید در قبال مسائل منطقه، تحولات عربی و مسائل داخلی در پیش گرفته، اما این سیاست متفاوت ذیل الگوی امنیت راهبردی

ادامه می‌دهد. دولت عربستان سعودی اقداماتی را برای بهبود فرایندهای هدف‌گذاری خود انجام داده و همچنین سازوکارهایی را برای بررسی حوادث احتمالی تلفات غیرنظامیان و پرداختن به آن‌ها به‌صورت عملی، در صورت لزوم اتخاذ کرده است. سعودی‌ها دریافت و ادامه آموزش از نیروهای آمریکایی در مورد قانون درگیری مسلحانه^۸، رویه‌های هدف‌گیری هوا به زمین و بهترین روش‌ها برای کاهش خطر تلفات غیرنظامیان، آموزش‌های دوجانبه و چندجانبه آینده، به‌منظور بهبود درک نیروهای امنیتی سعودی از شناسایی، هدف‌گیری و درگیرکردن اهداف صحیح و درعین‌حال به حداقل رساندن خسارت وثیقه و تلفات غیرنظامی طراحی شده است.

۳. الگوی امنیت راهبردی عربستان

عربستان به‌عنوان کشوری که با نظام نومحافظه‌کاری اتحاد دارد، دارای یک الگوی امنیت راهبردی است که تحلیل این الگو می‌تواند راهبردهایی جهت کاهش تهدیدات عربستان در حوزه‌های مختلف از سیاست خارجی تا فرهنگ را ارائه کند. امنیت راهبردی به‌مثابه یک الگو برای اولین بار از سوی کالوی ماکینن مطرح شد. او که تاکید داشت مفهوم امنیت راهبردی در تلاش برای تعدیل پیچیدگی‌های ابعاد چندبعدی حوادث است، ریشه الگوی امنیت راهبردی را در مطالعات نظری می‌داند. درواقع، امنیت راهبردی یک مفهوم با

نیروی نظامی برای پیش‌بردن اهداف باشد، سعی دارد تا از طریق ایجاد جذابیت به ترجیحات دیگران شکل دهد. در همین راستا، قرن بیستم و بعد از آن را باید سرآغازی بر شکل‌گیری روند شناسایی و به‌کارگیری منابع قدرت نرم از سوی دولت‌ها دانست. عربستان سعودی بر این اساس، یکی از کشورهای محسوب می‌شود که با اتکا به قدرت نرم، سعی در پیش‌بردن الگوی راهبرد امنیتی خود دارد و از سویی دیگر می‌توان، عملکرد امنیتی این کشور را در پرتوی همین نوع قدرت مورد بررسی و تحلیل قرار داد.

به‌طور کلی، منابع و ابزارهای نفوذ عربستان در سه حوزه فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی تعریف می‌شود که به‌کارگیری آن‌ها باعث گسترش نفوذ نرم‌افزاران این کشور در سطح منطقه و جهان اسلام شده است. در کنار این موارد، عوامل محدودکننده‌ای برای قدرت نرم کشور عربستان وجود دارد که عملکرد امنیتی این کشور در منطقه تحت نفوذش را تحت تأثیر قرار داده است.

تروریسم، افراط‌گرایی مذهبی، شیعه‌ستیزی، ضعف دموکراسی و حقوق بشر، وابستگی به آمریکا و دخالت در کشورهای منطقه مانند یمن، از جمله مواردی محسوب می‌شوند که قدرت نرم عربستان را محدود می‌کنند و به‌این ترتیب، عملکرد امنیتی این کشور در منطقه تحت نفوذش نیز، تحت تأثیر قرار می‌گیرد. اگر این عوامل محدودکننده را بر اساس متغیرهای الگوی راهبردی امنیتی تحلیل

این کشور تعریف می‌شود که منبع آن اسلام و قانون است. برای مثال، اگرچه تجدید نظرهایی درباره برخی قوانین در حوزه زنان صورت گرفت و سیاست‌گذاری‌هایی نیز در این زمینه انجام شد، اما نهایتاً منبع آن اسلام است.

در همین راستا به نظر می‌رسد که الگوی امنیت راهبردی عربستان، الگویی مبتنی بر اسلام نو به‌عنوان یک منبع و اصل است که با روی کارآمدن دولت دموکرات در آمریکا و کاهش نقش و دخالت این کشور در مسائل منطقه خاورمیانه، سعی در پرکردن خلا متحد استراتژیک خود، یعنی آمریکا دارد؛ بنابراین شاهد هستیم که عربستان در الگوی امنیت راهبردی خود، یک رویکرد خوداتکا، فعال و درگیر دارد که ریشه‌های خود را از دین دریافت می‌کند و درعین حال تلاش دارد تا خلا آمریکا در منطقه را جبران کند. در جریان تحلیل راهبردی، سعی می‌شود تصویری تمام‌نما از عواملی که بر حال و آینده سازمان اثر دارند یا می‌توانند اثر داشته باشند، ارائه شود.

۳,۱ تحلیل عملکرد امنیتی عربستان در منطقه تحت نفوذ

خود

قدرت به‌عنوان یکی از مفاهیم مهم در علوم سیاسی، دارای انواع مختلفی است که قدرت نرم یکی از آنان محسوب می‌شود. این نوع قدرت که به پیش‌بردن الگوی راهبرد امنیتی کمک می‌کند، بیش از آنکه مبتنی بر زور و استفاده از

به‌طور کلی، سیاست‌گذاری‌های کشور عربستان در حوزه امنیت بسته به اینکه از کدام نوع آن صحبت می‌کنیم، متفاوت بوده است. این کشور در حوزه امنیت سایبری، منطقه‌ای، نظامی، فرهنگی و ... سیاست‌هایی را اتخاذ کرده که هر کدام نتایج مختلفی داشته‌اند.

برای مثال، اگر امنیت سایبری را در نظر بگیریم، باید گفت در حالی که ایالات متحده آمریکا به‌صورت مداوم، یک رهبر جهانی در حوزه امنیت سایبری بوده است؛ اما عربستان سعودی اخیراً به‌عنوان یک کشور پیش‌تاز در این عرصه حاضر شده است. در همین راستا، شاخص امنیت سایبری در سال ۲۰۲۰، عربستان سعودی را در رتبه دوم پس از آمریکا قرار داده است. با توجه به این اطلاعات، می‌توان نتیجه گرفت که این کشور در حوزه امنیت سایبری و با توجه به سیاست‌گذاری‌ها، چشم‌انداز روشنی پیش روی خود دارد. اجرای چشم‌انداز سند ۲۰۳۰ و برنامه تحول ملی ۲۰۲۰ عربستان را نیز می‌توان گواهی بر این ادعا دانست.

فارغ از چشم‌انداز روشن عربستان سعودی در حوزه امنیت سایبری، این کشور با توجه به رویکردی که در قبال کشورهای مانند ایران و یمن اتخاذ کرده، با تهدیداتی در زمینه امنیت منطقه‌ای مواجه است. در کنار این موضوع، بی‌ثباتی در عراق و افغانستان، برنامه‌های هسته‌ای ایران و واقعیت همیشگی حملات تروریستی، اصلاح رویکردهای امنیتی این کشور را یادآوری می‌کند.

می‌توان نتیجه گرفت که این عوامل، حاکمیتی و غیرحاکمیتی هستند و به طبع اصلاح عواملی که غیرحاکمیتی هستند و منشأ بیرونی دارند، کار سخت‌تری است.

درعین حال که برخی پژوهشگران عقیده دارند، قدرت نرم عربستان سعودی عمدتاً محصول نقش و جایگاه دینی‌اش در جهان اسلام است، اما درعین حال این قدرت مولفه مهمی در تامین امنیت عربستان در منطقه نیز محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد تحلیل عملکرد امنیتی عربستان در منطقه تحت نفوذ خود، در سایه عوامل محدودکننده قدرت نرم این کشور، شدنی باشد. اگرچه عربستان کشوری است که اسلام در آن ظهور کرده، اما عملکرد این کشور در تحریف ارزش‌های حقیقی اسلام، باعث شده تا نفوذ معنوی آن در بین کشورهای اسلامی کاهش پیدا کند و گروه‌های تندرویی که از حمایت مادی و معنوی این کشور برخوردار هستند، تشکیل شوند. این موضوع باعث شده تا با محدود شدن قدرت نرم عربستان به این صورت، امنیت این کشور در منطقه تحت نفوذش متاثر شود. به این ترتیب، کشورهایی که منشأ گروه‌های تندوی افراط‌گرای اسلامی را عربستان می‌دانند، برای نابودی این گروه‌ها که تحت حمایت مادی و معنوی عربستان هستند، امنیت عربستان در منطقه تحت نفوذش را با جنگ‌های مختلفی خدشه‌دار خواهند کرد.

۳،۲ چشم‌انداز امنیت عربستان با توجه به سیاست‌گذاری‌ها

- Monday (July 11, 2022)- <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2022/07/11/how-to-understand-israel-and-saudi-arabias-secretive-relationship/amp/>
2. Regional Security Cooperation Partnerships in the Middle East- David Schenker (Sep 21, 2022) <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/regional-security-cooperation-partnerships-middle-east>
 3. Middle East Air Defense Alliance -MEAD
 4. This article appeared in the Middle East & Africa section of the print edition under the headline «One shield to guard them all?»- <https://www.economist.com/middle-east-and-africa/2022/06/30/israels-unexpected-military-alliance-in-the-gulf>
 5. U.S. Security Cooperation With Saudi Arabia, FACT SHEET-BUREAU OF POLITICAL-MILITARY AFFAIRS (JANUARY 20, 2021)- <https://www.state.gov/u-s-security-cooperation-with-saudi-arabia/>
 6. Foreign Military Sales -FMS
 7. Distributed control system

عربستان سعودی همواره در قبال ایران یک رویکرد تهاجمی داشته که این رویکرد پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران بیشتر مورد توجه قرار گرفت. این سیاست‌گذاری تهاجمی، رفته‌رفته روابط تاریکی میان دو کشور ایجاد کرده که امکان همکاری‌های منطقه‌ای در ابعاد گوناگون را از هر دو سلب کرده است و در نتیجه، شاهد تهدید شدن امنیت منطقه‌ای هستیم. آنچه باعث شده چشم‌انداز امنیتی منطقه‌ای عربستان تاریک باشد، صرفاً رویکرد تهاجمی در قبال ایران نیست، چراکه این کشور در قبال یمن نیز رویکردی امنیتی دارد. نظامی کردن مرزهای عربستان و یمن، آسیب‌های فراوانی را به اقتصاد یمن وارد کرده و این در حالی است که امنیت عربستان سعودی به ثبات و رفاه اقتصادی یمن بستگی دارد. با این رویکرد، عربستان از یمن یک تهدید امنیتی در منطقه ساخته است. برای روشن کردن چشم‌انداز عربستان در این بعد از امنیت، لازم است تا این کشور در رویکردهای تهاجمی خود تجدیدنظر کرده و در مناطق مرزی خود با کشورهایی مانند یمن به احیای اقتصاد آنان در بخش‌های مختلف کمک کند تا اولاً، مسیر پیشرفت خود و کشورهای همسایه‌اش را هموار کند و دوماً، امنیت منطقه را نیز بالاتر ببرد.

یادداشت‌ها

1. How to understand Israel and Saudi Arabia's secretive relationship- Bruce Riedel

سیاست، عملکردی تهاجمی از خود نشان داده که مصداق آن در مورد برخی کشورهای منطقه از جمله ایران و یمن صدق می‌کند. این عملکرد تهاجمی در کنار الگوی امنیتی راهبردی این کشور، چشم‌اندازی تاریک از امنیت منطقه‌ای عربستان ایجاد کرده؛ این درحالی است که این کشور در ابعاد دیگر امنیت مانند فرهنگ و دیجیتال، با سیاست‌گذاری‌ها و رویکردی که در پیش گرفته، چشم‌انداز روشن‌تری را پیش روی خود قرار داده است.

منابع

- پوراخوندی، نادر (۱۳۹۷). تحول در راهبرد نظامی عربستان: زمینه‌ها و دلایل، نشریه: تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره: ۱۰، شماره: ۳۶، صص ۱-۲۴.
- زهدی نسب، یعقوب، محمودی طولش، ساسان. (۱۳۹۹). آینده پژوهی همکاری‌های دفاعی عربستان سعودی، امارات متحده و رژیم صهیونیستی در مقابل جمهوری اسلامی ایران بر پایه سناریونویسی. آینده پژوهی دفاعی، ۵(۱۹)، ۳۱-۵۲. doi: 10.22034/10.1457.dfsr/2021.521381
- هداوند میرزایی، محراب (۱۳۹۶). نقش کشور عربستان در گسترش تروریسم و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، نشریه: نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی (جغرافیای انسانی)، دوره: ۹، شماره: ۲، صص ۱۳۹-۱۵۵.
- عطایی، فرهاد و منصوری مقدم، محمد (۱۳۹۲). تبارشناسی سیاست خارجی عربستان سعودی: راهبردی واقع‌گرایانه بر بستری هویتی، نشریه: روابط خارجی، دوره: ۵، شماره: ۱، صص ۱۳۳-۱۶۸.

8. the law of armed conflict, which is also known as the law of war, international humanitarian law, or simply IHL

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد در مباحث نظامی، عربستان دچار برخی بی‌اعتمادی‌هایی نسبت به آمریکا شده است؛ زیرا همکاری‌های این دو کشور، فاقد بنیادهای مستحکم ارزشی است. همچنین تجربه ترک مصر توسط نیروهای آمریکایی در زمان حسنی مبارک بر این بی‌اعتمادی‌ها افزوده است. به همین جهت، یکی از علت‌های اصلی تحول رویکردی عربستان از وابستگی نظامی به خوداتکایی نظامی (تا حد امکان) ناشی از این حس بی‌اعتمادی است.

عربستان از نظر منطقه‌ای در جغرافیای تهدیدات قرار گرفته است و همین موضوع اهمیت بالای سیاست‌های منطقه‌ای امنیتی را نشان می‌دهد. از ایران گرفته و تامین امنیت خلیج فارس و یمن تا اسرائیل، همه به‌نوعی در تدوین سیاست‌های این کشور تاثیر دارند. روابط امنیتی عربستان و آمریکا نیز توجه زیادی را به خود جذب کرده است. این روابط که ابعاد نظامی و امنیتی آن، به‌خصوص برای عربستان بسیار تعیین‌کننده است به گفته برخی از کارشناسان وارد فاز استراتژیک شده است که با هر انتخابات ریاست‌جمهوری، تغییراتی در آن ایجاد می‌شود.

کشور عربستان سعودی در زمینه امنیت و

- , K. C. (2015). Resource Security in Saudi Arabia: Domestic Challenges ULRICHSEN and Global Implications. In D. Steven, E. O'Brien, & B. Jones (Eds.), *The New Politics of Strategic Resources: Energy and Food Security Challenges in the 21st Century* (pp. 168–186). Brookings Institution Press. <http://www.jstor.org/stable/10.7864/j.ctt6wphxw.11>
- Cordesman, A. H. (2016). Saudi Arabia and the United States: Common Interests and Continuing Sources of Tension. Center for Strategic and International Studies (CSIS). <http://www.jstor.org/stable/resrep23388>
- Yadlin, A. (2016). Another Round in the Saudi-Iranian Confrontation: What Does It Mean, and What Lies Ahead? Institute for National Security Studies. <http://www.jstor.org/stable/resrep08715>
- Blanchard, C. M. (2015, September 8). Saudi Arabia: Background and U.S. Relations (United States) [Report]. UNT Digital Library; Library of Congress. Congressional Research Service. <https://digital.library.unt.edu/ark:/67531/metadc770507/>
- Rich, B. & Moore-Gilbert, K. (2019). From Defense to Offense: Realist Shifts in Saudi Foreign Policy. *Middle East Policy*, 26(3), 62–76. <https://doi.org/10.1111/mepo.12438>
- داوند، محمد، اسلامی، جمشیدی. (۲۰۲۰). پردازش الگوی امنیت راهبردی در تحلیل تهدیدات عربستان سعودی علیه جمهوری اسلامی ایران. *سیاست جهانی* ۸(۴)، ۲۶–۲۲۱.
- بابایی، محمد، رستمی، بنفشه، جمهور. (۲۰۲۰). تحول روابط قطر و عربستان بر اساس الگوهای دوستی/دشمنی در زیرمحیط امنیتی خلیج فارس. *مطالعات سیاسی جهان اسلام* ۸(۴)، ۷۳–۱۰۰.
- جمشیدی، صدیق، میر ابراهیم، بسطامی، محمود. (۲۰۲۱). استراتژی دو قدرت بزرگ منطقه‌ای جمهوری اسلامی و عربستان سعودی در حوزه سیاست‌گذاری خارجی و تروریسم در منطقه تحت نفوذ خود. *فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی* ۱۰(۱)، ۷۷–۱۰۱.
- Cordesman, A. (2009). Saudi Arabia: National Security in a Troubled Region. Retrieved from <http://publisher.abc-clio.com/A2227E>
- Cordesman, A. H. Markusen, M. & Jones, E. P. (2016). SAUDI ARABIA. In *Stability and Instability in the Gulf Region in 2016: A Strategic Net Assessment* (pp. 217–251). Center for Strategic and International Studies (CSIS). <http://www.jstor.org/stable/resrep23340.11>
- CONGE, P. & OKRUHLIK, G. (2009). The Power of Narrative: Saudi Arabia, the United States and the Search for Security. *British Journal of Middle Eastern Studies*, 36(3), 359–374. <http://www.jstor.org/stable/40593280>

رویکرد، اولویت‌ها و سیاست امنیتی افغانستان در دوره طالبان

نویسندگان

فاطمه پرستش و یاسمن شیخان

چکیده

امنیت ملی که از مهم‌ترین دغدغه‌های هر کشور محسوب می‌شود که دارای وضعیت چندجانبه بوده و همین امر تحقق آن را پیچیده می‌کند. بی‌شک در دنیای امروز برای آگاهی از تحولات اخیر افغانستان نیاز به شناخت دقیق‌تر گروه طالبان داریم. طالبان در معنای جمع طلاب بوده که در سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۴ در میدان جنگ‌های افغانستان و توسط دانشجویان مذهبی که در مدارس پاکستانی تحصیل می‌کردند و در جنگ شوروی و افغانستان نیز حضور داشتند که به رهبری ملامحمد عمر شکل گرفت. بعد از به دست‌گیری قدرت توسط طالبان در افغانستان، این کشور با موج جدیدی از ناامنی‌ها مواجه شده است. خشونت‌ها بیشتر شده و گروه‌های افراطی بار دیگر در این کشور احیا شدند. حال باین‌وجود این پژوهش به دنبال پاسخ به سوال، امنیت از نگاه طالبان چیست؟ و چه مولفه‌هایی بر امنیت افغانستان تاثیر دارند؟ روش گردآوری داده‌ها اسنادی و تحلیل

است. ما در این پژوهش درصدد بررسی نگاه طالبان به مولفه‌های امنیت و تعریف آن در افغانستان هستیم. **واژگان کلیدی:** افغانستان، طالبان، امنیت، ناامنی، قدرت

مقدمه

امنیت یکی از مسائلی بشمار می‌آید که دولت به‌خاطر آن به وجود آمده است. به این معنا که ضرورت اساسی ایجاد و تاسیس دولت، استقرار و حفظ امنیت اجتماع بوده است. افغانستان در تاریخ خود هم حکومت‌های پادشاهی، حکومت کمونیستی، طالبان بنیادگرا و جمهوری اسلامی را تجربه کرده است. اگرچه دولت مجاهدین به ریاست جمهوری ربانی هیچ‌گاه کاملاً در افغانستان از بین نرفت؛ اما در اواخر سال ۱۹۹۶، طالبان حکومت اصلی قسمت اعظم افغانستان را در دست داشت. طالبان کنترل پایتخت را به دست گرفته، دولت قبلی را مجبور به گریز کرده و حاکم بلامنازع دو سوم سرزمین افغانستان شدند. باین‌حال، از همان آغاز شکل‌گیری طالبان،

به‌طور کلی امروزه افغانستان در دریای ناآرامی از تنش‌ها، تعارضات و حملات تروریستی گرفتار آمده، به‌گونه‌ای که گزارش سازمان ملل درباره وضعیت افغانستان حاکی از آن است که وخامت اوضاع امنیتی این کشور افزایش یافته است. وضعیت اسفبار امنیتی افغانستان هیچ‌گاه یک دوره درخشان را با امنیتی ثابت تجربه نکرده و این کشور همواره در یک ناامنی نسبی به سر برده است.

ما در این پژوهش به دنبال بررسی نگاه طالبان به امنیت افغانستان و تعاریف آن‌ها از امنیت هستیم. سوال اصلی این پژوهش، امنیت از نگاه طالبان چیست؟ و چه مولفه‌هایی بر امنیت افغانستان تاثیر دارند؟ و برای گردآوری داده‌ها از روش اسنادی و تحلیلی استفاده کرده‌ایم.

(۱_۱) «تعریف امنیت ملی در افغانستان»

در پیچیدگی مفهوم امنیت ملی تردیدی وجود ندارد، به‌رغم یکسانی تمامی مفاهیم انسانی به دلیل خاستگاه کیفی‌اش در ناآشکاری، مفهوم امنیت ملی از آنجاکه واقعیتهای چندبعدی است از ابهام بیشتری برخوردار است. تامین امنیت ملی از مسئولیت‌های بنیادی یک دولت در یک کشور است.

در چند دهه اخیر، امنیت مهم‌ترین مطالبه مردم افغانستان بوده و حتی حکومت سخت‌گیرانه طالبان، به دلیل آنکه گونه‌ای از امنیت نسبی در مناطق زیر سلطه خود فراهم آورده بودند، از این چشم‌انداز اقبالی نسبی داشتند. یکی از مهم‌ترین علت‌های این

مقاومت علیه آن شروع شد. برای طالبان لازم بود که مخالفت‌ها را با ارباب و خشونت مهار کند. در زمان حکومت طالبان، کشور افغانستان از حکومت سرزمینی به یک پله پایین‌تر سقوط کرد و به‌صورت قومی تقسیم و اداره می‌شد. رژیم طالبان توانست در مدت کوتاهی به‌طور قاطع بر مردم افغانستان حاکم شود، آن‌ها به‌سرعت به اجرای تفسیری که از قوانین اسلام و شریعت داشتند پرداختند.

خروج ناگهانی ایالات‌متحده از افغانستان همراه با متحدین خود پس از ۲۰ سال که با صدور فرمان ترامپ در فوریه ۲۰۲۱ آغاز شد و در پایان آگوست همان سال خاتمه یافت و از اواخر آگوست که آمریکا رسماً نیروهای نظامی خود را از افغانستان خارج کرد، انتظار نمی‌رفت که طالبان با این سرعت بتواند بر افغانستان مسلط شود؛ بنابراین بیش از آنکه رقبای راهبردی ایالات‌متحده از این واقعه شگفت‌زده شوند، متحدین آمریکا به‌ویژه هم‌پیمانان اروپایی این کشور در ناتو بودند که از این تصمیم زود هنگام بهت‌زده شدند، چرا که سرعت بالای خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان، سقوط دولت شبه‌لیبرال و ترکیبی اشرف غنی و عبدالله در این کشور، فرار غیرمنتظره اشرف غنی و خروج طالبان از غارهایی که دو دهه در آنجا پنهان بودند، هم‌زمان باهم به وقوع پیوست و چنان خلأ قدرتی را به وجود آورد که حتی ارتش سیصد هزار نفری آموزش‌دیده و مجهز به سلاح‌های نسبتاً پیشرفته آمریکایی نتوانستند در مقابل تهاجم طالبان هیچ واکنشی از خود نشان دهد.

به جای وفاداری‌های ملی است. به عبارت دیگر دولت ضعیف در افغانستان محصول موقعیت جغرافیایی داخلی و منطقه کشور است. در آن دسته کشورهای که دولت شکننده و ضعیف حکم فرماست و جامعه آن نیز از موزاییک قومی در رنج است، آن کشور به سوی منازعات مسلحانه قومی پیش می‌رود. (۲) فقدان وفاداری‌های ملی بر تشدید ضعف ساختاری دولت در آن کشور افزوده و ما شاهد «دولت ضعیف - ملت ضعیف» در آن کشور بوده‌ایم. (۳)

ب) طالبان

جریان‌ات سیاسی و نظامی در افغانستان از ابتدای تاریخ جدید این کشور تا به امروز نشان می‌دهد که هیچ حرکت سیاسی و یا نظامی بدون حمایت و پشتیبانی خارجی و دخالت دستان بیرون از کشور، موفقیتی به همراه نداشته یا موقتی بوده است. طالبان نیز از این قاعده مستثنی نیستند و افت‌وخیز توان عملیاتی و نظامی آن هم تابع حمایت خارجی است. حمله نظامی شوروی به افغانستان باهدف تامین امنیت مرزهای جنوبی شوروی، جلوگیری از گسترش و نفوذ انقلاب اسلامی در افغانستان، دستیابی به پایگاه‌هایی برای اعمال قدرت در منطقه خلیج فارس و دریای عمان، جلوگیری از فروپاشی رژیم کابل که طرفدار شوروی بود و مقابله بانفوذ آمریکا در منطقه خلیج فارس و پاکستان صورت گرفت. (۴)

در معرفی بسیار مختصر طالبان باید گفت نسل جدیدی از جنگجویان افغان بودند که در ملکیت

موضوع، فراگیر نبودن امنیت در افغانستان است و حتی در کابل نیز امنیت کامل برقرار نیست. از این‌رو، از آن زمان تلاش‌های بسیاری در جریان بوده تا طالبان و القاعده از صحنه افغانستان به کلی حذف و محو شوند که تاکنون توفیق کاملی حاصل نشده است. (۱)

افغانستان در تاریخ خود هم حکومت‌های پادشاهی، حکومت کمونیستی، طالبان بنیادگرا و جمهوری اسلامی را تجربه کرده است. افغانستان در دوران طالبان دچار وضعیت بغرنج شد و صادرکننده تروریسم در جهان گشت، به طوری که آمریکا در نهایت به این کشور حمله کرد و حکومت طالبان ساقط نمود؛ اما نیروی عظیم آمریکا و ناتو نیز نتوانسته این کشور را آرام کند و از سال ۲۰۰۱ تاکنون کشمکش‌ها در این کشور ادامه دارد. در همین وضعیت طالبان دوباره قوت گرفته‌اند و در عمل بخش‌هایی از کشور را در دست دارند.

(۲_۱) «عوامل داخلی و خارجی تاثیر گذار بر امنیت افغانستان»

(۱_۲) عوامل داخلی تاثیر گذار بر امنیت افغانستان

الف) ضعف دولت - ملت سازی

در تعریف گونه‌شناسی دولت در افغانستان به‌ویژه به لحاظ عوارض جغرافیایی و قومیت‌ها؛ آن را «دولت ضعیف - ملت ضعیف» نام می‌نهند. دولت ضعیف به دلیل فقدان اقتدار مرکزی که مهم‌ترین ضعف ساختار کشور است و ملت ضعیف نیز به دلیل فقدان استحکام ملی و مقدم بودن وفاداری‌های قومی

ج) قوم و مذهب‌گرایی

افغانستان از جمله کشورهای است که قومیت‌ها و نژادهای مختلفی را در درون خود جای داده و زیستگاه حدود ده قوم عمده با شاخه و زیرشاخه‌های فراوان است. در یک جمع‌بندی کلی در موضوع قومیت و مذهب و ساختار سیاسی و اجتماعی افغانستان می‌توان گفت که بافت پیچیده قومی و قبیله‌ای، همواره یکی از عوامل ایجاد تنش، آشوب و بحران در افغانستان بوده است. (۳)

(۲_۲) عوامل خارجی تأثیرگذار بر امنیت افغانستان

پاکستان

پاکستان از زمان آغاز انقلاب‌های داخلی علیه نیروهای اشغالگر شوروی و دولت دست‌نشانده کرم‌لین در کابل و چه‌بسا پیش‌تر از آن همواره به‌عنوان مسیری برای تزریق پول‌ها، امکانات، تسلیحات و حتی نیروی انسانی کمکی خارجی به نیروهای مبارز و شورشی و تروریستی در داخل افغانستان، عمل کرده است. این روند به‌ویژه با ظهور طالبان، پررنگ‌تر شد و پس از زوال رژیم طالبان نیز به همان شدت پیشین، ادامه پیدا کرد.

عربستان سعودی

دخالت عربستان سعودی در افغانستان هرچند غیرمستقیم و بیشتر در قالب کمک‌های مالی به آن بخش از مجاهدانی بوده است که به سیاست‌ها و

خانه‌ها و مدارس (دینی) آوارگان در پاکستان تعلیم دیدند و در نهایت پرورش و ظهور یافتند. جنبش طالبان که بی‌وقفه در سراسر استان‌های جنوبی گسترش یافته بود، داوطلبان بسیاری گردآوری کرد و توانستند بر بیش از ۹۰ درصد خاک افغانستان تسلط یابند که موجب شد پاکستان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی طالبان را به رسمیت بشناسند. (۵) طالبان علاوه‌براین که عملکردشان در داخل در ابعاد مختلف مایه نگرانی بود، در سطح منطقه نیز با اکثر همسایگان خود دچار مشکل بودند که بیشتر جنبه امنیتی داشت.

براین اساس امروزه طالبان به بازیگری تأثیرگذار تبدیل شده که از حمایت بخشی از مردم جنوب افغانستان برخوردار است، به‌طوری‌که نیروهای نظامی انگلیس، آمریکا و ناتو و حتی سازمان ملل، مهم‌ترین راهکار ایجاد صلح در افغانستان را مذاکره با طالبان بیان کرده‌اند. پیشنهاد مذاکره با طالبان یا مشارکت آنان در ساختار قدرت، راهبردی ساختاری است که از سوی دولت افغانستان دنبال می‌شود.

به‌طور کلی زمینه‌ها و قدرت‌یابی طالبان را می‌توان در بسترهای مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی فرهنگی لحاظ کرد. این موارد شامل: (۶)

کندی روند پروژه دولت ملت‌سازی

- فساد اداری
- اقتصاد ضعیف
- وحدت در طالبان
- خطا در سیاست‌های آمریکا

کمک آمریکا به مجاهدین در حد ضربه زدن به شوروی بود، نه در حد تقویت مطلوب گروه‌های مجاهدین، به همین جهت از زمانی که خطر شوروی در افغانستان و منطقه از بین رفت، آمریکا حمایت خود را از احزاب و گروه‌های مجاهدین قطع کرد. (۴)

(۱_۲) وضعیت امنیتی افغانستان در طالبان دوم

سطح مطالعات امنیتی افغانستان به دو دسته قدیمی و جدید تقسیم‌بندی می‌شود. مطالعات امنیتی قدیمی‌تر، به دولت‌ها اهمیت می‌دهند و این در حالی است که مطالعات جدیدتر، به اهمیت فرد، اجتماع و سطح بین‌المللی نیز پی برده‌اند. همچنین در رویکردهای کلاسیک، امنیت صرفاً به بعد نظامی و مادی محدود می‌شد اما در مطالعات جدیدتر، ابعاد ارزشی، غذایی، اقتصادی، انرژی و فرهنگی نیز در کنار عوامل مذکور، پراهمیت شده‌اند.

علاوه بر مواردی که پیش‌تر اشاره شد، شاید بتوان مهم‌ترین تفاوت مطالعات امنیتی کلاسیک و جدید را از حیث تقارن امنیت دانست. فاکتورهای امنیت متقارن که مربوط به مطالعات امنیتی کلاسیک هستند، بر نظامی‌گری، قابل مشاهده بودن، دولت محوری و مادی بودن امنیت تاکید می‌کنند و از طرف دیگر، امنیت نامتقارن بر ابعاد ارزشی، غیرقابل مشاهده بودن، غیرمادی بودن و اجتماعی بودن امنیت تاکید می‌کنند.

ملاک تقسیم‌بندی مورد استفاده این نگارش نیز در بحث بررسی وضعیت امنیتی افغانستان در دوران

ایدئولوژی حاکم بر این کشور گرایش داشتند؛ اما واقعیت آن است که عربستان سعودی دلایل خاص خود را برای حضور موثر در افغانستان دارد. (۷)

مهم‌ترین این دلایل عبارت‌اند از:

۱. ترویج وهابیت در افغانستان و از این طریق، صدور آن به آسیای مرکزی.
۲. رقابت ایدئولوژیک با انقلاب اسلامی ایران.

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران یکی از بازیگران مهم و تاثیرگذار در تحولات افغانستان است. علت آن است که امنیت ملی ایران به‌ویژه در شرق کشور، با امنیت و ثبات افغانستان دارای پیوندهای انکارناپذیر است. از این رو ایران تنها یک کشور اسلامی به سرنوشت افغانستان علاقه‌مند نیست، بلکه ملاحظات امنیتی این علاقه‌مندی را با توجیه ملی و دستیابی منافع خاص روبه‌رو می‌سازد. (۳)

آمریکا

نگاه از دور به تحولات افغانستان در زمان اشغال توسط اتحاد جماهیر شوروی موجب شد آمریکائیان به تدریج به اهمیت افغانستان پی ببرند. (۵)

آنچه درباره سیاست آمریکا در افغانستان در دوران اشغال می‌توان ابراز داشت، این است که آمریکا از تجاوز شوروی به‌عنوان خطر توسعه کمونیسم بهره‌برداری کرد و برای ضربه زدن به شوروی به حمایت نسبی از مجاهدین برخاست. میزان حمایت و

طالبان دوم نیز همین امنیت متقارن و نامتقارن است. برخی معتقد هستند که طالبان دوم، ممکن است از حیث هویتی تغییری اساسی نکرده باشد اما برای کاهش مخالفت‌های سیاسی در سطح بین‌المللی و برای تصاحب قدرت سیاسی، نیاز دارد تا چهره داخلی و بین‌المللی خود را به‌صورت موقت ترمیم کند و به همین علت است که به اصلاحات ظاهری تن می‌دهد تا به اهداف خود برسد. (۸) شاید بتوان هیلاری کلینتون را از بزرگ‌ترین طرفداران این دیدگاه دانست.

هیلاری کلینتون در مجمع جایزه صلح نوبل، به این سوال مهم پرداخت که غرب چگونه باید با طالبان تعامل داشته باشد، چنین پاسخ داد: «نمایندگان طالبان در مذاکرات صلح دوحه گفته بودند نگاه متفاوتی به آموزش دختران دارند اما مدتی از روی کار آمدن آن‌ها نگذشت که زیر هر قولی که داده بودند زدند.» (۹) اما سخنرانی‌ها و تعدد نظرات از سوی افراد مختلف، برای بررسی وضعیت امنیت افغانستان کافی نیست و برای تفهیم بهتر، لازم است تا از تقسیم‌بندی امنیت به متقارن و نامتقارن بهره ببریم:

● امنیت متقارن: در بحث امنیت متقارن، مهم‌ترین عامل امنیت نظامی و مادی است. امنیت نظامی را معمولاً به فقدان جنگ داخلی یا خارجی تعبیر می‌کنند و از این حیث، می‌توان گفت که بعد از تثبیت طالبان تا به امروز، تهدید نظامی مشخصی در افغانستان وجود نداشته است و بیش‌تر حملات گروه‌های تروریستی پررنگ بوده‌اند که در بحث

امنیت نامتقارن تقسیم‌بندی می‌شوند.

● امنیت نامتقارن: به نظر می‌رسد عوامل موثر بر امنیت افغانستان، بیش‌تر از جنس امنیت نامتقارن، باشد. یکی از مهم‌ترین ابعاد امنیت نامتقارن، امنیت اجتماعی است. ابعاد امنیت اجتماعی در افغانستان بسیار مورد تهدید واقع شده‌اند؛ به‌عنوان مثال افزایش افراد آواره در افغانستان پس از روی کار آمدن طالبان که به گزارش سازمان ملل، اکثریت این افراد از زنان هستند. (۱۰)

خوب است در اینجا به تجهیزات و تشکیلات نظامی افغانستان نیز بپردازیم. به گزارش Global Fire Power، در سال ۲۰۲۲، قدرت نظامی افغانستان در بین ۱۴۲ کشوری که قدرت نظامی آن‌ها سنجیده شده است، رتبه ۱۱۸ را کسب کرد. (۱۱) اما این در حالی است که به گزارش معاونت استراتژی و پالیسی وزارت دفاع ملی این کشور در سال ۲۰۲۰، افغانستان سالی پر دستاورد در حیطه نظامی داشته است و طی همین سال، چهار فروند هواپیمای مدل A29 و چهار فروند بالگرد مدل UH60 در اختیار قوای هوایی این کشور قرار گرفته‌اند؛ اما بعد از روی کار آمدن دوباره طالبان، اطلاعات کاملی از این تجهیزات در دست نیست. (۱۱)

مثالی دیگر نیز در حوزه امنیت اجتماعی و به‌طور خاص بحث حقوق زنان وجود دارد و آن‌هم جشن فارغ‌التحصیلی دانشجویان دانشگاه کابل است که محفلی مختص به دانشجویان پسر بود و هیچ دختری نه از فارغ‌التحصیلان و نه از بستگان دانش‌آموختگان، در آن جشن حضور نداشتند. (۱۳) این واقعه را

تاجیکستان و ایران، چهار کشوری هستند که حدود هفتادوپنج درصد برق مورد نیاز افغانستان را تامین می‌کنند؛ اما باین‌حال، کابل و بسیاری از ولایت‌های این کشور در فصل گرما و سرما، با کمبود برق مواجه هستند و این تا حدی است که شهر کابل در یک شبانه‌روز، فقط هفت ساعت برق دارد. (۱۷)

افغانستان بزرگ‌ترین تولید کننده تریاک در جهان و منبع اصلی تامین هروئین در اروپا و آسیا است. در بحث مواد مخدر به‌عنوان یکی دیگر از ابعاد امنیت نامتقارن، می‌توانیم به دو مسئله مهم اشاره کنیم:

الف) در گزارش هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان اشاره شده است که افغانستان منبع هشتادوپنج درصد تریاک جهان است. (۱۸)

ب) طالبان و کارزار ممنوعیت کشت خشخاش در وضعیتی است که اقتصاد این کشور در پی ممنوعیت کشت خشخاش، آسیب‌پذیر شده و افرادی که در این عرصه شاغل بوده‌اند با مشکلات معیشتی مواجه شده‌اند.

از دیگر ابعاد امنیت نامتقارن، وجود تروریسم در یک کشور است. در دوران طالبان دوم، چند حمله تروریستی حائز اهمیت در افغانستان رخ داد که مسئولیت برخی از آن‌ها را داعش بر عهده گرفت. به‌عنوان مثال می‌توانیم به درگیری طالبان و داعش در منطقه شیعه‌نشین کارته سخی، انفجار مسجد صدیقیه، انفجار منطقه پل سوخته در غرب کابل، انفجار در منطقه دشت برچی و انفجار در مدرسه دینی در منطقه شش درک اشاره کرد. (۱۹)

می‌توانیم نوعی به حاشیه رفتن حقوق و جایگاه زنان در دوران طالبان دوم به حساب آوریم. در این جشن هیچ برنامه تفریحی اجرا نشد و هیچ ساز و موسیقی وجود نداشت. این در حالی است که طالبان در پی اقدامی دیگر، موسیقی را ممنوع اعلام کرد و شورای جهانی موسیقی، در واکنش به این عمل طالبان، آن را یک نسل‌کشی در فرهنگ و موسیقی دانست و آن را به شدت محکوم کرد و نگرانی جدی خود را در پی بسته شدن موسسات آموزش موسیقی مثل موسسه ملی موسیقی افغانستان و گزارش‌ها مربوط به رفتار با نوازندگان به‌عنوان جنایتکار، اعلام کرده است. (۱۴)

در بحث امنیت زیست محیطی که از دیگر ابعاد امنیت نامتقارن است، طالبان مجوز و امتیاز شکار پرندگان افغانستان به گردشگران خارجی را اعطا کرد. وزارت اطلاعات و فرهنگ طالبان اطلاع دادند که این مجوز دارای شروطی برای توریست‌ها است که اگر آن‌ها از محدوده قوانین مجاز خارج شوند، شکار پرندگان غیرقانونی خواهد بود. (۱۵)

یکی دیگر از ابعاد امنیت نامتقارن، بحث امنیت غذایی است. هم‌زمان با تشدید بحران بشری در افغانستان، سازمان ملل متحد از وضعیت ناگوار اقتصادی زنان و دختران در این کشور ابراز نگرانی کرده است و اضافه کرد که در حال حاضر، دست‌کم شش میلیون نفر در افغانستان در آستانه قحطی هستند. (۱۶)

در بحث امنیت انرژی، نکته حائز اهمیت آن است که افغانستان با داشتن منابع سرشار تولید انرژی، بر برق وارداتی متکی است و ازبکستان، ترکمنستان،

(۲_۲) رویکرد طالبان به امنیت

با توجه به وضعیت امنیتی افغانستان در زمان طالبان دوم، می‌توان به این نتیجه رسید که رویکرد طالبان نسبت به امنیت در این کشور، به دسته امنیت متقارن محدود می‌شود. طالبان در حوزه فردی امنیت، موفق عمل نکرده است و ممنوعیت موسیقی در این کشور، حاکی از آن است که این حکومت برای زندگی شخصی افراد نیز تصمیم‌گیری می‌کند.

در حوزه اجتماعی، با توجه به سیاست‌گذاری‌ها در عرصه حقوق و جایگاه زنان در جامعه افغانستان، می‌توان به این نتیجه رسید که امنیت اجتماعی نیز مورد توجه این حکومت نیست و صرفاً برای نیل به اهداف، موقتاً خود را پایبند به صلح دوحه نشان داده است. به نظر می‌رسد تنها بعدی از امنیت که برای طالبان اهمیت دارد، بعد دولتی است. در دیدگاه این نگارش، بعد بین‌المللی هم دچار نوسانات بوده است. برای تفهیم بهتر جایگاه امنیت در سطح بین‌المللی در نگاه طالبان، می‌توانیم دو مثال را با یکدیگر مقایسه کنیم:

الف) ممنوعیت کشت خشخاش که به علت فشارهای خارجی تصویب شد.

ب) حقوق زنان که با وجود فشارهای بین‌المللی، طالبان را از تصمیم خود منصرف نکرد.

با مقایسه این دو مثال متوجه می‌شویم که در بعد بین‌المللی، طالبان سلیقه‌ای و یا به عبارت بهتر، گزینشی عمل می‌کند.

گزینشی عمل کردن طالبان در حوزه امنیت در کنار

کم‌رنگ بودن سایر ابعاد امنیت، ما را به این نتیجه می‌رساند که پررنگ‌ترین بعد امنیت از منظر طالبان، امنیت دولتی است. امنیت دولتی یا امنیت سیاسی، به بحث حاکمیت یا بقای حکومت‌ها مربوط است و این نشان دهنده محوریت داشتن دولت در مباحث امنیتی کشور افغانستان است. همین امنیت در سطح دولتی و اهمیت آن، ما را به این نتیجه می‌رساند که امنیت در دیدگاه طالبان، به معنای هابزی آن تعبیر می‌شود. ترجیح سیاسی و نظامی طالبان در ابعاد امنیتی و اولویت امنیت متقارن این حکومت نسبت به امنیت نامتقارن، ظرفیت مراقبت‌های بهداشتی و خطر بحران انسانی ناشی از کرونا در این کشور را افزایش می‌دهد و همین امر باعث شده است تا افغانستان به حمایت‌های بین‌المللی در وسعت بالایی برای کنترل کووید ۱۹ نیازمند باشد. (۲۰)

(۱_۳) بررسی عملکرد امنیتی طالبان در افغانستان

پیروزی طالبان تا حدودی آرامش ناآشنا را برای افغانستان به ارمغان آورد، زیرا در اواخر سال ۲۰۲۱ کشتار در اکثریت قریب به اتفاق خاک افغانستان کاهش یافت؛ اما همه این‌ها خوب نیست. طالبان در حال مبارزه با دو شورش هستند، یکی به رهبری شاخه محلی (NRF) دولت اسلامی و دومی شامل جبهه مقاومت ملی. (۲۱)

افغانستان تحت حاکمیت طالبان، کشور را به‌طور قابل توجهی صلح‌آمیزتر از یک سال پیش نشان می‌دهد، اما با خشونت‌های ناشی از عدم مدیریت

مورد امنیت توسط روایت‌های کاملاً متضاد هدایت می‌شود. طالبان اغلب حملات به گروه‌های مخالف مسلح را به‌عنوان اقدامات قانونمند علیه جنایتکاران و آدم‌ربایان توصیف می‌کنند.

تاکنون هیچ‌یک از این دو شورش، طالبان را تهدید جدی نمی‌کنند. این کشور شاهد کاهش شدید خشونت بوده است و ناامنی در شرق و شمال متمرکز شده است، برخلاف دهه‌های گذشته که تقریباً کل کشور منطقه جنگی بود. هنگامی که درگیری آغاز می‌شود، اغلب نه توسط شورشیان، بلکه توسط خود طالبان آغاز می‌شود، زیرا مقامات جدید اقدامات تهاجمی را برای تحکیم قدرت با نیروی مسلح انجام می‌دهند. برخی از این زدوخوردها زمانی رخ می‌دهد که طالبان پست‌های بازرسی غیرمجاز را حذف کرده و کنترل منابع طبیعی را به دست گرفته است. درگیری‌های دیگر شامل گروه‌های مخالف، جنایتکاران و عناصر طالب مرتد می‌شود.

مخالفان مسلح طالبان

دو روند متفاوت بر چشم‌انداز امنیتی حاکم است. از یک‌سو، طالبان از گسترش داعش جلوگیری کرده است، درحالی‌که از سوی دیگر، آن‌ها در حال مبارزه برای سرکوب شورش فزاینده شمال هستند. در ارتباط با این روند در خارج، گروه‌های دیگری که با دولت قبلی مرتبط هستند، نیز برای مبارزه با طالبان ظاهر شده‌اند، هرچند که کوچک‌تر از گروه‌های شمال باقی مانده‌اند. (۲۴)

موثر، ناامنی بیشتری را تهدید می‌کند. یکی از ویژگی‌های کلیدی چشم‌انداز جدید تغییر وضعیت نیروهای طالبان است که به‌وضوح در بیشتر نقاط کشور آرام شده است. (۲۲)

هنگامی که مشکلات امنیتی ظاهر می‌شود، اولین واکنش‌های طالبان در برخی موارد آن‌ها را بدتر کرده است. آن‌ها تمایل به انکار وجود مسائل عمده دارند، از جمله با طرح ادعاهای پوچ مبنی بر عدم حضور القاعده در کشور. طالبان انکارهای مشابهی را درباره مقیاس شورش‌های محلی صادر می‌کنند، احتمالاً برای خنثی کردن تلاش‌های تبلیغاتی و استخدام مخالفان خود، درعین حال مخالفان را با تاکتیک‌های سنگین سرکوب می‌کنند. این‌ها شامل بازداشت خودسرانه، شکنجه، قتل‌های غیرقانونی، مجازات دسته‌جمعی و ظاهرسازی است که به‌موجب آن نیروهای امنیتی طالبان اعضای گروه‌های قومی، قبیله‌ای و مذهبی را هدف قرار می‌دهند که آن‌ها مشکوک به حمایت از شورشیان یا پرورش احساسات ضد طالبان هستند.

طالبان با متقاعدشدن به اینکه گروه‌های مسلح، قدرت‌های منطقه‌ای و کشورهای غربی در حال تضعیف آن‌ها هستند، با تمرکز منحصر به فرد بر روی تحکیم کنترل، پیش رفته است. دستیابی به تصویری دقیق از محیط امنیتی در افغانستان همیشه دشوار بوده و پس از تسلط طالبان این امر دشوارتر شده است. (۲۳) چشم‌انداز اطلاعات حتی بیشتر از میدان جنگ مورد بحث است، زیرا گفتمان عمومی در

جبهه مقاومت ملی

بسیاری معتقد هستند پس از روی کار آمدن طالبان دوم، اوضاع به زمان طالبان اول باز خواهد گشت، اما از طرفی دیگر بسیاری از تحلیلگران این حوزه، معتقد بودند که طالبان صرفاً برای قدرت‌گیری و تثبیت پایه‌های حکومت خویش، بعضی از موارد را در کشور ظاهراً تغییر داده است و پس از نیل به هدف به مواضع پیشین خود باز خواهد گشت.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی طالبان دوم، امنیت و چگونگی تعریف آن در دیدگاه طالبان است. در بحث امنیت، ما سطوح مختلفی از امنیت متقارن و نامتقارن داریم که به نظر می‌رسد طالبان در حوزه امنیت نامتقارن، موفقیت قابل توجهی به دست نیاورده است و برعکس روی امنیت متقارن تمرکز کرده است. دولت‌محوری و اهمیت امنیت سیاسی به معنای ثبات و بقای حکومت که از آن به امنیت متقارن یاد می‌شود، این گزاره را به ما ثابت می‌کند که طالبان در سطوح زیست‌محیطی، اجتماعی، فردی، قاچاق مواد مخدر و سطح بین‌المللی به‌عنوان زیرمجموعه‌های امنیت نامتقارن، موفق نبوده است. همچنین نگارش این ادعا را تایید می‌کند که می‌توان این نوع تعریف امنیت از سوی طالبان را نوعی نگاه هابزی به امنیت دانست که حتی در کنترل کرونا به‌عنوان تهدیدی نامتقارن، تاثیر داشته است.

منابع

۱. حمیدی، محمد محسن (فروردین ۱۳۸۳) کارزار طالبان، القاعده و انتخاب ریاست جمهوری افغانستان، گزیده

گروه‌های مسلح IS-KP که عمدتاً از افراد وابسته به جمهوری قبلی تشکیل شده‌اند، در اوایل سال ۲۰۲۲ به‌عنوان فعال‌ترین اپوزیسیون طالبان پیشی گرفتند. این گروه‌ها شامل بسیاری از همان چهره‌هایی بودند که در دهه ۱۹۹۰ با طالبان جنگیده بودند: سلطنت‌طلبان سابق، اعضای سابق، طرفدار رژیم کمونیستی و مجاهدین مختلف. اکثر این گروه‌ها تا مداخله بین‌المللی در سال ۲۰۰۱ در سمت بازنده درگیری خود با طالبان قرار داشتند. در صفوف آن‌ها اکنون نسل جوانی وجود دارد که خود را در مخالفت با شورش طالبان در دو دهه گذشته تعریف می‌کردند. (۲۵)

(۲-۳) امنیت سازی یا امنیت زدایی

پس می‌توان نتیجه گرفت با توجه به تهدیدات و حملات داخلی و خارجی در افغانستان، طالبان بیشتر توجه خود را معطوف به مستقر نگه داشتن دولت نوپای خود کرده، شاید در ظاهر به سطوحی از امنیت سازی رسیده باشد، اما در سطح کلان‌تر (منطقه‌ای و بین‌المللی) امنیت زدایی کرده است.

نتیجه‌گیری

روی کار آمدن مجدد طالبان در افغانستان موجب تحولات بسیاری در این کشور شد. این حکومت زمینه‌های متفاوتی از جمله سیاست، اقتصاد، فرهنگ، امنیت و... را در کشور افغانستان تحت تاثیر قرار داد.



۱۲. معاونت استراتژی و پالیسی وزارت دفاع ملی افغانستان، گزارش دستاوردها و فعالیت‌های عمده سال مالی ۱۳۹۹ وزارت دفاع ملی.
<https://af.shafaqna.com/FA/546078>
۱۳. خبرگزاری شفقنا، جشن فراغت دانش‌آموختگان دانشگاه کابل بدون حضور دختران، تاریخ رجوع: ۱۴۰۱،۰۹،۲۳
<https://af.shafaqna.com/FA/546140>
۱۴. خبرگزاری شفقنا، طالبان و نسل‌کشی موسیقی در افغانستان، تاریخ رجوع: ۱۴۰۱،۰۹،۲۳
<https://af.shafaqna.com/FA/546156>
۱۵. خبرگزاری شفقنا، طالبان خبر اعطای مجوز شکار پرندگان افغانستان به گردشگران خارجی را تایید کرد، تاریخ رجوع: ۱۴۰۱،۰۹،۲۳
<https://af.shafaqna.com/FA/546173>
۱۶. خبرگزاری شفقنا، سازمان ملل: شش میلیون نفر در افغانستان در آستانه قحطی است، تاریخ رجوع: ۱۴۰۱،۰۹،۲۳
<https://af.shafaqna.com/FA/546089>
۱۷. خبرگزاری شفقنا، کابل شهری که در یک شبانه‌روز فقط هفت ساعت برق دارد، تاریخ رجوع: ۱۴۰۱،۰۹،۲۳
<https://af.shafaqna.com/FA/546045>
۱۸. خبرگزاری شفقنا، نمایندگی سازمان ملل: افغانستان منبع ۸۵ درصد تریاک جهان است، تاریخ رجوع: ۱۴۰۱،۰۹،۲۳
<https://af.shafaqna.com/FA/545244>
۱۹. خبرگزاری شفقنا، طالبان و امنیت: نگاهی به وضعیت امنیتی افغانستان د ریک ماه اخیر، تاریخ رجوع: ۱۴۰۱،۰۹،۲۳
<https://fa.shafaqna.com/news/1431073/%D8%B7%D8%A7%D9%84%D8%A8%D8%A7%D9%86-%D9%88-%D8%A7%D9%85%D9>
- تحولات جهان، شماره ۲۳ صص ۱۲۸.
۲. هادیان، حمید (۱۳۸۸) ضعف ساختاری دولت ملت ساری افغانستان، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۱ مرکز تحقیقات استراتژیک، صص ۱۴۵.
۳. جلالی، رضا (۱۳۸۹) چالش‌های فراروی ناتو در برقراری امنیت در افغانستان، دانشنامه علوم سیاسی، شماره ۷۸، صص ۴۱.
۴. محمدی نسب، شیرین (۱۳۸۸) نقش بازیگران خارجی در پیدایش طالبان قربانیان جنگ سرد، همشهری دیپلماتیک، شماره ۳۴، صص ۲۰.
۵. تمنا، فرامرز (۱۳۸۷) سیاست خارجی آمریکا در افغانستان، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، تهران، صص ۶۱-۶۲.
۶. حسین خانی، الهام (۱۳۹۰) امنیت افغانستان و مسئله قدرت‌یابی دوباره طالبان، علمی پژوهشی، شماره ۱۶، صص ۲۵۰-۲۶۰.
۷. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۴) کتاب امنیت بین‌الملل ۳، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، چاپ نخست تهران.
۸. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بحران افغانستان در پرتو بازگشت طالبان، تاریخ انتشار: ۱۴۰۰،۰۴،۰۸.
۹. خبرگزاری ایسنا، «هیلاری کلینتون: طالبان زیر قول شان زدند»، تاریخ رجوع: ۱۴۰۱،۰۹،۲۳.
۱۰. خبرگزاری شفقنا، اکثریت آوارگان در افغانستان را زنان تشکیل می‌دهند، تاریخ رجوع: ۱۴۰۱،۰۹،۲۳.
11. Global Fire Power, date visited: 14.12.22.
https://www.globalfirepower.com/country-military-strengthdetail.php?country_id=afghanistan

% 8 6 % D B % 8 C % D 8 % A A % D 8 % 9 B -
%D9%86%DA%AF%D8%A7%D9%87%D-
B % 8 C - % D 8 % A 8 % D 9 % 8 7 -
% D 9 % 8 8 % D 8 % B 6 % D 8 % B 9 % D -
B%8C%D8%AA-%D8%A7%D9%85%D9%86%D-
B % 8 C % D 8 % A A % D B % 8 C - % D 8 % A 7 /
20. COVID-19 and multiple crises in Afghanistan:

and urgent battle, Yasir Essar, Mohammad, date
visited: 14.12.22.

[https://conflictandhealth.biomedcentral.com/arti-
cles/10.1186/s13031-021-00406-0#Sec2](https://conflictandhealth.biomedcentral.com/articles/10.1186/s13031-021-00406-0#Sec2)

۲۱. گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد_وضعیت در افغانستان و
پیامدهای آن برای صلح و امنیت بین‌المللی.

۲۲. مطالعات راهبردی شرق_چالش‌های امنیتی افغانستان در
زمان طالبان.

۲۳. امیره جادون، عبدالسید و اندرو ماینز، تهدید دولت اسلامی
در طالبان افغانستان: ردیابی تجدید حیات دولت اسلامی
خراسان

۲۴. مصاحبه‌های گروه بحران، مقامات طالبان، آوریل ۲۰۲۲;
کارشناسان افغان، می ۲۰۲۲.

۲۵. همان ۲۴.

رویکرد، اولویت‌ها و سیاست‌های امنیتی کشور ترکیه

نویسندگان

محمد میرزایی، علی حصارکی و پروین صحبتی

چکیده

امنیت در دنیای کنونی، ارتباط تنگاتنگی با قدرت و حکومت پیدا کرده است. امروزه کشورها در راستای تامین امنیت خود، با تهدیدهای متعددی مواجه هستند. ترکیه به‌عنوان کشوری بین‌قاره‌ای و با وجود نزدیکی به مناطق بحران، نه تنها از این قاعده مستثنی نیست، بلکه به‌طور ویژه‌ای با این مسئله روبه‌رو است. پژوهش پیش‌رو، در پی پاسخ به این پرسش است که اولاً، تهدیدات پیش روی ترکیه دارای چه ابعادی است؟ و پاسخ این کشور به این تهدیدات در پنج سال اخیر، به چه صورت بوده؟ و در تشریح جوانب مختلف این مسئله، در ابتدا ماهیت تهدیدهای موجود بر علیه ترکیه مورد بررسی قرار گرفته و با در نظر داشتن رویکرد امنیتی این کشور، این موضوع در ابعاد گوناگون به روش توصیفی و با ارجاع به منابع کتابخانه‌ای، مورد بررسی قرار می‌گیرد. فرضیه مقاله بر این است که ترکیه، اگرچه با تهدیدهایی در ابعاد

گوناگون مواجه است، اما این تهدیدات را وابسته به یکدیگر می‌داند و با ترکیبی از آموزه‌های رئالیسم و لیبرالیسم، در پی پاسخ به این تهدیدات است. **واژگان کلیدی:** ترکیه، امنیت، رئالیسم، لیبرالیسم، امنیت ملی

طرح مسئله

امنیت در دنیای کنونی، مفهومی است که ارتباط تنگاتنگی با قدرت و حکومت پیدا کرده است، به‌طوری‌که اولین مفهومی که پس از شنیدن امنیت به ذهن متبادر می‌شود. امروزه امنیت ملی در صدر دغدغه‌های حکومت‌ها و گروه‌های مردم قرار گرفته است؛ زیرا تمام ابعاد امنیت، حتی امنیت فردی و اجتماعی، به‌نوعی در گروی تامین امنیت ملی است. در نتیجه، مفهوم امنیت به‌مراتب بیشتر از گذشته با سیاست عجین شده است. مفاهیم موجود در علوم اجتماعی و به‌طور خاص علوم سیاسی، همچون امنیت، مفاهیمی نیستند که بتوان به‌سادگی به تعریف آن‌ها پرداخت؛ اما اگر

ترکیه، علی‌رغم آنکه فرصت‌ها و مزایای متعددی را برای این کشور به ارمغان آورده، همواره حکومت این کشور را با چالش‌های متعدد امنیتی مواجه کرده است. حدود ۱۸ تا ۲۵ درصد از جمعیت ترکیه را اقوام کرد این کشور تشکیل می‌دهند و کردها در بخش‌های وسیعی از شرق ترکیه ساکن هستند. به همین دلیل، حکومت مرکزی پیوسته در حال درگیری با کردها و علی‌الخصوص گروه P.K.K است که این خود یک چالش امنیتی مهم برای ترکیه محسوب می‌شود. همچنین، ترکیه به دلیل آنکه محل اتصال دو قاره آسیا و اروپا است، از ظرفیت‌های متعدد توریستی و ترانزیتی برخوردار است؛ اما همین ظرفیت‌ها، مسئولیت سنگین تامین امنیت برای توریست‌ها و امنیت جاده‌ها برای ترانزیت کالا را بر حکومت ترکیه تحمیل کرده است. این مسئولیت‌ها، در کنار مسائلی همچون معضل مهاجرین غیرقانونی و قاچاق مواد مخدر، بیش‌ازپیش وظیفه امنیتی ترکیه را پررنگ می‌کند.

همچنین، از لحاظ منطقه‌ای نیز بحران‌هایی که در اطراف ترکیه اتفاق می‌افتند، امنیت این کشور را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند و حکومت مرکزی را مجبور به مداخله و اتخاذ سیاست‌های امنیتی متعدد می‌کنند. برای مثال، ترکیه در منطقه قفقاز با بحران قره‌باغ، در منطقه بالکان با بحران اوکراین و در منطقه خاورمیانه با بحران سوریه و نبود نظام سیاسی ثابت و قوی در عراق مواجه است و دست‌وپنجه نرم می‌کند.

بخواهیم یک تعریف کلاسیک و کلی را به‌عنوان تعریف مشترک از امنیت بپذیریم، می‌توانیم آن را «آسودگی و دوری از تهدید و خطر» تعریف کنیم. همچنین، اگر براساس مرجع امنیت، به مقوله امنیت بنگریم، می‌توانیم آن را مختص به چهار شاخه امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت دولت (ملی) و امنیت بین‌المللی بدانیم.

همان‌طور که گفته شد، بار اصلی امنیت در حوزه‌های مختلف آن، در جهان امروز بر دوش دولت‌ها است و در مطالعات امنیت، باید سیاست‌ها و راهبردهای دولت‌ها را در مواجهه با چالش‌های امنیتی مورد پژوهش قرار داد. یکی از کشورهای که می‌توان برای آن در امنیت خاورمیانه، قفقاز و شرق اروپا نقشی کلیدی در نظر گرفت، ترکیه است.

جمهوری ترکیه، در همسایگی ایران و در غرب آسیا قرار دارد و پل ارتباطی آسیا و اروپا تلقی می‌شود. این کشور به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص خود، توانایی نقش‌آفرینی در تحولات خاورمیانه، شرق اروپا و قفقاز را دارد و از آنجایی که تنگه‌های مهم داردانل و بسفر در اختیار اوست، مورد توجه کشورهای منطقه در دریای سیاه، مرمره و اژه است. در همین راستا، ترکیه بارها به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای در کنار ایران و عربستان در تحولات خاورمیانه و همچنین قفقاز و حتی شرق اروپا، به‌عنوان یک کنشگر فعال، اعمال نفوذ کرده است. موقعیت جغرافیایی خاص و ظرفیت‌های داخلی

پیامدهای زیاد و مهمی در ابعاد مختلف امنیت ملی ترکیه بر جای گذاشته است. پژوهشگر، در پی فهم تاثیر بحران سوریه بر امنیت ملی ترکیه، در بازه زمانی ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۲ است و فرضیه اصلی آن، این است که بحران سوریه تهدیدات امنیتی و نظامی مهمی علیه ترکیه به وجود آورده، به گونه‌ای که دخالت نظامی مستقیم ترکیه را به همراه داشته است. از یافته‌های اصلی دیگر این پژوهش، ایجاد تنش در روابط ترکیه با کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای است.

مصطفی کیا (۲۰۲۱)، در مقاله‌ای با عنوان مسائل امنیت ملی ترکیه که در milligazete منتشر شده است، در پی یافتن پاسخ این سوال است که مهم‌ترین مسائل امنیتی در ترکیه، چه مسائلی هستند؟ و در ادامه، برای مقابله با تهدیدات، راه‌حل‌هایی ارائه می‌دهد. نویسنده در این پژوهش، ابتدا به مشکلات و تهدیدات خارجی می‌پردازد، از جمله بحران سوریه که برای حل چنین معضلی، حل مشکلات داخلی را توصیه می‌کند؛ زیرا وی معتقد است مشکلات داخلی به کارت‌هایی تبدیل می‌شوند که در دست قدرت‌های جهانی، علیه ترکیه قابل استفاده‌اند. مسئله دیگر تحولات قبرس و شرق مدیترانه است که پژوهشگر بر این باور است تنها راه برون‌رفت ترکیه در مبارزه با این معضل، بازسازی پل ارتباطی با کشورها و ائتلاف‌های منطقه‌ای است. مهاجرت داخلی، تهدید دیگری است که کشاورزی و امنیت مواد غذایی را

به همین دلیل، امنیت و چالش‌های امنیتی ترکیه، نه تنها برای این کشور مهم هستند، بلکه برای دیگر کشورهای منطقه نیز حائز اهمیت بوده و در سیاست‌های داخلی و خارجی آنان، تاثیر می‌گذارد؛ در نتیجه، برای تصمیم‌گیری بهتر ایران در ارتباط با جمهوری ترکیه و همچنین نقش‌آفرینی در خاورمیانه و قفقاز، باید دیدگاه‌ها و چالش‌های امنیتی ترکیه را بازشناخت. پژوهشگران، در این مقاله به دنبال آن هستند که ابتدا به بررسی رویکرد و نگرش ترکیه نسبت به امنیت فردی، اجتماعی و ملی و بین‌المللی پرداخته و سپس تهدیدها و چالش‌های امنیتی ترکیه و به تبع آن، سیاست‌های امنیتی این کشور را مورد ارزیابی قرار دهند.

سابقه پژوهش

ادبیات و سابقه پژوهشی موجود در زمینه سیاست‌های امنیتی ترکیه، گسترده است؛ زیرا در سال‌های اخیر، بر مسئله داعش و جنگ سوریه، بحران اوکراین و سایر تهدیدهای امنیتی این کشور، پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است. در ادامه، صرفاً به بررسی چند نمونه از آن‌ها که ارتباط بیشتری با موضوع پژوهش حاضر دارند، پرداخته خواهد شد.

حسین روزخس (۱۴۰۱)، تاثیر بحران سوریه بر امنیت ملی ترکیه را در مقاله‌ای با همین عنوان، بررسی کرده است و به نقش فعالانه ترکیه، در این بحران پرداخته است؛ زیرا این بحران آثار و

است که امنیت کشورها علاوه بر عناصر نظامی به عناصر اجتماعی، غذایی و... نیز مربوط می‌شود. مقاله‌ای دیگر، توسط زینب باشاران و اوزکارا شاهین (Zeynep başaran, sine özkaraşahin 2021) به نگرش درآمده است که در رابطه با روندهای تسلیحاتی، در مورد استراتژی ضد تروریسم به پژوهش پرداخته‌اند. در این نوشتار، به نحوه مواجهه ترکیه با تهدیدهای تروریستی P.K.K از ۱۹۹۰ اشاره می‌شود و در ادامه، با تحلیل سطح درگیری ۲۰۰۶ حزب‌الله لبنان و نیروهای دفاعی اسرائیل، به این نتیجه می‌رسد که محیط تهدیدی که ترکیه در سوریه با آن روبرو بود؛ دیگر غافلگیر کننده نیست. در پایان نیز توصیه می‌کند که ترکیه، یک تحلیل استراتژیک جامع در مورد این موضوع ایجاد کند تا در آینده با مشکلات مشابهی مواجه نشود.

وزارت خارجه ترکیه، سندی در خصوص ابتکارات امنیتی بین‌المللی ترکیه، در وبسایت خود منتشر کرده است. در ابتدای این سند، به همکاری وزیران دفاع کشورهای جنوب شرق اروپا (SEDM) اشاره می‌شود که ترکیه، در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵، ریاست آن را بر عهده داشت. طبق توافقنامه‌های مزبور، کشورهای عضو در زمینه مبارزه با تروریسم، صنایع دفاعی، امنیت مرزها و بلایای طبیعی با هم همکاری می‌کنند. در ادامه، ابتکارات دیگر ترکیه مثل تشکیل گروه وظیفه همکاری دریایی دریای سیاه، با مشارکت همه کشورهای ساحلی دریای سیاه مطرح می‌شود که هدف از این ابتکار،

تحت تاثیر قرار داده است. در این خصوص، ترکیه باید توزیع جمعیت را در سرتاسر کشور متعادل نگه دارد. یکی دیگر از مشکلات امنیت ملی ترکیه در این مقاله، فرار مغزهاست. در این مسئله، نویسنده می‌گوید باید محیط‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی‌ای که جوانان را به کشور متصل می‌کنند، ایجاد شوند تا فارغ‌التحصیلان برتر دانشگاهی در کشور خود بمانند. پژوهشگر، در نهایت کاهش نرخ جمعیت ترکیه را به‌عنوان یک موضوع امنیت ملی در نظر گرفته است.

انتشارات *optimist* ترکیه (۲۰۲۰)، در کتابی با عنوان رویکرد جامع ترکیه به امنیت، مسئله انرژی را مطرح کرده است؛ زیرا ترکیه در کانون جنگ‌های انرژی قرار دارد که تنش آن در حوزه مدیترانه شرقی در حال افزایش است. کتاب یکی از موضوعات مهم در معماری امنیتی ترکیه، طی سالیان گذشته را امنیت مرزها می‌داند؛ چرا که فعالیت‌های تروریستی متمرکز در مناطق شرقی و جنوب شرقی بوده است. همچنین، مهاجرت‌های اجباری پناهجویان و مسئولیت اقتصادی و اجتماعی چهار میلیون پناهجوی سوری، به‌عنوان موضوعی که امنیت ترکیه را تحت تاثیر قرار داده است، از موضوعات مهم در این کتاب است. در این پژوهش، به اولویت‌های امنیتی ترکیه نیز اشاره شده است؛ مثلاً اینکه نیاز به سامانه دفاع هوایی و موشکی منطقه‌ای برای مدت طولانی از اولویت‌های امنیتی این کشور بوده است. نتیجه‌گیری این کتاب، این

رسیدن به اهداف خود دنبال می‌کند (همان). در ابعاد فردی و اجتماعی، باید گفت که جمهوری ترکیه، با وجود آنکه دین اکثر شهروندان آن اسلام بوده و از لحاظ تاریخی نیز در برخی برهه‌ها، خود را ام‌القری جامعه اسلامی می‌دانست، در جهت نزدیکی بیشتر با کشورهای غربی، اصلاحات گسترده‌ای را در جهت بهبود وضعیت حقوق بشر اعمال کرده و به یکی پیشگامان این حوزه در بین کشورهای مسلمان بدل شده است.

ترکیه از اوایل دهه ۲۰۰۰، یک فرآیند اصلاحات جامعی را با هدف تقویت بیشتر دموکراسی، تحکیم حاکمیت قانون و تضمین احترام کامل به آزادی‌های اساسی اجرا کرده که در نتیجه آن، اصلاحات خاصی در قانون مدنی و قانون جزایی کشور ایجاد شده است. در این اصلاحات، سه رکن اساسی به چشم می‌خورد که هدف آن‌ها، ایجاد بسترهای لازم برای تضمین رعایت کامل حقوق و آزادی‌های اساسی است؛ این ارکان عبارت‌اند از: پایبندی به کنوانسیون‌های اساسی بین‌المللی حقوق بشر، انجام اصلاحات قانونی در صورت لزوم و اتخاذ تدابیر مربوطه برای اجرای کامل اصلاحات (Ministry of Foreign Affairs of the Republic of Turkey²).

در نتیجه تلاش‌های ترکیه برای حرکت در مسیر بهبود وضعیت حقوق بشر و امنیت فردی، بر اساس اصل ۹۰ قانون اساسی ترکیه، موافقت‌نامه‌های بین‌المللی در مورد حقوق و آزادی‌های اساسی، در صورت تعارض با قوانین ملی و داخلی، ارجحیت

افزایش همکاری بین نیروهای دریایی شامل عملیات جستجو و نجات، بهبود اعتماد متقابل، مبارزه با تروریسم و تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی در دریای سیاه است.

رویکرد امنیتی کشور ترکیه

همان‌طور که پیش‌تر، در مقدمه بحث گفته شد، تمرکز این مقاله بر مرجع امنیت بوده و از این طریق، امنیت فردی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی مدنظر هستند. امنیت در نگاه حکومت ترکیه، ارتباط تنگاتنگی با مفهوم دفاع شخصی دارد که دارای ماهیتی سه گانه است: «تضمین بقای مردم»، «حفاظت از تمامیت ارضی» و «حفظ هویت اساسی یک ملت که بر اساس ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد» (Ministry of Foreign Affairs of the Republic of Turkey¹).

در جهت‌گیری امنیتی ترکیه که توسط وزارت خارجه این کشور منتشر شده است، امنیت ملی (چه در بعد سرزمینی و چه در بعد منطقه‌ای و بین‌المللی)، امنیت جمعی و همچنین امنیت فردی، دو رکن اصلی به‌هم‌پیوسته مفهوم کلی امنیت هستند و در عصر حاضر و در نتیجه محیط امنیتی کنونی، هم از لحاظ داخلی و هم از لحاظ بین‌المللی، این پیوند موجود میان ابعاد مختلف امنیت، بیشتر شده است؛ در نتیجه در روزگار ما امنیت تجزیه‌ناپذیر بوده و دولت ترکیه، تمامی چهار بعد امنیت را برای

بیان و انتشار بلامانع اندیشه‌ها هستند؛ اما واقعیت امر به گونه دیگری است. اکثر رسانه‌های خبری فعال در ترکیه متعلق به شرکت‌هایی با پیوندهای نزدیک دولتی هستند و رسانه‌های مستقل، عمدتاً از طریق پلتفرم‌های آنلاین فعالیت می‌کنند. آن‌ها به دلیل پوشش خبری انتقادی از شخصیت‌های ارشد دولتی و اعضای خانواده اردوغان، به‌طور منظم محتوایشان حذف شده، یا تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند، یا طبق قانون بسیار محدود کننده «ضد تروریسم» ترکیه، مجرم محسوب می‌شوند (word report 2022, human rights watch: 665).

تمامی این اقدامات در جهت افزایش محدودیت آزادی بیان و رسانه و همچنین محدودیت تجمعات را می‌توان در راستای راهبرد تمرکزگرایی بیشتر دولت رجب طیب اردوغان و حزب عدالت و توسعه توصیف کرد. دولت اقتدارگرا و بسیار متمرکز اردوغان، سابقه حقوق بشری ترکیه را چندین دهه به عقب برگردانده است. وی منتقدان دولت و مخالفان سیاسی خود را هدف قرار داده و با اتهاماتی همچون افترا، توهین به رئیس‌جمهور یا گسترش تبلیغات تروریستی و طبق قانون ضد تروریسم، محاکمه نموده است. اردوغان، همچنین استقلال قوه قضاییه را عمیقاً تضعیف کرده و نهادهای دموکراتیک را بی‌معنا کرده است. در راستای افزایش این محدودیت‌های فردی و اجتماعی، ترکیه از کنوانسیون شورای اروپا در مورد پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی (کنوانسیون استانبول) نیز خارج

دارند و نسبت به قوانین داخلی، دارای جایگاه برتر و اولی می‌باشند. همچنین از دهه ۱۹۹۰ نیز این روند اصلاحات، منجر به افزایش همکاری‌های مدنی و حقوق بشری این کشور با اتحادیه اروپا شده است؛ از جمله در زمینه‌های لغو مجازات اعدام، مبارزه با شکنجه، اصلاح زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها، آزادی اندیشه و بیان، آزادی انجمن‌ها، آزادی مذهب و عملکرد نظام قوه قضائیه، روابط ملکی و نظامی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و مبارزه با فساد است (همان).

شاید بتوان مهم‌ترین دلیل تمایل ترکیه، برای پیگیری اصلاحات مدنی و حقوق بشری را درخواست این کشور برای عضویت در اتحادیه اروپا پیگیری کرد. این کشور از سال ۲۰۰۵، نامزدی رسمی خود برای عضویت در اتحادیه اروپا اعلام کرده و همواره به دنبال آن بوده است که با رفع موانع و ایرادات وارده بر این کشور، همچون در مسائل حقوق بشری و حقوق مدنی، راه خود را برای عضویت دائم در این سازمان باز کند. یکی از جنبه‌های اصلی این اقدامات، مربوط به همکاری ترکیه با دادگاه حقوق بشر اروپا است.

البته، باید توجه داشت که ادعاهای حکومت ترکیه در خصوص حقوق بشر و حقوق مدنی شهروندان، به معنای عملی شدن تمامی این موارد در داخل کشور نیست. برای مثال درست است که اصل ۲۶ قانون اساسی، آزادی بیان را تضمین کرده و اصول ۲۷ و ۲۸ قانون اساسی نیز تضمین‌کننده آزادی

شده است (همان).

این دوگانگی موجود میان رویکرد امنیتی ترکیه در بیان حکومت (به صورت دوزور) و در حوزه عمل (به صورت دوفاکتو)، در بعد اجتماعی نیز وجود دارد؛ یعنی با وجود آنکه ماده ۳۴ قانون اساسی ۱۹۸۲، می‌گوید «هر کس حق دارد بدون اجازه قبلی، جلسات و راهپیمایی‌های تظاهراتی غیرمسلحانه و مسالمت‌آمیز برگزار کند» و محدودیت‌ها، فقط به دلایل امنیت ملی، نظم عمومی یا پیشگیری از ارتکاب جرم، بهداشت و اخلاق عمومی، یا برای حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران مجاز هستند، ما شاهدیم که دولت اردوغان برای تمرکزگرایی بیشتر و جلوگیری از به خطر افتادن پایه‌های قدرت حکومت خود، اقدام به سرکوب شدید اعتراضات مسالمت‌آمیز دانشجویان، کارگران، احزاب مخالف سیاسی، فعالان حقوق زنان و... می‌کند (همان: ۶۶۶).

از نگاه رویکرد امنیتی ترکیه در بعد سرزمینی و بین‌المللی، آماده‌سازی زمینه‌ها برای ایجاد یک محیط امن و صلح‌آمیز، برای ارتقای امنیت بین‌المللی، ثبات و همچنین توسعه پایدار و پیشرفت انسانی، از اهداف کلی هستند که تصریح شده‌اند و دولت‌ها باید با همکاری با یکدیگر، به آن دست یابند. در همین راستا، حفظ تمامیت ارضی، کمک به دفاع جمعی و عملیات مدیریت بحران (مانند حفظ صلح، عملیات بشردوستانه و...)، جلوگیری از تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی و ابزار ارسال آن و حمایت از خلع سلاح، از جمله عواملی هستند که

باید به دقت مورد توجه قرار گیرند (Ministry of Foreign Affairs of the Republic of Turkey). همچنین طبق متن رویکرد امنیتی ترکیه، مبارزه با تهدیدات نامتقارن مانند تروریسم، جرائم سازمان‌یافته، اختلال در جریان منابع حیاتی، جابجایی بی‌رویه مردم در نتیجه درگیری‌های مسلحانه و خطرات جنگ سایبری به تهدیداتی تبدیل شده‌اند که نیازمند اجرای تلاش‌های مشترک کشورها، برای تامین امنیت بین‌المللی هستند. طبق این سند راهبردی امنیتی، عواملی همچون تسریع همکاری در مقیاس جهانی و توسعه دیدگاه‌های امنیتی مبتنی بر مشارکت، گفت‌وگو و قدرت نرم، باید در نظام امنیت بین‌المللی برجسته شوند. به علاوه، از آنجایی که تمامی این تهدیدها ماهیتی نظامی ندارند، برای مقابله با آن‌ها باید یک رویکرد جامع، شامل سیاست‌های نظامی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را اتخاذ کرد (همان).

همان‌طور که گفته شد، در رویکرد و جهت‌گیری امنیتی ترکیه که از سمت وزارت خارجه این کشور صادر شده است، رویکرد ترکیه نسبت به امنیت بین‌المللی، رویکردی مبتنی بر مشارکت، همکاری و همگرایی است. در راستای تحقق این همکاری، چندجانبه‌گرایی امنیتی و امنیت دسته جمعی، می‌توانیم به عضویت این کشور در ناتو اشاره کنیم؛ در نتیجه می‌توانیم بگوییم که در رویکرد امنیتی ترکیه، رگه‌هایی از نظریه لیبرالیستی امنیت وجود دارد؛ اما این رگه‌های لیبرالیستی، تمام این

نظر بگیریم که در نتیجه پیگیری آن‌ها، ترکیه دارای دو نقش مهم در سیاست خارجی و امنیتی خواهد شد؛ نقش‌هایی به‌عنوان «سازنده نظم در بین کشورهای همسایه و مناطق قفقاز، خاورمیانه و بالکان» و «کشوری کلیدی برای رسیدن به منطقه‌ای پویا» (Neset siri, Aydin Mustafa, and oth-ers. 2021).

این سیاست‌های هفتگانه، عبارت‌اند از: (۱) مقابله با روسیه در دریای سیاه، قفقاز و منطقه شام؛ (۲) مقابله با افراط‌گرایی در خاورمیانه و شمال آفریقا؛ (۳) ایجاد تعادل بین نفوذ ایران در سوریه و عراق؛ (۴) ایجاد توازن در حمایت ایالات متحده از P.K.K در خاورمیانه به‌طور کلی و در شمال شرق سوریه به‌طور خاص؛ (۵) ایجاد توازن بین نفوذ روسیه و چین در آسیای مرکزی، به‌ویژه در ارتباط با کشورهای ترک؛ (۶) پر کردن شکاف ناشی از کم‌رنگ شدن حضور آمریکا در منطقه و (۷) رقابت با سایر کشورهای منطقه، مانند امارات، ایران و عربستان سعودی که به دنبال پر کردن خلا ناشی از کم‌رنگ شدن حضور آمریکا در خاورمیانه هستند (همان). در شناسایی عوامل تعیین‌کننده این اقدامات، می‌توان هفت عامل را شناسایی کرد که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

عوامل کلیدی تعیین‌کننده سیاست‌های امنیتی

ترکیه در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی

(۱) موقعیت استراتژیک جغرافیایی

رویکرد را شامل نمی‌شوند، بلکه عملکرد این کشور در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی، مویید این موضوع است که ترکیه برای حفظ امنیت و بقای خود، دست به اقدامات یک‌جانبه متعددی زده است که باعث تشدید معمای امنیت در مناطق خاورمیانه و قفقاز گردیده. به همین دلیل، دیدگاه ترکیه نسبت به امنیت را می‌توانیم ترکیبی از رئالیسم و لیبرالیسم در نظر بگیریم؛ به عبارت دیگر، ترکیه در عین حال که در سند امنیت ملی خود، نگاهی لیبرالیستی به مقوله امنیت دارد، در عمل بسیاری از مفروضات رئالیستی را مقدم بر مفروضات این رویکرد قرار داده است.

در تعریف معمای امنیت که در بالا گفته شد، لازم است که اشاره کنیم که در مکتب رئالیسم، آنارشیک بودن نظام بین‌الملل باعث ایجاد ناامنی میان کشورها شده است؛ به همین دلیل، آن‌ها برای تامین امنیت، منافع ملی، حفظ بقا و همچنین رفع تهدیدات موجود، دست به اقداماتی همچون افزایش قدرت نظامی خود می‌زنند که این اقدامات، باعث افزایش ناامنی و تهدیدات علیه بقیه کشورها می‌شود. در نتیجه، سایر کشورها نیز اقدامات مشابهی را انجام می‌دهند تا امنیت خود را تامین کنند و این چرخه، به ایجاد معمای امنیت و رقابت‌های تسلیحاتی منجر می‌شود (ساتچ و الیاس، ۱۳۹۴: ۲۲۲).

به‌طور کلی می‌توانیم هفت سیاست امنیتی را در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی، برای ترکیه در

همچنین حزب عدالت و توسعه، در بعد منطقه‌ای و بین‌المللی، بر نقش‌آفرینی فعال، نفوذ بیشتر و اتخاذ سیاست‌های قاطع نسبت به همسایگان استوار است.

۴) سلسله مراتب اهداف و محرک‌های خط‌مشی

اهداف امنیتی و سیاست خارجی هر کشوری، معمولاً برگرفته از منافع ملی و استراتژی کلی آن کشور است. این سلسله مراتب اهداف ترکیه را می‌توانیم به این صورت دسته‌بندی کنیم: دستیابی به استقلال استراتژیک با قابلیت حفظ بقای کشور؛ ایجاد شراکت‌های جدید با حفظ اتحاد‌های سنتی به‌منظور کاهش وابستگی به متحدان و جلوگیری از رویارویی مستقیم با روسیه؛ تبدیل شدن به یک کشور استثنایی در منطقه خاورمیانه، قفقاز و بالکان، به‌منظور دستیابی به برتری و افزایش نفوذ آن در مناطق ذکر شده که نیازمند تقویت ارتش است، افزایش مداخله در امور کشورها و افزایش پایگاه‌های نظامی در خارج از کشور.

۵) ذهنیت محاصره و احساس عمومی ناامنی

همان‌طور که گفته شد، رگه‌هایی از رویکرد رئالیسم نیز در سیاست‌های امنیتی ترکیه وجود دارد که مهم‌ترین دلیل آن، اهمیت حفظ بقا و موجودیت نظام سیاسی برای هر کشوری است. اصل «اول امنیت» را شاید بتوان مهم‌ترین بروز رئالیسم در رویکرد امنیتی ترکیه دانست که

موقعیت جغرافیایی ترکیه، یکی از مهم‌ترین دلایل قدرت و نفوذ ترکیه در سطح منطقه و بین‌المللی است. این کشور، پل ارتباطی بین آسیا و اروپا بوده و به دلیل قرار گرفتن در محل اتصال سه منطقه بالکان، خاورمیانه و قفقاز، توانایی نقش‌آفرینی در این سه منطقه را دارد. همچنین، با در دست داشتن تنگه‌های بسفر و داردانل، نقشی کلیدی را در حفظ امنیت آمدوشد در دریای سیاه و مدیترانه بازی می‌کند. البته، درست است که این موقعیت جغرافیایی خاص و چندبعدی، منافع سیاسی و اقتصادی متعددی را برای ترکیه به ارمغان آورده، اما با در نظر گرفتن تعداد و ترکیب همسایگانش، منبعی از ضعف نیز محسوب می‌شود.

۲) تاثیر سیستم بین‌المللی

ترکیه به دلیل تغییرات ایجاد شده در نظام بین‌الملل، به همراه عقب‌نشینی نسبی ایالات‌متحده از تعاملات بین‌المللی خود در مورد ترکیه و همچنین کم‌رنگ شدن حضور آن در خاورمیانه، مبارزه اروپا با روسیه در ابعاد نظامی و اقتصادی و وضعیت‌های داخلی متفاوت کشورهای عربی که برخی همچون عراق و سوریه دچار ضعف و سستی‌های شدیدی شده‌اند، فرصتی برای اثبات خود به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای پیدا کرده است.

۳) تمایلات فکری نخبگان حاکم

تمایلات غالب در بین نخبگان سیاسی و

دامنه وسیعی از غرب آسیا تا شرق اروپا و از قفقاز تا کشورهای حوزه دریای سیاه درگیر است. از طرفی، همسایگی این کشور با ایران، عراق و سوریه نیز بر دامنه تهدیدات علیه این کشور افزوده است؛ اما نکته‌ای که بر اهمیت موضوع امنیت برای این کشور می‌افزاید، نقش آفرینی به‌عنوان واسطه بین اروپا و آسیا است؛ تا آنجا که این کشور در برهه‌های متفاوتی، بسته‌های حمایتی را از اتحادیه اروپا دریافت کرده است.

از همین رو، با توجه به معمای امنیت و اینکه رویکردهای امنیتی یک کشور می‌تواند به‌عنوان تهدیدی برای سایرین در نظر گرفته شود، در این بخش از پژوهش به بررسی اولویت‌های امنیتی برای ترکیه و چرایی اهمیت این اولیت‌ها، در چهار بعد فردی، اجتماعی، داخلی و بین‌المللی (منطقه‌ای، جهانی) پرداخته خواهد شد.

۱. امنیت فردی

در بحث از امنیت فردی در ترکیه با تهدیدات متعددی از جمله ایجاد امنیت فردی برای توریسم، مباحث حقوق بشری و تهدیدهای دیگری چون سرمایه‌گذاری‌های با منابع ناشناخته مواجه هستیم؛ اما در این بخش مواردی که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند، مورد بررسی قرار خواهند گرفت. همان‌طور که در بخش‌های پیشین نیز اشاره شد، ترکیه علی‌رغم اینکه در قوانین و به‌ویژه در قانون اساسی، آزادی‌های بسیاری را محترم شمرده

همچنان در کانون تفکر امنیتی این کشور قرار دارد.

۶) اجتماع توان داخلی

یکی دیگر از محرک‌های مهم، در فعالیتهای سیاست خارجی ترکیه در سال‌های اخیر، اتحاد انتخاباتی بین حزب عدالت و توسعه، ملی‌گرایان و گروه‌های اوراسیایی در داخل حکومت است که سیاست‌های ترکیه در عراق و سوریه را هدایت کرده و بر موضوعات مختلف سیاست خارجی، به‌ویژه در رابطه با اتحاد ترکیه با کشورهای غربی و مسئله کردها، تأثیر می‌گذارد.

۷) حفظ و افزایش قابلیت‌ها از طریق توسعه

لازمه افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی و توسعه اقتصادی، تامین امنیت، چه از لحاظ داخلی و چه از لحاظ بین‌المللی است. شرکت‌های خارجی، تمایل دارند تا در کشورهایی سرمایه‌گذاری کنند که می‌دانند امنیت در آنجا پابرجاست و خطری سرمایه‌های آنان را تهدید نمی‌کند؛ معمولاً گفته می‌شود سرمایه، ترسو است (همان).

چرایی اولویت‌های امنیتی در کشور ترکیه

همان‌طور که اشاره شد، بحث از امنیت ترکیه بدون توجه به موقعیت جغرافیایی این کشور و وضعیت داخلی و بین‌المللی آن امکان‌پذیر نخواهد بود. از همین رو، باید اشاره داشت که کشور مذکور به‌عنوان یک کشور فراقاره‌ای با مسائل متعددی با

۲. امنیت اجتماعی

مباحث اجتماعی اگرچه در میان دیگر تهدیدها و مباحث امنیتی جایگاه جدی و ملموسی ندارند؛ اما در رابطه با ترکیه از آنجا که شاهد حضور جدی اقوام کرد در این منطقه هستیم، می‌توان حفظ هویت اساسی و پان‌ترکیسم را به‌عنوان یک مسئله مهم تلقی کرد. رشد احساسات ملی‌گرایانه در ترکیه باهدف تاریخ‌سازی و هویت‌سازی برای یک قوم به قیمت هویت سوزی قومی دیگر، از دهه ۵۰ میلادی به بعد اوج گرفت. رفتار و نوع برخورد ترکیه در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ موجب شد یک چالش اجتماعی به یک چالش سیاسی عمده تبدیل شود و در نهایت در دهه ۸۰ میلادی در سال ۱۹۸۴ با انجام یک حرکت مسلحانه به یک چالش امنیتی تبدیل گردد و امروزه، دامنه آن نه‌تنها داخل ترکیه، بلکه اطراف‌واکناف را نیز آلوده کرده است. گذشته و آینده کردهای منطقه خاورمیانه که بیشترین آن‌ها در ترکیه زندگی می‌کنند (۲۴ درصد جمعیت ۸۰ میلیونی ترکیه را تشکیل می‌دهند)، موضوع بسیاری از محافل علمی، سیاسی و امنیتی طی ۲۰ سال اخیر این است. کردهای ترکیه اکثراً در یک نقطه اشتراک نظر دارند و آن تجزیه ترکیه و تشکیل کردستان مستقل است (چگنی‌زاده و آثارتمر، ۱۳۸۸). طبیعی است دولت ترکیه در چنین شرایطی و برای بی‌اثر کردن اقدامات کردها در داخل کشور، نیازمند یک عنصر همبستگی در داخل باشد که تاکید بر هویت ترکی، می‌تواند تا حدی این نقش

و به آزادی بیان اشاره کرده است؛ اما باین‌وجود، می‌توان نقض حقوق بشر را در این کشور مشاهده نمود، تا آنجا که گفته می‌شود کردها در برابر اقلیم ترک و مسلمانان علوی در برابر اهل سنت، در این کشور شهروند درجه دوم حساب شده و حقوق آن‌ها چندان محترم شمرده نمی‌شود. این موضوع به‌خصوص به این خاطر که این کشور در تلاش برای کسب عضویت در اتحادیه اروپا است، می‌تواند تهدیدی برای این کشور شمرده شود.

در رابطه با موانع و چالش‌های ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا مواردی همچون ماده ۳۰۱ قانون کیفری ترکیه مطرح شده است که بر اساس آن، توهین‌کنندگان به ملت و اقوام ترک و دولت ترکیه، از شش ماه تا دو سال زندان محکوم می‌شوند و همچنین، مسئله حقوق اقلیت‌ها و به‌طور ویژه حقوق اقلیت کرد که حدود بیست درصد از جمعیت ترکیه را تشکیل می‌دهد، مورد توجه است. در همین راستا و در ادامه مطالبی که ترکیه را به نقض حقوق بشر متهم کرده است، می‌توان به مطلب اخیری که از دیده بان حقوق بشر منتشر شده اشاره داشت که در آن ذیل عناوینی همچون «آزادی بیان، انجمن، اجتماع»، «حقوق زنان و آزادی‌های جنسی»، «شکنجه و بدرفتاری در بازداشت»، «درگیری کردها و سرکوب مخالفان»، «پناهندگان، پناه‌جویان و مهاجران» اتهاماتی بر علیه ترکیه استفاده شده است (word report 2022, human rights watch: 665-671).

به لحاظ تاریخی گروه P.K.K سابقه فعالیت طولانی در ترکیه دارد. این حزب در سال ۱۹۷۴ توسط یک دانشجوی فعال سیاسی به نام عبدالله خان اوجالان با عده‌ای از همفکران خود تاسیس شد. او با رهبری حزب کارگران کردستان با بزرگ‌ترین نیروی نظامی پیمان ناتو، پانزده سال جنگ مسلحانه تمام‌عیار کرد که به کشته شدن بیش از ۳۵۰۰۰ نفر از دو طرف انجامید. این حزب هر چند در اساسنامه خود تاکید دارد که حل دموکراتیک مسئله کردهای ترکیه امکان دارد؛ اما با خاطر نشان شدن انعطاف‌پذیری دولت ترکیه در به رسمیت شناختن حقوق کردها، مبارزه مسلحانه را برگزیده و آشکارا هدفش تجزیه ترکیه است (چگنی‌زاده و آثار‌تمر، ۱۳۸۸).

چنانکه اشاره شد، این گروه آشکارا تمامیت ارضی ترکیه را نشانه رفته است؛ اما علاوه بر این و به‌طور خاص در بازه زمانی اخیر، شاهد اقداماتی از این گروه بوده‌ایم که شاید بتوان فلسفه مقابله ترکیه با این گروه را در این اتفاقات پیدا کرد. در ۱۳ نوامبر ۲۰۲۲، انفجاری در خیابان استقلال در منطقه بی اوغلو استانبول ترکیه، در ساعت ۴:۲۰ بعد از ظهر به وقت محلی رخ داد. به گفته فرماندار استانبول، این بمب‌گذاری دست کم ۶ کشته و ۸۱ زخمی بر جای گذاشته است. به گفته مقامات ترکیه، زنی به نام احلام البشیر که کیفی را در خیابان گذاشته بود، مظنون اصلی این حمله است. باین حال هیچ گروه تروریستی تاکنون مسئولیت آن را بر عهده

را ایفا کند؛ اما علاوه بر این پان‌ترکیسم می‌تواند به‌عنوان یک عامل فشار و نفوذ در دیگر مناطق برای ترکیه کاربرد داشته باشد. مهم‌ترین هدف ترکیه از تبلیغات پان‌ترکیستی، ایجاد یک منطقه نفوذ ترک زبان بود تا برای مدتی طولانی، رهبری سیاسی و اقتصادی آنکارا بر این کشورها حفظ شود و ترکیه از این طریق بر ذخایر عظیم منطقه دسترسی داشته باشد. ترکیه با ارائه چنین مدلی سعی داشته که از یک‌سو، از گرایش جمهوری‌های استقلال یافته به ایران و پذیرش مدل حکومتی مبتنی بر اندیشه سیاسی اسلام جلوگیری کند و از سوی دیگر، نفوذ روسیه را در منطقه کاهش دهد و درعین حال بتواند با ایجاد نارضایتی در مناطق آذری نشین ایران، از آن در چانه‌زنی‌های سیاسی استفاده کند. دولت آنکارا در این اهداف با غرب هم‌عقیده بود و به همین جهت نیز توانست حمایت‌های ضمنی غرب را به دست آورد (کاظمی، ۱۳۸۵: ۳۸).

۳. امنیت ملی

امنیت ملی هر کشوری را شاید بتوان مهم‌ترین بعد امنیتی برای آن کشور تلقی کرد و از آنجاکه تهدید تمامیت ارضی کشورها به‌عنوان برجسته‌ترین نوع تهدید بر علیه یک کشور شناخته می‌شود، کشورها بیشترین توجه خود را به این قسم از تهدیدها ابراز می‌کنند. در ترکیه می‌توان مسئله کردها و P.K.K، مهاجرت‌های داخلی و امنیت غذایی را در این رابطه مورد توجه قرار داد.

نگرفته است (Sözçü 2022).

سوریه توسط حزب اتحاد دموکراتیک بوده است که از آن به‌عنوان شاخه سوریه P.K.K. یاد می‌شود (خیری و تقی‌لو، ۱۳۹۹). رهبران ترکیه در مواجهه با چالش‌های ناشی از بحران سوریه بدون در نظر گرفتن توان و قدرت عمل خود، با شتاب‌زدگی وارد صحنه تحولات پیچیده سوریه شدند و به حمایت از مخالفان دمشق پرداختند. عقب‌نشینی اسد از مناطق کردنشین سوریه در سال ۲۰۱۲ برای تمرکز قوا در مناطق استراتژیک سوریه و به تلافی اقدامات ترکیه در حمایت از مخالفین حکومت، زمینه‌ساز تاسیس مناطق خودمختار کرد در شمال سوریه توسط گروه‌های کردی همسو با P.K.K. گردید. ابعاد منطقه‌ای تهدیدات P.K.K. را می‌توان مهم‌ترین چالش امنیتی ترکیه دانست (kardas, 2010).

امروزه مناطق خود مختار کرد در شمال سوریه، پناهگاهی امن برای فعالیت مبارزه‌طلبان P.K.K. گردیده و به تشدید حملات P.K.K. به داخل ترکیه منجر شده است. با توجه به وابستگی بالای این گروه به حزب کارگران کردستان ترکیه، هم‌زمان با قدرت‌یابی P.Y.D، نگرانی‌هایی از سوی محافل سیاسی ترکیه در رابطه با از سر گرفته شدن حملات سازمان یافته P.K.K. به وجود آمده بود (خیری و تقی‌لو، ۱۳۹۹).

با این‌همه، ترکیه این گروه را اگرچه که مورد حمایت غربی‌ها و به‌خصوص آمریکا بوده و علی‌رغم اینکه در مبارزه با داعش نیز جلوه بین‌المللی پیدا کرده است، یک گروه تروریستی نامید. تا آنجا که

اگرچه حزب اتحاد دموکراتیک و هیچ‌کدام از وابستگان آن‌ها مسئولیت این حمله را به عهده نگرفتند و حتی بعد از آغاز عملیات پنجه_شمشیر این اقدام ترکیه را محکوم کردند؛ اما باید گفت در نگاه ترکیه و مقامات این کشور از آنجا که احزاب کرد عامل عملیات‌های تروریستی و به‌عنوان تهدیدی برای امنیت ملی ترکیه به شمار می‌روند باید با چنین برخوردهایی با آن مقابله شود.

۴. امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد وسعت تهدیدهایی که بر علیه ترکیه به لحاظ منطقه‌ای وجود دارد بسیار زیاد است. چنانکه عدم وجود حکومت قدرتمند در عراق، امکان هسته‌ای شدن ایران، بحران ارمنستان_آذربایجان، بحران اوکراین و... تنها بخشی از این مسائل هستند؛ اما چیزی که در این برهه زمانی به‌طور ویژه توجه ترکیه را به خود جلب نموده است، پایگاه‌های عناصر P.K.K. در سوریه و عراق است که به‌واسطه‌ی عملیات‌های تروریستی اخیر در داخل مرزهای ترکیه، اهمیت این موضوع دو چندان شده است.

خیزش‌های عربی در سوریه منجر به سرنگونی حکومت بشار اسد نگردیده، بلکه به جنگ داخلی میان گروه‌های سوری و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای کسب نفوذ بیشتر منتهی شده است. پیامد چنین وضعیتی، کنترل کردستان

این دوره مرحله عملی کردن ایدئال‌هایمان است. بخشی از آن مربوط به منطقه جغرافیایی ماست که هرگز ایدئال توسعه طلبانه‌ای نبوده است. به گفته اردوغان ملت ترکیه در آستانه یک دوره جدید قرار دارد که نام آن، نهضت دوباره است (آنتولی، ۲۰۱۸).

برای ارزیابی صحت اظهارات اردوغان کافی است به عملکرد و سیاست‌های ترکیه در زمینه حقوق بشر طی سال‌های اخیر توجه کرد. با وجود اینکه ترکیه کشوری دموکراتیک است و بر اساس ماده ۱۰ قانون اساسی، همه شهروندان با هم برابرند و بر عدم هرگونه تبعیض بر اساس، زبان، نژاد، جنسیت، عقاید سیاسی و اعتقادات مذهبی تاکید شده است؛ اما در واقعیت عملکرد ترکیه چیز دیگری است. در ماده ۱۲ بر «حقوق و آزادی‌های افراد»، در ماده ۱۷ «حقوق مادی و معنوی افراد و حق زندگی آن‌ها»، ماده ۱۹ «امنیت و آزادی فردی»، ماده ۲۳ «حق آزادی انتخاب مسکن و آزادی جابجایی و رفت‌وآمد در کشور و تغییر مسکن»، ماده ۲۴ «آزادی انتخاب مذهب و شرکت در مراسم و مناسک مذهبی» و ماده ۲۵ «آزادی افکار و عقاید»، ماده ۲۶ «آزادی بیان و انتشار افکار و...» تاکید شده است (تقی‌پور، ۱۳۹۳). اما برخی تناقضات حقوقی در ترکیه با چنین مواردی آشکار می‌شود که اگر شخصی دستگیر شود وی را به‌عنوان مجرم می‌گیرند نه متهم، یا بحث دیگر مسئله قومیت‌ها در ترکیه است؛ در مورد کردها همه دولت‌های ترکیه تاکنون آن‌ها را به‌عنوان تهدید امنیت ملی خود محسوب

اردوغان در اجلاس TRT World Forum کشورهای اروپایی حامی این گروه را مورد انتقاد قرار داده و خود را تنها عامل مبارزه با این گروه خواند و اذعان داشت، این اقدام ترکیه به نفع تمام کشورها خواهد بود.

سیاست‌ها و عملکرد امنیتی ترکیه

مسئله اصلی هر نظام سیاسی در مقابله با تهدیدات، شناسایی و اولویت‌بندی آن‌ها است؛ بنابراین همان‌طور که در بخش‌های پیشین رویکردها و اولویت‌های امنیتی ترکیه ذکر شد، ضروری است در این بخش به عملکرد و سیاست‌های دولت ترکیه در مواجهه با تهدیدات در چهار بعد فردی، اجتماعی، داخلی و بین‌المللی پرداخته شود.

۱. امنیت فردی

رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه طی سخنرانی در مراسم افتتاحیه ساختمان بنیاد جوانان ترکیه (TUGVA) در شهر استانبول اظهار داشت فضای آزادی را در کشور حاکم کرده‌ایم که در آن هیچ جوانی به خاطر اندیشه، عقیده و پوشش مورد تحقیر قرار نمی‌گیرد. اردوغان افزود از زمان بر سر قدرت آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه هیچ دخالتی در آزادی گروه‌های قومی، مذهبی و زندگی خصوصی شهروندان کشورمان صورت نگرفته است. وی با بیان اینکه حزب عدالت و توسعه برای رفع موانع میان جوانان و رویاهای آن‌ها تلاش می‌کند گفت،

ملی‌گرایی و فرهنگ ملی را تقویت و در کنار آن به جهانی‌سازی کشور هم پردازد؛ به همین دلیل، در بعد امنیت اجتماعی بر مسئله پان‌ترکیسم و حفظ هویت اساسی خود تاکید دارد. عملکرد دولت ترکیه در این خصوص با اهداف سیاسی و کاهش قدرت کشورهای پان‌ترکیسمی انجام می‌شود که اقلیت ترک دارند؛ برای مثال با دادن شعارهای پان‌ترکیستی سعی بر اتحاد اقوام ترک در آسیای مرکزی و قفقاز دارد، به‌ویژه با طرح شعار اتحاد سعی دارد فشار مضاعفی بر ایران وارد کند تا اولاً، قدرت مانور ایران را کاهش دهد و ثانیاً، امتیازهای متقابلی را به دست آورد. ترکیه با تحریف تاریخ و اسلام‌ستیزی، قوم‌گرایی خود را در پیش گرفته است، به‌طوری‌که به کتب درسی مدارس و دانشگاه‌ها نیز رسیده است (حسینی و فاطمی نسب، ۱۳۹۹).

اقدام دیگر، تلاش برای تشکیل شورای ترک از جانب ترکیه است که بتواند با استفاده از کشورهای مختلف ترک زبان، هلال ترک را تشکیل دهد که در صورت همگرایی زیاد کشورهای ترک زبان، این امر به‌عنوان چالشی برای رقیب منطقه‌اش یعنی ایران، محسوب می‌شود. مرکز ثقل بودن اتخاذ استراتژی‌ها و سیاست‌های دولت مختلف در ترکیه بر اساس پان‌ترکیسم و احیای امپراتوری عثمانی در شکل جدید، تلاش برای سرکوب اقلیت‌ها و قومیت‌های مخالف یا دور کردن آن‌ها از تصمیمات مهم داخلی و منطقه‌ای که نمونه آن برخورد با کردهاست، از دیگر سیاست‌های ترکیه

می‌کردند و ترک‌ها همیشه تلاش کرده‌اند کردها را نادیده بگیرند. در همین زمینه بود که آن‌ها کردها را «پشت کوهی» خطاب می‌کردند. آن‌ها شهروند درجه دو ترکیه محسوب شده و حقوق‌شان رعایت نمی‌شد. در زمینه مذهب نیز علویان، تحت‌الشعاع اهل تسنن هستند و حقوق آن‌ها نادیده گرفته می‌شود. این موارد عواملی برای نقض حقوق بشر در ترکیه هستند در قانون اساسی ترکیه سه اقلیت مورد قبول قرار گرفته‌اند؛ یونانیان، ارمنیان و یهودیان؛ بنابراین، گویی نه کردی هست و نه علوی. با این وجود، ترکیه از اصول نسبتاً پیشرفته‌ای برای حفظ حقوق ترک‌تبارها برخوردار بوده است؛ اما به‌رحال این قوانین فاقد حمایت‌های لازم از حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی است و عملکرد ضد حقوق بشری به سال‌های قبل برمی‌گردد و در دوره اسلام‌گرایان، این وضعیت به لحاظ قانونی و به‌صورت دوزور تا حدی بهبود یافته است.

۲. امنیت اجتماعی

در گفتمان غربی و به‌ویژه اروپایی، مهم‌ترین مسئله‌ی امنیت اجتماعی، بقای هویت گروهی است. به‌عبارت‌دیگر در جهان جدید، گروه‌ها تمایل ندارند هویت یا مایی (we-ness) خود را در هویت یا ماهای دیگر هضم کنند (مرکز مطالعات جامعه و امنیت، ۱۳۹۸).

ترکیه هم به‌عنوان کشوری که دارای فرهنگ و زبان بومی خاص و متنوعی است، تلاش می‌کند

در خصوص حفظ هویت اساسی و امنیت اجتماعی است(خالقی نژاد، ۱۴۰۰).

۳. امنیت داخلی و بین‌المللی

عملکرد ترکیه را در رابطه با تهدیدات امنیت ملی این کشور در موضوع گروه P.K.K و درگیری با کردها، به‌وضوح می‌توان مشاهده کرد. فعالیت تروریستی P.K.K، به‌ویژه در دهه ۱۹۹۰، مستلزم یک تحول سیستماتیک در ظرفیت نظامی ترکیه بود. در این دوره، اقدامات بسیاری انجام شد از جمله گذار از سازمان رزمی سنگین سال‌های جنگ سرد به سازمان رزمی انعطاف‌پذیرتر که حول تیپ‌ها شکل گرفته است، توسعه نیروهای هوای با سکوهای بال چرخشی، تشکیل و استفاده موثر از عملیات ویژه یگان‌ها و عملیات‌های فرامرزی سیستماتیک در دهه ۱۹۹۰، که در پایان دهه موفقیت‌های نظامی را به همراه داشت.

به‌منظور مبارزه با تهدیدات امنیت ملی، اقداماتی مانند اتخاذ یک استراتژی مبارزه علیه سازمان تروریستی P.K.K، هدف قرار دادن سیستم‌های تسلیحاتی و شبکه‌های تامین تاکتیکی مهم به‌منظور خنثی کردن فعالیت‌های تروریستی بر اساس مفاهیم جنگ ترکیبی، خنثی‌سازی برنامه پهباد و ظرفیت ستیزه‌جوی حیاتی توسعه یافته توسط سازمان تروریستی انجام شد.(Kasapoğlu, 2022).

حمله نظامی توسط ارتش ترکیه (TSK) از روز ۲۰ نوامبر ۲۰۲۲ علیه P.K.K و نیروهای دموکراتیک سوریه در شمال این کشور از جدیدترین اقدامات ترکیه است که به نقل از آناتولی، نیروهای مسلح این کشور در دو روز عملیات هوایی موسوم به پنجه_شمشیر در سوریه و عراق، ۱۸۴ تروریست را به هلاکت رسانده‌اند. در این حملات، سایت‌های استقرار حزب کارگران کردستان که در ترکیه غیرقانونی است و همچنین مقرهای شاخه سوری آن، بمباران شد. وزارت دفاع ترکیه با بیان اینکه این عملیات موفقیت‌آمیز بود، خاطرنشان کرد که پایگاه‌ها و سایت‌های اصلی تروریست‌ها از بین رفتند(مهر، ۱۴۰۱).

آکار وزیر دفاع ترکیه، طی سخنانی در این مرکز با بیان اینکه هدفمان تضمین امنیت ۸۵ میلیون شهروند و مرزهایمان و همچنین پاسخ به هرگونه حمله خائنانه علیه کشور است گفت: در تمامی عملیات‌های نیروهای مسلح ترکیه، تدابیر احتیاطی لازم برای جلوگیری از آسیب به غیرنظامیان و محیط‌زیست اتخاذ می‌شود(آناتولی، ۲۰۲۲).

از سخنان رجب طیب اردوغان در سال‌های اخیر نیز می‌توان به سیاست‌های ترکیه و تمایل آن برای انهدام P.K.K با همکاری ایران پی‌برد. در سفر ۲۰۱۷ محمدحسین باقری به آنکارا، اردوغان به اقدامات نظامی ایران و ترکیه علیه این گروه تروریستی تاکید کرد و گفت در صورت عملیات مشترک نظامی علیه حزب کارگران کردستان، این

اجتماع و رسانه را محدود کرده و به حذف مخالفین خود روی آورده است و به نوعی، باعث ایجاد نوعی دوگانگی میان حوزه‌های نظری امنیت از لحاظ قانونی با حوزه‌های عملی امنیت شده است.

همچنین، این دوگانگی تنها مختص به ابعاد فردی و اجتماعی نبوده و در ابعاد امنیت ملی و بین‌المللی نیز دیده می‌شود. در نتیجه وجود این دوگانگی در ابعاد ملی و بین‌المللی امنیت، ما شاهد پیوند و خلط عناصری از نظریه لیبرالیستی امنیت که پایه اصول قانونی امنیت ترکیه (به‌صورت دوازده بر آن‌ها استوار است، با عناصری از نظریه رئالیستی امنیت که دولت ترکیه در سیاست‌های خود آن‌ها رو دنبال می‌کند (به‌صورت دوفاکتو) هستیم.

بررسی تهدیدهای موجود، موضوعی مهم در مسیر یک پژوهش امنیت محور است؛ چرا که در یک تعریف، امنیت امروزه به نبود تهدید تعریف می‌شود. در این راستا، امروزه تهدیدهای پیش روی ترکیه در چهار بعد فردی، اجتماعی، ملی و جهانی مورد بررسی قرار گرفته است.

در بعد فردی، امروزه تامین امنیت برای توریسم، تامین آزادی‌های فردی و بررسی منابع مالی با مبدا نامعلوم مطرح است. در بعد اجتماعی، مهم‌ترین تهدید برای ترکیه مسئله کردها و حفظ هویت پان‌ترکیسم است؛ چرا که حفظ این هویت در بسیاری از مسائل برای ترکیه راهگشا است. در بعد ملی؛ حضور گروه P.K.K در مرزهای جنوبی ترکیه مطرح است که ترکیه، ادعای دخالت داشتن این

حزب در اسرع وقت سرکوب خواهد شد.

ترکیه در راستای نابودی پایگاه‌ها و مواضع P.K.K در عراق هم اقداماتی در سپتامبر ۲۰۲۲ انجام داده است. نیروهای مسلح ترکیه، به مواضع P.K.K در شمال عراق حمله کرده‌اند که وزیر دفاع ترکیه در سفر به شرناق، شهری در جنوب شرق ترکیه که اکثر ساکنان آن را کردها تشکیل می‌دهند، به خبرنگاران گفت: ما روز دوشنبه در شمال عراق دست به انجام یک عملیات هوایی زدیم و موضعی در منطقه اسوس، واقع در ۱۴۰ کیلومتری مرز را هدف قرار دادیم. به گفته آقای آکار، موضع هدف واقع شده یک پاسگاه فرماندهی حزب کارگران کردستان ترکیه بوده است؛ آنکارا و متحدان غربی ترکیه P.K.K را یک جنبش تروریستی مسلحانه می‌دانند (یورو نیوز، ۲۰۲۲).

خلاصه و نتیجه‌گیری

در نگاه امنیتی ترکیه، امنیت ملی و امنیت جمعی، دو رکن اصلی به هم پیوسته مفهوم کلی امنیت هستند و در عصر حاضر، پیوند بین این دو رکن بیشتر شده و امنیت به صورتی تجزیه‌ناپذیر درآمده است. در ابعاد فردی و اجتماعی امنیت در پنج سال اخیر، ما شاهد آن هستیم که دولت اردوغان، در مسیری خلاف جهت اصلاحات صورت گرفته در دهه‌های گذشته گام برداشته است. دولت ترکیه، به دنبال تمرکزگرایی بیشتر و جلوگیری از به خطر افتادن پایه‌های اقتدار خود، آزادی بیان،

کند. سیاست‌های ترکیه در رابطه با تهدیدات امنیت ملی این کشور، متمرکز بر سرکوب و مقابله با گروه تروریستی P.K.K است که از دهه‌های قبل آغاز شده. دولت ترکیه با افزایش ظرفیت نظامی خود همواره در تلاش برای نابودی پایگاه‌های این گروه در داخل و خارج از کشور بوده است. در جهت اجرای این سیاست‌ها، حملات نظامی متعددی از سمت ارتش ترکیه صورت گرفته است که نمونه جدید آن، عملیات پنجه_شمشیر در ۲۰ نوامبر ۲۰۲۲ علیه مواضع P.K.K و نیروهای دموکراتیک سوریه در شمال این کشور است؛ یا حمله به مواضع این گروه در عراق (۲۰۲۲) که با عملیات هوایی، موضعی در منطقه اسوس واقع در ۱۴۰ کیلومتری مرز را هدف قرار داد.

منابع و ماخذ

- آناتولی (۲۰۱۸). «اظهارات اردوغان درباره آزادی عقیده و پوشش در ترکیه»، منتشر شده در ۲۰۱۸/۱۰/۲۱ در <https://b2n.ir/k10251>
- آناتولی (۲۰۲۲). «اظهارات وزیر دفاع ترکیه درباره عملیات پنجه_شمشیر»، منتشر شده در ۲۰۲۲/۱۱/۲۰ در <https://b2n.ir/m73639>
- تقی‌پور، سحر (۱۳۹۳). «ترکیه و موازین حقوق بشر»، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، منتشر شده در <https://www.cmess.ir/Page/View/2014-06-24/329>
- چگنی‌زاده، غلامعلی؛ آثارتمر، محمد (۱۳۸۸). «تحرکات

گروه در اقدامات تروریستی اخیر در استانبول و دیگر شهرها را دارد و اخیراً نیز وارد درگیری مستقیم و سخت با این گروه شده است. در بعد منطقه‌ای و بین‌المللی نیز علی‌رغم وجود تهدیدهای متعددی اعم از بحران اوکراین، نبود قدرت متمرکز در عراق، مرز مشترک با ایران و بحران قره‌باغ، مهم‌ترین تهدید را می‌توان وجود اقلیم‌های کرد برای این کشور دانست؛ چرا که بخشی از جمعیت این کشور را اقلیم کردستان تشکیل داده و این موضوع می‌تواند برای این کشور در نهایت مشکل‌ساز شود.

در رابطه با چگونگی مواجهه ترکیه با این تهدیدات، باید گفت در بحث امنیت فردی ترکیه باوجود اینکه در قانون اساسی این کشور به برابری همه شهروندان و عدم هرگونه تبعیض بر اساس عقاید سیاسی، اعتقادات مذهبی و... تاکید شده است و همچنین رجب طیب اردوغان در سخنرانی‌های خود به این مسئله اشاره می‌کند؛ اما در واقع عملکرد این کشور مغایر با این اصول است و اقلیت کرد و علویان در این کشور، شهروندان درجه دوم محسوب شده و حقوقشان از جانب ترک‌ها رعایت نمی‌شود. در مسئله امنیت اجتماعی، ترکیه سعی دارد با طرح شعار اتحاد، تحریف تاریخ و اسلام‌ستیزی، قوم‌گرایی و پان‌ترکیسم را گسترش دهد و این تغییرات را حتی در کتب درسی مدارس و دانشگاه‌ها نیز آغاز کرده است. همچنین، تلاش می‌کند شورای ترک را تشکیل داده و با استفاده از کشورهای مختلف ترک‌زبان، هلال ترکی را ایجاد



com/2022/09/29/turkey-hit-pkk-in-northern-iraq

- « Human Rights». Published by Ministry of Foreign Affairs of the Republic of Turkey, and available in <https://www.mfa.gov.tr/%C4%B0nsan-haklar%C4%B1.en.mfa>.
- Human rights watch (2021). «world report 2022 (events of 2021)». Available in <https://www.hrw.org/world-report/2022>.
- kardas, S. (2010). «Turkey: redrawing the Middle East map or building castle in the sandcastles?» Middle East Policy, 17(1), 115-136.
- Neset Siri, Aydin Mustafa, Balta Evren and others (2021). « Turkey as a regional security actor in the Black Sea, the Mediterranean, and the Levant Region». Published in CMI Report | 2021 – number 2.

« Turkey's Perspectives and Policies on Security Issues». Published by Ministry of Foreign Affairs of the Republic of Turkey, and available in https://www.mfa.gov.tr/i_-turkey_s-security-perspective_-historical-and-conceptual-background_-turkey_s-contributions.en.mfa

قومی کردها و امنیت ملی ترکیه»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، تابستان ۱۳۸۸، دوره ۱، شماره ۲. صص ۱۸۵ – ۲۱۸.

- خالقی‌نژاد، مریم (۱۴۰۰). «پان‌ترکیسم آنکارا و قومیت‌گرایی»، منتشر شده در ۱۴۰۰/۰۸/۱۵ در مجله آنلاین تجارت فردا در <https://www.tejaratefarda.com/fa/tiny/news-39440>.
- خیری، مصطفی؛ تقی‌لو، فرامرز (۱۳۹۹). «ترکیه، بحران سوریه و سیاست مقابله با ظهور کردستان»، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، دوره ۹، شماره ۱. صص ۵۵ – ۸۴.
- ساتچ، پیتر؛ الیاس، جوانیتا (۱۳۹۴). «بنیادهای روابط بین‌الملل»، ترجمه مجید محمدشریفی. تهران: نشر میزان.
- فاطمی نسب، علی؛ حسینی، سید جلال (۱۳۹۲). «نقش ترکیه در توسعه پان‌ترکیسم و تاثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌های سیاسی، زمستان ۱۳۹۲، شماره ۸. صص ۱۰۵ – ۱۲۷.
- کاظمی، احمد (۱۳۸۵). «کتاب پان‌ترکیسم و پان‌آدریسم (مبانی، اهداف و نتایج)»، تهران: نشر ابرار معاصر.
- مرکز مطالعات جامعه و امنیت (۱۳۹۸). «معنا و مفهوم امنیت اجتماعی»، منتشر شده <https://b2n.ir/k75183>.
- مهر (۱۴۰۱). «کشته شدن ۱۸۴ نفر در عملیات نظامی ترکیه در سوریه و عراق»، منتشر شده در ۱۴۰۱/۰۹/۰۱ در خبرگزاری مهر در mehrnews.com/xYVWP.
- یورونیوز (۲۰۲۲). «ترکیه مواضع حزب کارگران کردستان را در شمال عراق هدف قرار داد»، منتشر شده در ۲۰۲۲/۰۹/۲۹ در <https://per.euronews>.

رویکرد، مسائل و سیاست‌های امنیتی آلمان

نویسندگان

سید علم‌الهدی رشیدی، علی اسفندیار و محمدجواد کریمی

چکیده

امنیت جمعی، وابستگی متقابل، روسیه

مقدمه

امنیت تعاریف گسترده‌ای دارد و در یک تعریف نمی‌گنجد؛ ولی به‌طور کلی امنیت دوری از هرگونه تهدید و در امان بودن از آسیب و خطر و آمادگی برای رویارویی با خطرات است.

نگاه دولت_ملت‌ها به امنیت متفاوت است و از زاویه‌های مختلف به آن می‌نگرند. آلمان به‌عنوان قطب جنگی در دو جنگ جهانی و پس‌از آن هم به‌عنوان خط مقدم و مرز بلوک شرق و غرب و امروزه هم به‌عنوان عضو مهم ناتو که تعاملات زیادی با شرق دارد همیشه اهمیت سیاسی و امنیتی مهمی برای اروپا و جهان داشته است. آلمان به‌عنوان قدرت اقتصادی اروپا یکی از سیاست‌گذارهای مهم در مسیر توسعه اقتصادی اروپا و اتحادیه اروپا است. در زمان جنگ سرد سیاست‌گذاری‌های اقتصادی آلمان غربی در راستای خط‌مشی امنیتی غربی بوده؛ ولی مدتی است آلمان فرای مسائل امنیتی

در بخش اول رویکرد نظری جمهوری فدرال آلمان به موضوعاتی همچون ناتو و روسیه و امنیت جمعی و وابستگی متقابل به اتحادیه اروپا و مسئله هویت و پناهندگان با توجه به نظریه‌های امنیتی مانند رئالیستی و لیبرالیستی و سازه‌انگاری پرداخته‌ایم، اینکه دولت آلمان با توجه به موضوعات تهدیدآمیز با چه دیدگاهی به مسئله نگاه می‌کند. در بخش دوم اولویت‌ها و مسائل امنیتی آلمان که جنبه عملیاتی دارند را شناسایی کرده‌ایم، مسائلی مانند امنیت انرژی و آلمان و ارتباط آن با روسیه، وابستگی پیچیده متقابل در اتحادیه اروپا، جنبه‌های تروریستی امنیت و مناقشه اوکراین. در بخش سوم سیاست‌های کارکردی امنیتی آلمان و تاثیرات متقابل ناتو بر این کشور بررسی شد. همچنین به سیاست‌های گفت‌وگوی فرهنگی در آلمان که زمینه‌ساز امنیت عمومی هم هست پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: آلمان، ناتو، امنیت، اتحادیه اروپا،

شده است.

آلمان در اتحادیه اروپا و ناتو در زمینه آزادی، امنیت و عدالت تعبیه شده است که یکی از امن‌ترین کشورهای جهان است. با این حال، تهدیدات و خطرات برای امنیت آلمان مانند جرائم سازمان‌یافته، وابستگی به انرژی و مواد خام وجود دارد. اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی و افزایش سلاح‌ها، درگیری‌های منطقه‌ای و تهدیدات نامتقارن مانند تروریسم، مهاجرت، پاندمی، بیماری‌ها و تاثیر تغییرات اقلیمی ممکن است این خطرات امنیتی را بیشتر تشدید کند.

رویکرد نظری آلمان به مسائل امنیتی

روسیه و عضویت در ناتو:

مسئله ناتو و کشورهای اروپایی و وابستگی ناتو به نیروهای دفاعی ایالات متحده آمریکا در خصوص ائتلاف‌سازی، دچار چالش‌هایی از قبیل محدودیت‌های موجود در هزینه‌های دفاعی آینده ایالات متحده شده است و کشورهای اروپایی باید انتظار داشته باشند که هزینه‌های دفاعی ایالات متحده، تهدیدات ناشی از منافع ملی ایالات متحده از آسیا را بر نگرانی‌های دفاعی اروپا در اولویت قرار دهند. با توجه به رویکرد رئالیستی آلمان به ناتو که در یک تقاطع نتیجه‌ای قرار دارد، می‌تواند مسیر وضعیت موجود را به سمت مرگ مغزی ببرد یا با تزریق رهبری آلمانی بیشتر برای بازدارندگی معتبر، همان‌طور که توسط ینس استولتنبرگ، دبیرکل ناتو

به اقتصاد نگاه می‌کند و سعی دارد با نگاه به شرق حوزه‌ی امنیتی خود را گسترش دهد. چهارمین قدرت اقتصادی دنیا و دومین کشور بزرگ اروپا از لحاظ جمعیت در کنار موقعیت استراتژیک این دشت پهناور در قلب اروپا آلمان را به‌عنوان کشوری خاص در اروپا مطرح کرده است. همچنین توان صنعتی بالای آلمان در کنار رتبه شش و بالا بودن شاخص‌های توسعه‌ی انسانی به این ویژگی‌ها جلوه بیشتری می‌دهد. همه‌ی این ویژگی‌ها باعث شده آلمان به‌عنوان یکی از رهبران اروپایی پیش‌قدم در تشکیل ائتلاف‌ها و اتحادیه‌ها و همگرایی‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی شود و بدون حضور آلمان این اتحادها را نتوان تصور کرد. در این مقاله سعی شده است که رویکرد آلمان به مسائل امنیتی در کنار شناسایی محورهای عملیاتی امنیت و نگاهی که این کشور به شرق و غرب دارد بررسی شود.

آلمان و تهدیدات امنیتی

قدرت ملی آلمان پس از جنگ سرد در قالب وحدت دوباره، نگرش ژئوپلیتیکی را در سیاست خارجی این کشور که از پایان جنگ جهانی دوم بی‌بهره از آن بود، تقویت کرد. در نتیجه این تحول، به تدریج آلمان به یک بازیگر تاثیرگذار اقتصادی - سیاسی در صحنه بین‌المللی تبدیل شد، به‌گونه‌ای که سیاست خارجی آلمان در سه محور فرا‌اتلانتیک گرایبی، اتحادیه اروپاگرایی و نگاه به شرق تحت تاثیر منافع ملی نوین این کشور دچار دگرگونی

اقتدارگرا را از طریق تفکیک قوا و دموکراسی پارلمانی می‌بندد.

زمانی که روسیه کریمه را ضمیمه کرد و جنگ نیابتی را بر سر دونباس در سال ۲۰۱۴ شعله‌ور ساخت، در نتیجه آلمان به یکی از نیروهای محرک تحریم‌های اروپا علیه روسیه تبدیل شد و تلاش‌های بازدارنده در بالتیک را تشدید کرد، از جمله اعزام بی‌سابقه نیروهای نظامی به لیتوانی (متحد ناتو). معمولاً سیاست خارجی در فهرست اولویت‌های برلین رتبه بالایی ندارد. از این رو، دولت‌های آلمان تمایل دارند به هر رویکردی که وجود دارد ادامه دهند و بر امور داخلی تمرکز کنند. تنها رویدادهای خارجی ناپه‌نجا واقعاً سیاسی می‌شوند، ادراکات را به شدت تغییر می‌دهند و برلین را وادار می‌کنند تا رویکرد جدیدی را به کار گیرد. به عنوان مثال، بحران مالی ۲۰۰۸ باعث شد آلمان بر بازسازی عمده سیاست مالی و اقتصادی در اتحادیه اروپا نظارت کند. بدبینی گسترده آلمانی‌ها نسبت به انرژی هسته‌ای با فاجعه هسته‌ای فوکوشیما در سال ۲۰۱۱ به شدت تقویت شد و باعث شد آلمان از انرژی هسته‌ای منصرف شود. علاوه بر این، سیاست‌های حزبی شکل‌دهنده وضعیت موجود است و سیاست خارجی آلمان توسط کمیته تنظیم می‌شود. وزارتخانه‌های کلیدی از خودمختاری گسترده برخوردارند و در اختیار اعضای احزاب مختلف قرار می‌گیرند که به‌طور مشترک ائتلاف حاکم را تشکیل می‌دهند؛ از آنجایی که همه این احزاب برای مرکز سیاسی

تاکید شده که خود را با شرایط آشفته و آنارشیک سازگار کند؛ بنابراین شایسته نخواهد بود به ائتلاف ناتو برای ذهنیت معمول و معمولی مبنی بر اتکای بیش از حد به نیروهای ایالات متحده، بدون رهبری و مشارکت بیشتر اروپا ادامه دهد. آلمان باید نقش برجسته‌تری در مأموریت بازدارندگی معتبر سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) داشته باشد. پیامدهای ویروس کرونا و جنگ نفتی متعاقب آن با عربستان سعودی، جاه‌طلبی‌های ولادیمیر پوتین را متوقف کرده است. با این حال روسیه همچنان می‌تواند به اهداف خود در مشروعیت‌زدایی از دموکراسی‌ها و ایجاد تفرقه در اروپا از طریق جنگ ترکیبی دست یابد.

تهدید روسیه به منزله ترس متقابل از نیات شر، برای ناتو مستلزم یک استراتژی دفاعی قوی متمرکز بر مقابله با جنگ هیبریدی، از جمله قابلیت‌های سایبری و جنگ اطلاعاتی است. دو نکته‌ای در خصوص نگرانی‌های کشورهای اروپا از سیاست ضد نظامی آلمان و رهبری بر ناتو که می‌توان اشاره کرد:

۱_ آمریکا هنوز هم بخشی از ناتو است و نیروهای آمریکا در اروپا حضور دارند، ناتو به‌عنوان یک سازمان بین‌المللی مؤثر که از هنجارهای دفاع جمعی حمایت می‌کند و هرگونه ترس از بازگشت به سیاست قدرت اروپا را از بین خواهد برد.

۲_ قانون اساسی جمهوری فدرال آلمان (قانون اساسی آلمان) روزه‌های ظهور مجدد نهادهای

امنیت و رفاه تمرکز دارد. باوجود خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا در پایان ژانویه ۲۰۲۰، پیشبرد و تقویت این یکپارچگی، به‌ویژه با توجه به شرایط پیچیده و در بسیاری موارد بحران‌زده، وظیفه اصلی سیاست خارجی آلمان باقی‌مانده است.

تصمیمات سیاسی در چارچوب نهادهای اتحادیه اروپا تنظیم می‌شود، نه علیه آن‌ها. سازش، یک شیوه زندگی در اتحادیه اروپا است و رهبری آلمان به همان اندازه که توسط اروپا شکل گرفته است، ادغام را شکل می‌دهد و در موارد حقوق قانون‌گذاری پارلمان اروپا، نهادینه شدن حقوق بشر و مشروط بودن عضویت در اتحادیه اروپا به‌شدت به این موضوع بستگی دارد. با گذشت زمان، سیاست‌گذاری به‌طور فزاینده‌ای با درجه بالایی از رسمی شدن، سیستم تقسیم قدرت و کنترل سیاست از طریق سیاست‌های ائتلافی مشخص شد. رسمی شدن سیاست خارجی، اهمیت سازمان‌های اداری و نهادی با قدرت ماندگار را افزایش داد که بر سر کمبودهای دموکراتیک اتحادیه اروپا و عدم مشروعیت تصمیمات سیاسی در اواخر دهه ۱۹۹۰ آغاز شد.

به‌عنوان مثال، توافقنامه ائتلاف سرخ_سبز، در مورد ادغام اروپا، بیان کرد که آلمان از دوره خود به‌عنوان رئیس دوازی شورای اروپا در نیمه اول سال ۱۹۹۹ استفاده خواهد کرد تا انگیزه‌های جدیدی به تعمیق و گسترش، پیش‌بینی کند. رویکرد فعال به اروپا در این توافقنامه تصریح شد که آلمان برای دموکراسی بیشتر در اتحادیه اروپا و تقویت پارلمان

رقابت می‌کنند، سیاست‌های موجود تمایل به پیروزی دارند.

آلمان که مدت‌ها مهم‌ترین و کم‌اعتمادترین متحد ناتو در مورد کرملین به حساب می‌آید، سه ستون سیاست خود در روسیه را به‌شدت تغییر داده است:

۱. در ۲۶ فوریه، آلمان سرانجام به سیاست دیرینه خود مبنی بر عدم اجازه ارسال سلاح‌های ساخت آلمان به اوکراین پایان داد.

۲. در ۲۲ فوریه، آلمان اعلام کرد که صدور گواهینامه سیستم خط لوله نورد استریم ۲ را متوقف می‌کند. این یک تغییر اساسی در سیاست آلمان بود.

۳. در ۲۷ فوریه، در نشست اضطراری بوندستاگ آلمان، شولتز اعلام کرد که آلمان یک صندوق ویژه برای نیروهای مسلح خود به مبلغ ۱۰۰ میلیارد یورو ایجاد خواهد کرد.

امینت جمعی و وابستگی متقابل به اتحادیه اروپا:

موقعیت آلمان در روند ادغام اروپایی به بهترین وجه توسط چارچوب‌های تاریخی و فرهنگی سیاست توضیح داده می‌شود. تغییر رهبری در دولت در سال ۱۹۹۸ و بحث داخلی در مورد پیمان لیسبون اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۹ نمونه آزمایشی برای رویکرد جدید آلمان به اروپا است. هیچ کشوری در اروپا به اندازه آلمان همسایه ندارد. این کشور با ۹ کشور مرز مشترک دارد. آلمان، بر ادغام پایه‌های صلح،

اروپا تلاش خواهد کرد.

مقابله با چالش‌های جهانی مانند تهدید بین‌المللی، تروریسم و پیامدهای تغییرات اقلیمی، برای کمک به حمایت از حقوق بشر و گسترش آزادی، دموکراسی و حاکمیت قانون، ترویج تجارت جهانی آزاد و بدون محدودیت شامل عرضه امن انرژی و مواد خام به‌عنوان پایه‌ای برای رفاه و محدود کردن شکاف بین مناطق فقیر و غنی از جهان بر اساس مدل اقتصاد بازار اجتماعی برای تقویت انسجام اتحادیه اروپا، ناتو و مشارکت آتلانتیک و توانایی آن‌ها در اقدامات سیاسی، اقتصادی و نظامی موثر، جهت تقویت روابط موثر با این ایالت‌هایی که اهداف و ارزش‌های آلمان را به مشارکت‌های استراتژیک تقسیم می‌کنند. اتحادیه اروپا باید در نقش اصلی خود با توجه به مفاهیم و فن‌آوری‌های در زمینه صرفه‌جویی در انرژی، بهره‌وری انرژی و انرژی‌های تجدیدپذیر و تحقیقات ایمنی هسته‌ای، سرمایه‌گذاری کند. در فهم مشترک از تهدید به دنبال یک اتحادیه امنیت انرژی اروپایی هستند که در آن اعضای همبستگی با یکدیگر در صورت مشکلات عرضه در همبستگی یکدیگر عمل می‌کنند. هدف از همکاری کشورهای عضو با یکدیگر این است که عملیات مشترکی در خصوص تهدیدها اعمال کنند و استانداردهای مشابه با توجه به ذخیره‌سازی را انجام دهد.

آلمان می‌خواهد وابستگی کشورهای آسیایی را تقویت کند تا دموکراسی، حاکمیت قانون، ثبات

سیاسی و توسعه را تقویت کند تا پیشرفت در مبارزه با تروریسم، ایجاد همکاری‌های نزدیک‌تر منطقه‌ای را تقویت کند. تداوم رویکرد آلمان به ادغام جامعه نشان می‌دهد که تعهد به اروپا عمیقاً در فرهنگ سیاسی این کشور پس از جنگ و پس از دیوار برلین گنجانده شده است. ادغام اروپایی همچنان یکی از ویژگی‌های متمایز ارزش‌ها و نگرش‌های سیاسی است که توسط رهبران آلمان در تمام احزاب سیاسی بزرگ به نمایش گذاشته شده است.

هویت و مهاجران

ظهور جنبش‌ها و احزاب پوپولیستی مانند آلترناتیو برای آلمان در بسیاری از کشورهای اروپایی مشاهده شده است. درحالی‌که یک روایت رایج بر بحران پناهندگان به‌عنوان مبنای جذابیت پوپولیست‌ها تمرکز می‌کند. احزاب پوپولیست از رویکردی برای ساخت هویت و ایجاد منافع استفاده می‌کنند که سیاست‌های خود را به‌عنوان حفاظت ضروری از هویت ملی به تصویر می‌کشد. سازه‌گرایان مفاهیم فردگرایانه زیربنای هستی‌شناسی‌های جریان اصلی دولت را زیر سوال می‌برند و در عوض بر هستی‌شناسی اجتماعی تمرکز می‌کنند و تأکید می‌کنند که دولت‌ها را نمی‌توان از بافت معنایی که هویت و علایق آن‌ها را شکل می‌دهد جدا کند. ساخت هویت به‌عنوان یک عمل اجتماعی که در آن فرآیندهای بین‌الذهانی شکل می‌دهد که بازیگران چگونه خود و دیگران را می‌بینند. سازه‌نگاری

گروهی تنبل و تهدیدآمیز برای مردم آلمان متمرکز است.

هویت نیز به گونه‌ای شکل می‌گیرد که منافی را که نیاز به امنیت و حفاظت عمومی از هویت ملی را مورد توجه قرار می‌دهد، آگاه می‌سازد. هویت دیگری، چه در پناهندگان و چه در طبقه سیاسی به‌عنوان تهدیدی برای آن منافع ملی ساخته شده است.

آلمان و روسیه، بحران انرژی

روابط اقوام اسلاو و ژرمن در طول تاریخ همواره با فرازوفروندهای بسیاری روبه‌رو بوده است و همگرایی و واگرایی و صلح و جنگ‌های متعدد را پشت سر گذاشته است. پس از فروپاشی شوروی و وحدت دو آلمان به‌سختی قابل پیش‌بینی بود که این دو کشور دوباره روابط خود را به‌سرعت بازسازی کنند اما این اتفاق افتاد. در این روابط یکی از مهم‌ترین شاخص‌های روابط دوجانبه تامین انرژی و ثبات در به دست آوردن آن بوده است.

روسیه بزرگ‌ترین تولید کننده گاز در جهان و دارای ۲۳,۳ درصد از ذخایر گاز طبیعی جهان است. همچنین روسیه دارای ۸,۹ درصد از ذخایر اورانیوم ۱۴,۴ درصد از زغال‌سنگ جهان است. همچنین منابع نفتی عظیم روسیه با ذخیره ۵,۳۳ درصد از نفت جهان و صنعت پیشرو این کشور در تولید و استخراج آن با تولید روزانه ۳ میلیون بشکه در روز (سپتامبر ۲۰۲۲) منبع مهمی برای انرژی اروپا

بر ویژگی ساختاری ایده‌ها، ارزش‌ها و باورهای مشترک به‌عنوان ساختارهای ایدئال و هنجاری که به ساختارهای مادی معنا می‌بخشد، هنجارها اقداماتی را مشخص می‌کنند که باعث می‌شود دیگران هویت بازیگر را تشخیص دهند و به آن‌ها کمک می‌کند تا بر اساس آن واکنش نشان دهند. هویت آلمانی علاوه‌برین مبتنی بر میراث فرهنگی آلمان است؛ زیرا دموکراسی و آزادی به ارزش‌های فرهنگی مشترک و سنت تاریخی آلمان تعلق دارد و زبان آلمانی را به‌عنوان نقطه کانونی شخصیت ملی قرار می‌گیرد.

به‌این ترتیب، آلمان به دنبال حفظ فرهنگ مسیحی غربی و حفظ زبان و سنت‌ها در یک دولت ملی صلح‌آمیز، دموکراتیک و مستقل برای مردم آلمان است. به عبارتی، این بر گسترش حمایت از خانواده‌های سنتی، کاهش درگیری با سیاست اتحادیه اروپا و حمایت کلی از شهروندان آلمانی، همچنین با کاهش مهاجرت، به‌عنوان اقدامات ضروری برای دفاع از منافع آلمان تمرکز می‌کند و در ساخت هویت پناهندگان، برای پناهجویانی که وارد آلمان می‌شوند، از (پناهنده و فراری) به‌عنوان تقبیح شخصیت مهاجرین به آلمان استفاده می‌شود تا بر درماندگی آن‌ها تاکید کند. سیاستمداران با انتشار روایتی نادرست از پناهجویان باعث می‌شوند که این به یک چارچوب بزرگ‌تر از ساخت هویت پناهندگان شکل بدهند و بر محتوای کمپین خود که تصویرهای بیگانه هراسان از پناهندگان به‌عنوان

۵. حمایت روسیه از آلمان برای کسب کرسی دائم شورای امنیت، دعوت و حمایت آلمان از روسیه برای ورود به مذاکرات هسته‌ای ایران، همچنین صدور مجوز عبور نیروهای آلمانی از روسیه برای ورود به خاک ازبکستان و افغانستان از دیگر نمونه‌های همکاری این دو کشور است.

۶. برخی از میداین گازی روسیه مانند روژنو روسکوی در ۳۵۰۰ کیلومتری شمال شرق مسکو قرار دارد که شرکت‌های گازی آلمان مسئولیت توسعه این میداین را بر عهده دارند و در عوض شرکت گاز پروم روسیه مسئولیت بزرگی در توزیع گاز در آلمان دارد.

گزارش‌های امنیت انرژی در آلمان بر چند محور قرار دارد:

۱. تامین انرژی در آلمان به شدت وابسته به واردات است و از چند کشور محدود واردات صورت می‌گیرد. این کشورها هم از نظر سیاسی باثبات نیستند و واردات از آنها خطر اختلالات در عرضه و نوسانات قیمت را به همراه دارد؛ بنابراین منابع سوخت‌های فسیلی آلمان، انرژی‌های تجدیدپذیر و صرفه‌جویی در مصرف انرژی مفاهیم کلیدی برای کاهش وابستگی به واردات است.

۲. منابع سوخت‌های هسته‌ای آلمان محدود هستند. لذا استفاده از انرژی تجدیدپذیر خطر دیگری را مطرح می‌کند و آن عدم اطمینان در مورد قابلیت دستیابی و استفاده از آنها است.

۳. آزادسازی بازارهای انرژی به تنوع در منابع

به‌خصوص آلمان است. این سطح از تولید و نیاز روسیه و آلمان نسبت به انرژی این مسئله را فراتر از مسئله صنعتی-اقتصادی کرده است و به آن صبغه امنیتی داده است. صنعت بزرگ آلمان در کنار منابع انرژی روسیه دو قطعه مکمل هم دیگر هستند. از طرفی به دلیل نزدیکی روسیه به آلمان به نسبت منابع انرژی خاورمیانه و قاره آمریکا، روسیه گزینه به‌صرفه‌تری برای آلمان است. در نگاه مقابل هم وجود آلمان برای روسیه بسیار حائز اهمیت است. نمونه‌هایی از تعاملات دو جانبه بین روسیه و آلمان است به شرح ذیل است:

۱. آلمان مهم‌ترین شریک تجاری و غیرتجاری روسیه در اتحادیه اروپا است و همکاری زیادی را در توسعه زیربنایی روسیه به‌خصوص در زمینه استخراج منابع انرژی داشته است.

۲. پیوستن روسیه به پروتکل توکیو در سال ۲۰۰۴ باعث تسهیل در فرایند سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران آلمانی برای مدرنیزه کردن صنایع انرژی روسیه شده است.

۳. آلمان قوی‌ترین حامی روسیه برای پیوستن این کشور به گروه هشت کشور صنعتی بوده است. «Dresdner Bank» و آلمان روابط نزدیکی با شرکت گاز پروم روسیه دارد.

۴. آلمان در کنار فرانسه و روسیه از مخالفان پیوستن اوکراین و گرجستان به ناتو بودند که به خاطر این فشارها اوکراین و گرجستان نتوانستند به ناتو ملحق شوند.



جنگ روبرو شد. بحث بر سر شکست سیاست آلمان (و اتحادیه اروپا) در قبال روسیه در ۳۰ سال گذشته و نوع اقداماتی که آلمان در حال حاضر در کمک به اوکراین می‌تواند بکند، به محمل بحث بین این کشورها تبدیل شده است.

روزی که زلنسکی پس از خروج قوای روسیه از حومه کییف به بوچا رفته بود تا از آثار قتل عام و جنایاتی که در این محل اتفاق افتاده دیدن کند، در برابر دوربین‌ها آنگلا مرکل و نیکلا سارکوزی، رهبران پیشین آلمان و فرانسه را متهم کرد که با مخالفتشان با عضویت سریع اوکراین در ناتو در سال ۲۰۰۸ در این جنایت بی‌تقصیر نیستند.

با پیوستن کریمه به روسیه و عدم تلاش قابل توجه از سوی دولت آلمان برای محکومیت روسیه و حتی بستن قرارداد نورد استریم دو، مسئله سه‌گانه روسیه_آلمان_اوکراین پیچیده‌تر شد. حزب محوری سوسیال‌دموکرات آلمان پس از جنگ سرد این سیاست را در ذهن داشته است که بدون پیوند دادن روسیه با امنیت اروپا و خلط اقتصادی این کشور در اتحادیه تنش در منطقه بیشتر و بیشتر می‌شود. این سیاست‌ها حتی با مخالفت آمریکا هم ادامه داده می‌شد تا اینکه به بن‌بست جنگ اوکراین رسید.

نورد استریم

مجموعه‌های از خطوط لوله انتقال گاز طبیعی دریایی در اروپا است که در سال ۲۰۱۱ افتتاح شد و

عرضه، تجارت و توسعه خدمات انرژی کمک می‌کند.

۴. زیرساخت‌های مناسب انرژی (زیر شبکه‌های انتقال و توزیع و...) برای امنیت عرضه ضروری است، لذا بایستی انگیزه کافی برای ایجاد و تقویت این زیرساخت‌ها وجود داشته باشد.

روسیه با وجود تعاملات و پتانسیل‌های زیاد تجاری شریک قائل اعتمادی نیست؛ زیرا این کشور سابقه قطع صدور گاز به اوکراین، بلاروس، مولداوی و تحریم نفتی استونی را دارد. از طرفی روسیه با امتناع از تصویب پیمان منشور انرژی که بر لزوم خصوصی‌سازی صنایع انرژی و دوری این صنعت از سیاست تاکید می‌کند، بر این بی‌اعتمادی می‌افزاید. آلمان تا قبل از این زمستانی که پیش‌بینی می‌شد سخت باشد (۲۰۲۲) با مسئله امنیتی برای تامین انرژی روبرو نبود؛ زیرا امنیت انرژی را در دو سطح کوتاه‌مدت و بلندمدت تامین می‌کرد.

این تامین امنیت به دلیل رعایت کردن چهار محور از طرف دولت‌های مختلف آلمانی بود:

۱. قراردادهای عرضه بلندمدت (۲۰ سال و بیشتر)؛
۲. متنوع سازی منابع عرضه گاز؛
۳. تجهیزات کافی برای ذخیره‌سازی گاز؛
۴. قراردادهای قابل فسخ با تعدادی از مشتریان؛

آلمان، بحران اوکراین و معمای امنیتی

سیاست مماشات با روسیه که به رهبری آلمان از سمت اتحادیه اروپا به پیش می‌رفت با بن‌بست

در نگاه آلمانی‌ها به امنیت دو مسئله امنیت دسته‌جمعی و وابستگی متقابل مطرح است. در امنیت دسته‌جمعی امنیت اعضا به ثبات و امنیت یکدیگر وابسته است و همه متعهد می‌شوند در برابر تهدیدات و تجاوزات واکنش دسته‌جمعی نشان دهند. در امنیت جمعی حفظ ثبات و صلح وابسته به مشارکت تمام اعضا است و نوعی وابستگی متقابل امنیتی بین همه‌ی اعضا حاکم است. در نگاه آلمانی به امنیت دسته‌جمعی سه موضوع مطرح است:

۱. حفظ صلح: یکی از مأموریت‌های مهم یک نظام امنیت دسته‌جمعی، حفظ صلح برای تداوم ثبات و در واقع جلوگیری از وقوع جنگ است.

۲. احیای صلح: بازگرداندن صلح مهم‌ترین و اصلی‌ترین وظیفه یک نظام امنیت دسته‌جمعی است.

۳. ایجاد صلح: این هدف که به آن صلح‌سازی نیز گفته می‌شود به دنبال جلوگیری از خطر بازگشت ناامنی و جنگ پس از پایان یافتن آن است و اقداماتی را شامل می‌شود که اغلب پس از پایان جنگ برای پشتیبانی از فرایندها و ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه جنگ‌زده صورت می‌گیرد تا خطر بازگشت جنگ را کاهش دهد.

آلمان به‌عنوان قطب جنگی در دو جنگ جهانی و پس‌از آن هم به‌عنوان خط مقدم و مرز بلوک شرق و غرب و امروزه هم به‌عنوان عضو مهم ناتو که تعاملات زیادی با شرق دارد همیشه اهمیت سیاسی و امنیتی مهمی برای اروپا و جهان داشته است.

با گذر از زیردریای بالتیک گاز را از روسیه به آلمان می‌رساند. طول این خطوط ۱,۲۲۲ کیلومتر و حجم انتقالی آن ۵۵ میلیارد متر مکعب در سال است. این پروژه مهم‌ترین پروژه آلمان و روسیه در زمینه گاز است که به کوشش گرهارد شرودر، صدراعظم پیشین آلمان در دو هفته قبل از انتخابات پارلمانی‌ای که شرودر را از صدراعظمی برکنار کرد، ایجاد شد که در این طرح کشورهای ترانزیت مثل اوکراین و دیگر کشورهای حائل کنار گذاشته می‌شدند و گاز مستقیماً به آلمان صادر می‌شد.

پایه‌گذاری نورد استریم ۲ در سال ۲۰۱۸-۲۰۲۱ انجام شد. انتظار بر این بود که این پروژه ظرفیت انتقال گاز را تا ۱۱۰ میلیارد متر مکعب در سال افزایش دهد. پروژه نورد استریم به دلیل نگرانی از افزایش نفوذ روسیه در اروپا و به دلیل کاهش غیرمستقیم هزینه‌های ترانزیت از خط لوله‌های فعلی در مرکز و شرق اروپا، با مخالفت شدید ایالات متحده و اوکراین و همچنین سایر کشورهای اروپای مرکزی و شرقی روبرو شده است. اولاف شولز، صدراعظم آلمان، صدور گواهی‌نامه نورد استریم ۲ را در فوریه ۲۰۲۲ به حالت تعلیق درآورد، علت این امر اقدام ولادیمیر پوتین در به رسمیت شناختن دو منطقه خودمختار دونتسک و لوهانسک اوکراین بود و از این طریق امنیت انرژی آلمان با خطرات جدی روبرو شد.

وابستگی متقابل پیچیده در اتحادیه

آلمان و تروریسم

با توجه به خلط شدن فرهنگ‌ها و جوامع مختلف در هم و گسترش ابعاد جهانی شدن مخاطرات اجتماعی_امنیتی، ابعاد جهانی به خود می‌گیرند. تروریسم یکی از این ابعاد است که با رشد خود از طریق فضای آنلاین به ابعاد جدیدی در تبلیغات برنامه‌ریزی و عملیات رسیده است. تروریسم در آلمان مسئله‌ای کاملاً در انحصار گروه‌های اسلام‌گرا نیست و سیری تاریخی را طی کرده است. برای مثال والتر راتناو در سال ۱۹۲۲ پس از امضای عهدنامه مودت آلمان و شوروی راپالو توسط گروه‌های راست افراطی مورد سو قصد قرار گرفت، یا اینکه چند تن از فرماندهان مهم پلیس آلمان در سال ۱۹۳۱ توسط گروه‌های راست افراطی ترور شدند.

تروریسم در آلمان غربی

در بحبوحه جنگ سرد گروه‌های چپ به‌وسیله تجهیزات و پشتیبانی آلمان شرقی اقدام به سلسله عملیاتی کردند که در طول دو دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی خسارات جانی و مالی زیادی به آلمان غربی وارد کرد. یکی از مهم‌ترین این عملیات در بازی‌های المپیک تابستانه ۱۹۷۲ مونیخ صورت گرفت که در آن ۱۱ اسرائیلی و یک آلمانی به‌علاوه ۵ نفر از مهاجمان کشته شدند.

این روند تروریسم در آلمان پس از جنگ سرد به گروه‌های دیگری واگذار شد که از خاورمیانه

سیاست خارجی_امنیتی آلمان: هرچند که در دوران جنگ سرد، تصمیمات سیاست خارجی و امنیتی آلمان غربی و شرقی کاملاً تحت تاثیر فضای نظام دوقطبی قرار داشت؛ اما پس از جنگ سرد، این کشور با اتحاد و اصلاح قانون اساسی و اجازه حضور نیروهای نظامی خود در عملیات مدیریت بحران خارج از مرزها تلاش کرد به‌صورت قابل‌توجهی در تحولات منطقه‌های و بین‌المللی در چهارچوب اتحادیه اروپا، ناتو و سازمان ملل متحد ایفای نقش کند و در برخی موارد نیز حتی نقش اساسی در موفقیت آن‌ها داشت.

سیاست داخلی_امنیتی آلمان: از میان مؤلفه‌های داخلی تاثیرگذار بر سیاست دفاعی و امنیتی آلمان به نظر می‌رسد دو مؤلفه اصل مسئولیت بیشتر» و «فرهنگ استراتژیک» بیش از سایر مؤلفه‌ها بر سیاست دفاعی و امنیتی آلمان تاثیرگذار بود. در نگاه مسئولیت‌پذیر آلمانی به سیاست خارجه قدرت بیشتر، مسئولیت بیشتر را به همراه می‌آورد، پس نگاه به شرق به‌عنوان عاملی برای مشارکت آلمان در سطح جهانی به‌عنوان استراتژی جدید مطرح می‌شود. مؤلفه‌ی بعدی فرهنگ استراتژیک آلمان است که از دو مکتب فکری بعد از شکست آلمان در جنگ جهانی دوم ریشه گرفته است؛ یعنی فلسفه «جنگ دیگر هرگز» و «به‌تنهایی جنگ هرگز». همه‌ی این‌ها باعث شده است آلمان به دنبال مشارکت بیشتر در تأمین امنیت در سطح بین‌المللی برود.

ابعاد تروریسم مقابله با آن هم رویکردی همکاری طلبانه می‌خواهد و در سطح بین‌المللی باید با آن برخورد شود. آلمان به دلیل توریست فرستی بالا باید بتواند امنیت شهروندان آلمانی در دیگر نقاط جهان را هم تامین کند. در حادثه تروریستی استانبول در سال ۲۰۱۶، ۱۲ توریست آلمانی کشته شدند. پس رویکرد امنیتی آلمان برای مقابله با تروریسم باید رویکردی جهانی باشد.

مقابله آلمان با تروریسم

۱. رویکردهای مهاجرپذیری: شرایط برای ورود و پذیرش مهاجران جدید به‌خصوص مهاجران خاورمیانه‌ای و سوری به‌وسیله‌ی دولت آلمان سخت‌تر شده تا از ورود تروریسم به خاک آلمان جلوگیری شود.

۲. همکاری با مسلمانان: همکاری با مسلمانان برای دریافت اخبار و اطلاعات مربوط به اقدامات مشکوک از جمله طرح‌های امنیتی آلمان است. در سال ۲۰۱۴ پدر یک فرد عضو داعش به نام ایوب. ب پلیس آلمان را از سفر مشکوک پسرش به سوریه خبردار کرد و در نتیجه مشخص شد ایوب و دوستانش به عضویت داعش درآمده بودند.

۳. استفاده از تکنولوژی: پلیس آلمان برای شناخت سریع عوامل تروریستی در سال ۲۰۱۷ در یکی از ایستگاه‌های قطار تکنولوژی تشخیص چهره را از طریق سیستم‌های بیومتریک نصب کرد تا بتواند عوامل تروریستی را به‌سرعت پیدا کند که با

سرچشمه می‌گرفت. آلمان به دلیل مهاجرپذیری بالا بستر مناسبی برای رشد گروه‌های تروریستی است. گروه‌های کرد، ترک چه از نوع اسلام‌گرا و چه از نوع ملی‌گرا یا گروه‌های عرب عراق و مدیترانه چه با دیدگاه‌های چپ و چه با دیدگاه‌های سلفی دارای پشتیبانی مالی و انسانی مناسبی در آلمان هستند. در طرف مقابل هم گروه‌های راست افراطی که همگی از شهروندان آلمان که حمله به مراکز اسلامی و مساجد در دستور کار آنها قرار دارد و در خانه‌هایشان مسلسل دست‌ساز، نارنجک دست‌ساز و سلاح‌های سرد و گرم پیدا شده بود.

مقابله با تروریسم

آلمان بخشی از اتحادیه اروپا است و قوانین و الزاماتی را که اتحادیه وضع می‌کنند را رعایت می‌کند. مبارزه با تروریسم نوین در سطح اروپایی به سال ۱۹۹۷ برمی‌گردد که در کنوانسیون اروپایی «سرکوب تروریسم» تصویب شد. در این قوانین هرگونه آسیب جسمی و ذهنی و اختلال و خرابکاری در بخش‌های مهم کامپیوتری و اختلال ارتباطی و تخریب ساختمان و در سطح کوچک‌تر آن، هرگونه آموزش و یا ساخت مواد منفجره بدون مجوز و استفاده از سلاح گرم و سرد و آموزش تاکتیک‌های تروریستی ممنوع بوده و مجازات سنگین دارد. این قوانین متأثر از قوانینی است که در کنوانسیون اروپایی سرکوب تروریسم در آلمان اجرا می‌شود. البته همان‌طور که گفتیم با توجه به گسترش



خانوارهای آلمانی تا ۸۰ درصد افزایش داشته است. البته این هزینه‌ها به‌وسیله مردم پرداخت می‌شود.

ناتو و همکاری با آلمان

قلب پیمان ناتو ماده پنج آن است که در آن کشورهای امضاکننده توافق کرده‌اند حمله نظامی علیه یک یا چند کشور عضو را به‌عنوان حمله به‌تمامی کشورهای عضو تلقی کنند و به مقابله آن برخیزند. ناتو در حال حاضر بزرگ‌ترین پیمان نظامی در جهان است و با پیوستن مونته‌نگرو و مقدونیه شمالی، اعضای آن به ۳۰ کشور رسیده است.

در دوران جنگ سرد به‌منظور جلوگیری از حمله نیروهای آلمان شرقی و شوروی به آلمان غربی، تقویت پیمان ناتو و سپردن امور آن به دست ایالات‌متحده آمریکا نیز ضرورت یافته بود. در دسامبر ۱۹۵۰ ژنرال آیزنهاور به فرماندهی نیروهای ناتو در اروپا منصوب شد و دو سال پس از آن در فوریه ۱۹۵۲ در نشست لیسبون که مهم‌ترین گردهمایی اعضای ناتو بود فرماندهی ناتو به وجود آمد و در همین حین ضرورت تقویت و الحاق آلمان به ناتو مطرح شد. همچنین قرار شد نیروهای ناتو طی دو سال از ۲۵هنگ به ۹۶ هنگ افزایش یابد و اروپا به پنج ناحیه تقسیم شود. در همین سال ترکیه و یونان به ناتو پیوستند و طرحی برای الحاق آلمان پیشنهاد شد و این طرح با مخالفت فرانسه در ۱۹۵۴ شکست خورد و آلمان در ۱۹۵۵ از طریق اتحادیه اروپای غربی وارد ناتو شد.

مخالفت مدافعان حریم خصوصی مواجه شد.

۴. تشدید نظارت بر فضای مجازی.

۵. نظارت بر برخی از خاستگاه‌های مالی و فکری تروریسم مانند مراکز دینی و برخی باشگاه‌های ورزشی که راست افراطی از طریق آن‌ها پشتیبانی می‌شود.

۶. افزایش نیروهای ضد تروریسم تا یک‌سوم.

محیط‌زیست

اولین علائم هشداردهنده برای عدم اطمینان به روسیه در سال ۲۰۰۶ در مناقشه گازی روسیه-اوکراین ظاهر شد. این نشانه‌های عدم ثبات روسیه برای انتقال گاز باعث شد سیاست‌های تولید انرژی آلمان به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر برود. در سیاست تامین انرژی جدید آلمان در سال ۲۰۰۷ برنامه «انرژی و آب‌وهوای یکپارچه» منعقد شد که طبق این برنامه باید تا سال ۲۰۲۰ میزان تولید برق آلمان از انرژی‌های تجدیدپذیر از ۱۳ درصد به ۳۰ درصد و به ۶۰ درصد در سال ۲۰۵۰ برسد.

از طرف دیگر با توجه به مصرف زیاد زغال‌سنگ (یک‌چهارم برق آلمان از زغال‌سنگ تولید می‌شود) و این مصرف زیاد باعث تولید آلاینده‌های جوی زیادی می‌شود، به‌طوری‌که ۲۰ درصد از تولید گازهای گلخانه‌ای آلمان حاصل سوختن زغال‌سنگ است. در آلمان این چرخش اجباری امنیتی در تولید برق به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر باعث افزایش هزینه‌های تولید برق شده به‌طوری‌که در سال دهه گذشته میلادی هزینه‌های مصرف برق

ناتو و مشارکت فعال آلمان در سیاست نظامی منطقه‌ای و بین‌المللی

چشمگیری داشته است. او به مدت شش ماه نیز به همراهی هلند فرماندهی نیروه ایساف در افغانستان را بر عهده گرفت.

خط‌مشی ناتو و عقب‌ماندگی آلمان

با توجه به درگیری‌های روسیه و اوکراین و ورود ناتو در این درگیری و گرفتن مساعدت از کشورهای عضو خود؛ اولاف شولتس صدراعظم آلمان در یک سخنرانی خطاب به پارلمان کشورش که در فاصله کمی بعد از حمله روسیه به اوکراین در پایان ماه فوریه انجام داد اعلام کرد، آلمان «بیش از دو درصد تولید ناخالص داخلی را سالانه» برای بخش نظامی سرمایه‌گذاری خواهد کرد و همچنین از تشکیل صندوقی ویژه به ارزش ۱۰۰ میلیارد یورو باهدف کمک به تحقق این هدف خبر داد. کریستین لامبرشت، وزیر دفاع آلمان اخیراً با بازبینی در این هدف آن را اصلاح و به میانگین دو درصد تولید ناخالص داخلی در پنج سال آینده تبدیل کرد که به‌صورت بالقوه باعث خشم متحدانی شد که آلمان را به جا ماندن از این خط‌مشی اعلام شده ناتو متهم کردند.

روزنامه آلمانی رای‌نیشه پست با استناد به تحقیق انستیتوی تحقیقات اقتصادی IW نوشت: به‌رغم صندوق ویژه ۱۰۰ میلیون یورویی، هدف دودرصدی به آینده‌های دور دست موکول شده و حتی تدارکات لازم نیز در کوتاه‌مدت پیشرفت ندارند. طبق گزارش این روزنامه، بودجه نظامی عادی آلمان بدون در نظر

پس از فروپاشی شوروی و در اوایل دهه آخر قرن بیستم، ناتو دچار بحران هویت شد؛ ولی توانست به‌واسطه بازتعریف خود و همچنین محیط امنیتی پیرامونش این بحران را پشت سر بگذارد و با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۲ کوشید به اهداف نوین خود شکل عینی‌تر بدهد. در همین راستا راهبرد اقدام در خارج از قلمرو را تصویب کرد و با پذیرش رهبری نیروهای بین‌المللی کمک به امنیت افغانستان (ایساف) و حضور رسمی در افغانستان، نخستین تجربه عملی اقدام «خارج از قلمرو» خود را به نمایش گذاشت. لذا از زمانی که ناتو تصمیم گرفت تا در فرایند ایجاد صلح، اجرای صلح و عملیات حفظ صلح شرکت کند، حوزه اختیارات دفاعی آن نیز به‌طور رسمی تغییر کرد. به‌طوری‌که حملات یازده سپتامبر، ناتو را به ایفای نقش یک پیمان جهانی کشانید و ماموریت‌های خارج از محدوده نیز به بخش رسمی راهبرد ناتو در سال ۲۰۰۲ تبدیل شد.

ناتو مهم‌ترین سازمان دفاعی و امنیتی است که آلمان تاکنون به عضویت آن درآمده است. آلمان فدرال غربی در سال ۱۹۵۵ به عضویت این پیمان درآمد اما از ۵ مه ۱۹۹۵ و پس از وحدت، مجدداً به‌صورت رسمی به ناتو ملحق شد و از ماه مارس ۱۹۹۵ در ماموریت‌های ناتو در کوزوو و همچنین عملیات ایساف (ISAF) در افغانستان و... حضور

و مراکشی‌ها قرار دارند که بخشی از جمعیت آلمان را تشکیل می‌دهند.

دین مسیحیت مذاهب مختلفی را در این کشور دارد که از بزرگ‌ترین آن‌ها می‌توان به کاتولیک، پروتستان و ارتودکس اشاره کرد. دین اسلام نیز شامل اهل تسنن، تشیع و چند مذهب دیگر می‌شود. درصد بالایی از مردم این کشور خود را خدایپرست می‌دانند، از این دسته ممکن است افرادی از دین خاصی پیروی نکنند و تنها خدایپرست باشند. دین رسمی آلمان اجباری نیست و مردم می‌توانند هر دینی را در این کشور دنبال کنند. همچنین، مردم می‌توانند دینی داشته باشند یا از دینی پیروی نکنند. همانند بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا، در آلمان نیز آزادی بیان وجود داشته و مردم می‌توانند در چهارچوب قانون به اعتقادات خود عمل کنند.

در بحث گسترش اسلام در آلمان می‌توان گفت در سال‌های گذشته مراکز تشیع در آلمان افزایش پیدا کرده‌اند و در شهر برلین تمرکز یافته‌اند. به همین دلیل، غالب شیعیان آلمان در شهر برلین و در کنار دیگر شخصیت‌های شیعه حاضر در این شهر زندگی می‌کنند. با گسترش مهاجرت دانشجویی و کاری به این کشور پیشرفته، احتمالاً در آینده ترکیب جمعیتی این کشور همچون گذشته تغییر خواهد کرد و درصد‌های هر دین حالت جدید به خود خواهد گرفت. احتمالاً در آینده درصد افرادی که از دینی پیروی نمی‌کنند، افزایش می‌یابد و

گرفتن صندوق ویژه باید در صورتی که دولت آلمان به دنبال تحقق هدف دودرصدی است، هر سال باید دست‌کم پنج درصد افزایش یابد.

به نوشته بلومبرگ، طبق برآوردهای ناتو، هزینه‌های نظامی آلمان در سال جاری میلادی حدود ۴,۱ درصد تولید ناخالص داخلی بوده است. این در حالی است که بودجه‌های نظامی فرانسه، انگلیس و آمریکا به ترتیب ۹,۱ درصد، ۱,۲ درصد و ۵,۳ درصد بوده‌اند. انستیتوی تجارت آلمان IW از سوی حدود ۱۱۰ شرکت آلمانی و انجمن‌های کارفرمایان تامین مالی می‌شود.

امنیت و گفت‌وگوهای بین فرهنگی در آلمان

در کشور آلمان ادیان مختلفی وجود دارد که از آن‌ها می‌توان به مسیحیت، اسلام و یهودیت اشاره کرد. مسیحیت از بین این ادیان الهی بیشترین درصد را به خود اختصاص داده است و دین رسمی آلمان محسوب می‌شود. ۶۵ تا ۷۰ درصد مردمی که دینی را می‌پرستند مسیحی هستند. در واقع دین اکثریت در آلمان مسیحی است که در رتبه بعدی دین اسلام قرار دارد.

درصد بالایی از مسلمانان آلمان، از مهاجران ترک بوده و در رتبه بعدی ایرانیان مقیم آلمان و در رتبه آخر، مسلمانان بومی آلمان هستند. باید این نکته را در نظر داشته باشید که درصد بالایی از مهاجران ترک به این کشور دارای دین مسیحیت ارتودکس هستند و در رتبه‌های بعدی مسلمانان، پاکستانی‌ها

مقایسه با دیگر کشورهای اروپایی کشوری امن برای مهاجرین باشد و به‌طور کلی دین‌داری و آزادی دین جز در موارد حساس که موجب نقض قانون اساسی آلمان می‌شود به فضای امنیتی آلمان صدمه‌ای وارد نمی‌آورد.

نتیجه‌گیری

موقعیت ژئوپولیتیک آلمان به‌گونه‌ای است که این کشور را در نزدیکی تهدیدات قرار داده است و سیاست‌های امنیتی این کشور هم در پوشش غربی با نگاه به شرق چیدمان می‌شوند.

تردیدی نیست که انباشت قدرت آلمان پس از اتحاد در کنار باز شدن فضای ژئوپولیتیک جهانی به‌واسطه فروپاشی نظام دوقطبی، اجماعی میان نخبگان سیاسی، احزاب و افکار عمومی آلمان ایجاد کرد که طبق آن لازم است تا این کشور به بازاندیشی رفتار سیاست خارجی خود متناسب با محیط نوین ژئوپولیتیکی در منطقه اروپای مسیحی و خارج از آن کند؛ باین‌حال، هنوز شخصیت سیاست خارجی آلمان به‌راحتی قابل تحلیل نظری نیست. آلمان به دنبال ارائه تصویری از خود در نظام بین‌الملل است که آن را از سایر دول غربی متمایز سازد. اگر این تمایز در گذشته در قالب غیر استعمارگرا بودن سیاست خارجی آلمان جلوه‌گری می‌کرد، هم‌اکنون این کشور تکیه‌بر نقش سازمان‌ها و مذاکرات بین‌المللی در برقراری صلح، ترویج اصل عدم توسل به‌زور حتی در بحرانی‌ترین

درعین‌حال ادیان مختلف، عقاید خود را بین افراد مختلف جامعه ترویج خواهند کرد.

برای ترویج مذهب شیعه همانند دیگر مذاهب و ادیان، تلاش‌هایی از سمت ایران صورت گرفته است. با تاسیس مراکز مختلف در صدسال گذشته نرخ گرویدن به مذهب شیعه در آلمان افزایش داشته است. بعضی از مسلمانان تمایل دارند که در مساجد به عبادت بپردازند و با دیگر مسلمانان آشنا شوند. این امکان برای آن‌ها وجود دارد و افراد مسلمان در آزادی کامل می‌توانند به مساجد وارد شده و برنامه‌های آن را دنبال کنند، این شرایط برای دیگر ادیان حاضر در آلمان نیز وجود دارد و افراد با هر دین و عقیده‌ای به‌راحتی می‌توانند اعتقادات خود را دنبال کنند.

لازم به ذکر است که تمام این مناسک باید در حدود معینی انجام شوند و تعدی از قوانین حاکم بر کشور خطرات بسیاری را به همراه خواهد داشت؛ عبادت و برگزاری مناسک دینی باید در چهارچوب عنوان‌شده در قانون صورت بگیرد و نباید هیچ توهین یا تعدی به دیگر مذاهب وارد شود. اگر این موارد رعایت نشوند، دولت می‌تواند با افراد خاطی برخورد کند.

به دلیل کنترل‌های صورت گرفته در این کشور، مردم با آرامش عقیده خود را دنبال می‌کنند، داشتن دین یا پیروی از دین رسمی آلمان اجباری نبوده و افراد می‌توانند بی‌دین یا لائیک باشند. این بسترهای شکل گرفته سبب شده است که آلمان در

فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۱(۱)، ش.م: ۷۹.

- جابری، ۱۳۹۶، آینده پژوهی آلمان، مطالعات بنیادین حکومتی، ش.م: ۵۳۱
- حبیب‌الله ابوالحسن شیرازی، (۱۳۸۹) تاثیر نقش انرژی بر روابط دوجانبه آلمان و روسیه، دوره ۳، شماره ۱۲، ص ۱۰۱_۱۱۸.

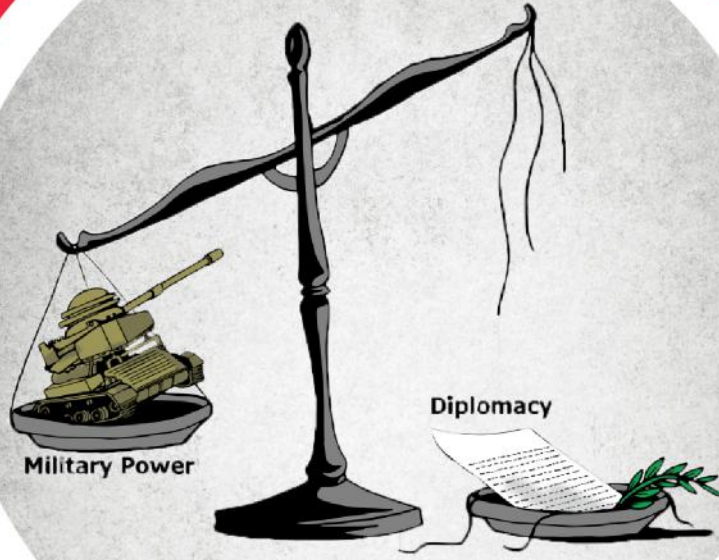
- خدادوست، جبار، وفایی زاد، فاطمه ۱۳۹۸، ترجمه مقاله تام دایسون، امنیت انرژی و پاسخ آلمان به تجدید نظرطلبی روسیه، خطرات قدرت مدنی، مجله بین‌المللی پژوهش ملل، دوره چهارم شماره ۴۵.

- Belkin, P, (2009). German Foreign and Transatlantic Implication. Analyst in European Affairs. 34(1).
- Blohm, M, (2003) Rights or Identity? Naturalization Processes among «Labor Migrants» in Germany. International migration review. 37. 133-162.
- Petersmann, E. (2020). German and European ordo-liberalism and Constitutionalism in the post-war development of international economic law. Department of Law. 1725-6739.
- A. Petzsche, 2012, The European Influence on German Anti-Terrorism Law Article in German Law Journal · Dol:10.101

شرایط بین‌المللی نیز می‌توان اشاره کرد. به صورت کلی نقش آلمان در بسیاری از مسائل امنیتی اروپا پررنگ است و هر طرف از مناقشه با نگرش همکاری جویانه سعی در استفاده از موقعیت راهبردی آلمان دارد.

منابع

- سیاست دفاعی و امنیتی آلمان در دوران پس از جنگ آلمان، سیدمحمد طباطبایی، جبار خدادوست، فصلنامه روابط بین‌الملل، سال دهم، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۶ ص ۶۲_۹۹.
- ماهیت روابط متقابل آلمان و فدراسیون روسیه در آسیای مرکزی، خسرو خوزانی، وثوقی و ابراهیمی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز شماره ۱۱۳، بهار ۱۴۰۰.
- محمد صادقی، سیدمهدی، جنبش ضد پگیدا و چالش‌های فراروی آلمان. فصلنامه مطالعات بین‌المللی. سال سیزدهم شماره ۱. تابستان ۱۳۹۵، ص ۱۸۴_۱۵۹.
- کیانی، ۱۳۹۱، سیاست خارجی آلمان در ژئوپلتیک نوین بین‌المللی، فصلنامه روابط خارجی. ۴، ۳، ۱۲۹_۱۶۴.
- مالکی، ۱۳۹۹، سیاست‌های امنیتی و دفاعی آلمان چرخش راهبردی، مطالعات سیاسی ش.م: ۷۳_۱۷۲.
- ملائکه، حسن، ۱۳۹۲، روابط آلمان و اسرائیل در دوره صدارت آنگل مرکل کلید فهم سیاست خارجی آلمان در خاورمیانه، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌الملل، ۱۷، ۸۹_۱۲۰.
- حاجی یوسفی، احمدی، ۱۳۹۶، راهبرد امنیتی آلمان در غرب آسیا و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران



گاہنامہ علمی جدال
